

دستگاه

رشد آموزش

مادرسات آموزش
پایه های پیش دبستانی و ابتدایی
پژوهش های نوین آموزشی

اصول نظام آموزشی تحلیلی و اطلاع یابی | برای مربیان پیش دبستانی، والدین، مدرسان و دانشجو یان |
دوره هفتم | شماره ۳ | بهار ۱۳۹۶ | صفحه ۶۲ | پیاکف: ۸۹۹۵۰۷ | پیاکف: ۳۰۰۰۸۹۹۵۰۷
www.roshd-mag.ir



○ نظم پذیری در کودکان

○ ارتباط دوره پیش دبستانی با مهارت های مورد نیاز کلاس اول

○ ایجاد امنیت در محیط های آموزشی کودکان، نه به هر قیمتی

○ بازی های پویا

○ آموزش پیش دبستانی در مناطق عشایری

سال نو مبارک



الهام الیکایی



سیدغلامرضا فلسفی



مسعود تهرانی فرجاد



دکتر فرخنده مفیدی
سر دبیر



مرتضی مجدفر



مرتضی طاهری



فریده عصاره

همکاران مجلهٔ رشد آموزش پیش دبستانی



گفت‌وگو با دکتر محمد علی آبادی



گفت‌وگو با دکتر منصوره کریم‌زاده و دکتر زیلا عزیزی



گزارش از کارگاه آموزش تربیت جنسی با سخنان خانم دکتر راضیه معصومی



گفت‌وگو با محمود حکیمی



گفت‌وگو با محمود سلطانی و مریم مرادی



گفت‌وگو با حمیدرضا محمدیگی



گزارش از خانهٔ شادی در قزوین

جلسات
سال ۹۵



فصل نامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی | برای مربیان مراکز پیش دبستانی، والدین، دانشجویان و کارشناسان آموزشی | دوره هشتم | شماره ۳ | بهار ۱۳۹۶ | ۶۴ صفحه

بسم الله الرحمن الرحيم

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی
شرکت افست

مدیرمسئول: محمد ناصری
سر دبیر: دکتر فرخنده مقیدی
هیئت تحریریه:
مرتضی طاهری
فریده عصاره
مرتضی مجدفر
مسعود تهرانی فرجاد
سیدغلامرضا فلسفی
مدیرداخلی: الهام الیکایی
ویراستار: افسانه حجتی طباطبائی
طراح گرافیک: مهسا قباپی
طراح جلد: علیرضا پورحنیفه
نشانی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵
تلفن ۹ - ۸۸۸۳۱۱۶۱ - ۰۲۱ (داخلی ۳۷۴)
نمابر: ۸۸۴۹۰۱۰۹
وبگاه: www.roshdmag.ir
پیام نگار: pishdabestani@roshdmag.ir
تلفن پیامگیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
کد دفتر مجله: ۱۱۳
کد امور مشترکین: ۱۱۴
نشانی امور مشترکین:
تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱
تلفن بازرگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸
پیامک: ۳۰۰۰۹۹۵۰۷
roshdmag :
شمارگان: ۶۸۰۰ نسخه

- یادداشت سردبیر / بهار، فصل گویای طبیعت / ۲
- آموزشی / آموزش پیش دبستانی در مناطق عشایری / صفرعلی یازلو / ۴
- آموزشی / ضرورت ورود اقتصاد مقاومتی در برنامه درسی پیش دبستان / مهدی مروجی / ۸
- نقد و نظر / فردا دیر است! / نصرالله دادار، مرتضی طاهری / ۱۱
- آموزشی / در کلاس من / ترجمه زری آقاجانی / ۱۲
- گفت و گو / انگار پیش دبستانی ها را از آموزش و پرورش جدا کرده اند؟ (پای صحبت حمیدرضا محمدبیگی) / ۱۴
- آموزشی / پنج تا E بارزش! / مرتضی مجدفر / ۱۸
- آموزشی / دو روی یک سکه / مسعود تهرانی فرجاد / ۲۲
- گفت و گو / رابطه مادر و نوزاد، اوج ایمان است (پای صحبت مهندس محمود سلطانی) / ۲۴
- با مادر بزرگ ها / بازی های پویا / فریده عصاره / ۲۸
- خاطره / جای امن / وحید پور تقی / ۳۱
- آموزشی / ایجاد امنیت / دکتر مرجان گودرزی / ۳۲
- آموزشی / آموزش سواد رسانه ای: کودکان پیش دبستانی چه می توانند بیاموزند؟ / ترجمه سیدغلامرضا فلسفی / ۳۴
- خاطره / کودک من / مریم پورسلطانی و مهدی اسماعیلی / ۳۸
- آموزشی / نظم پذیری در کودکان / ترجمه دکتر نیره شاه محمدی / ۴۱
- آموزشی / ارتباط دوره پیش دبستانی با مهارت های مورد نیاز کلاس اول / دکتر پرستو حریری، فاطمه بختیاری / ۴۴
- آموزشی / لطفاً مداد را درست دستتان بگیرید! / ابراهیم قدردان / ۴۸
- گزارش / آنچه والدین و مراقبان کودکان صفر تا ۷ ساله باید درباره تربیت جنسی بدانند (گزارشی از کارگاه آموزش تربیت جنسی با سخنان دکتر راضیه معصومی) / ۵۰
- آموزشی / تفکر، قطعه ای گم شده از جورچین تعلیم و تربیت کودک / دکتر ژیلای عزیز / ۵۴
- آموزشی / کارگاه هنر خلاق / فریماه تابعی / ۵۶
- آموزشی / پیشنهادهای مناسب ویژه مربیان و خانواده / مجید کاظمی / ۵۸
- معرفی کتاب / برنامه آموزش خلاق برای پیش دبستان ۲ / ۶۳



قابل توجه نویسندگان و مترجمان محترم:

• مقاله هایی را که برای درج در مجله می فرستید، باید با آموزش پیش دبستانی مرتبط باشد و قبلاً در جای دیگری چاپ نشده باشد. • مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. • مقاله یک خط در میان، در یک روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا ماشین شود (مقاله ها می توانند با نرم افزار ورد - Word - و بر روی لوح فشرده (CD) یا فلاپی یا از طریق پست الکترونیکی مجله نیز ارسال شوند). • نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. • محل قرار گرفتن جدول ها، نمودارها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. • مجله در، رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. • آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رأی و نظر مسئولان رشد آموزش پیش دبستانی نیست. بنابراین، مسئولیت پاسخ گویی به پرسش های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است. • مجله از عودت مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نمی شود، معذور است.



بهار

سلام به بهار، فصل گویای طبیعت و تریک و شادباش فراوان به خوانندگان و دوستداران فصل نامه پیش دبستانی به مناسبت فرا رسیدن بهار. فصل تازه، زیبا و شادی آفرین بهار را بهانه‌ای برای یادآوری چند مطلب زیربنایی می‌کنم؛ چرا؟

● بهار را می‌توان عاطفی‌ترین فصل طبیعت دانست. کودکان در این فصل به محیطی عاطفی و سرشار از پاسخ‌گویی نیاز دارند. عواطف کودکان به‌طور جدی تحت تأثیر پاسخ‌گویی مربیان و بزرگ‌ترهای پاسخ‌گو و مسئول است؛ به این معنی که اگر لذت و شادی کودکان در سال‌های اولیه به وسیلهٔ مربیان و پدر و مادر و بزرگ‌ترهای خوش‌ذوق و آگاه از عواطف و هیجانات کودک تقویت شود و مورد توجه قرار گیرد، امنیت روانی کودک نیز مستحکم‌تر می‌شود. در حالی که اگر عواطف و هیجان‌های کودک رفتارهایی آزاردهنده، نامناسب و ناپسند تفسیر گردند، مدار و گردش طبیعی این احساسات دچار گيجی و ابهام و بلکه ناسالم می‌شود. واکنش و نگرش سالم یک مربی و فرد مراقب کودک در این سال‌های **شکل‌گیری هیجانی**، فضایی مثبت را برای کودکان خردسال فراهم می‌آورد که نه تنها بر **امنیت عاطفی** و طبیعت سالم آن‌ها، بلکه بر بسیاری از زمینه‌های رشد ادراکی و شناختی‌شان نیز اثرگذار است. کودکانی که احساس امنیت و حمایت پیدا می‌کنند، به‌طور طبیعی خواهند توانست کنج‌کاو نشانی دهند، به سیر در طبیعت بپردازند، مشتاق تجربه کردن چیزهای تازه باشند و عقاید خود را نیز به راحتی ابراز نمایند. ایجاد یک **محیط عاطفی** مناسب و همراه با درک تفاوت‌های فردی کودکان، موجبات احترام گذاشتن به آن‌ها را فراهم می‌آورد؛ به این معنی که هر کودک جایگاهی برای جمع‌آوری چیزهای «ارزشمند» خاص خود را در این فضای سالم و طبیعی به دست می‌آورد و احساس **خودارزشی** پیدا می‌کند. **به چه زیباست توجه به این ارزشمندی در شروع بهار و تجربه کردن فکر نو دربارهٔ کودکان و احساسات آن‌ها.**

● اهمیت آموزش محیط‌زیست به خوبی در سطح جهانی و در میان جوامع شناخته شده است. اگرچه در سرمقالهٔ پاییز ۹۵ به این مهم قدری پرداخته‌ام، ولی در این فصل نیز یادآوری آن را بی‌مناسبت نمی‌دانم. آموزش محیط‌زیست، به‌عنوان ابزاری پایدار در حفاظت از آن در سراسر دوره‌های آموزشی، در حال رشد است. در این میان، دوران کودکی اهمیت زیادی در ایجاد **نگرش‌های محیط‌زیستی** دارد و آموزش آن در این دوران، راهی برای پرورش نگرش‌های محیط‌زیستی در انسان است. این نگرش‌ها که در دوران کودکی شکل می‌گیرند، می‌توانند مادام‌العمر و تغییرناپذیر باشند. اگر ما بخواهیم آنیم که در نسل‌های بعدی کودکان به زمین و طبیعت احترام بگذارند، از همین امروز باید شروع کنیم و در برنامهٔ درسی دوران کودکی، آموزش این موضوع مهم و رابطهٔ متقابل فعالیت‌های انسانی و محیط‌زیست را مورد توجه قرار دهیم. **به چه زیباست ایجاد نگرش‌های محیط‌زیستی از راه فراهم آوردن برنامه‌های آموزشی و پرورشی کودکان.**

● نکتهٔ دیگر توجه به مهارت آموزشی در کنار و یا حتی به جای سواد محض آموزی است. با توجه به اینکه رشد همه‌جانبهٔ انسان در زمینه‌های روانی، جسمانی، شغلی، شناختی، اخلاقی و عاطفی صورت می‌گیرد، تسلط در هر یک از این زمینه‌ها نیازمند مهارت‌ها و توانایی‌هایی است. بدون تردید گذر از مراحل رشد وابسته به کسب مهارت‌هایی است که از این مهارت‌ها با عنوان مهارت‌های زندگی یاد می‌شود. منظور از مهارت‌های زندگی مهارت‌هایی است که هر کودک در کنار آموزش خواندن و نوشتن به دست می‌آورد و به مدد آن‌ها می‌تواند ابتدا به شناخت درستی از خود دست یابد و سپس، به خوبی با افراد و محیط ارتباط برقرار سازد و به حل مشکلات خود و جامعه و محیط‌زیست در آینده کمک کند. در حیرتم که پرداختن صرف و توجه زیاد، بی‌رویه و افراطی به خواندن و نوشتن و حساب کردن در دورهٔ پیش

فصل گویای طبیعت

از دبستان چگونه دغدغه فکری مربیان و برنامه‌ریزان و والدین شده است و چرا؟ در حالی که برنامه‌ریزی توأم با تفکر درباره آینده کودکان و همراه با آگاهی از توانایی‌های آن‌ها می‌تواند به تربیت افرادی مبتکر، مستقل، خودجوش و مهارت‌محور کمک‌های شایان توجهی کند. به چه زیباست توجه به جنبه‌های مختلف رشد کودکان از سطوح پایه و تکیه بر تربیت کودکانی ماهر، توانا و خوشحال و مسئول.

● و اما در سالی که گذشت دو خبر جامعه علمی کشور را متأثر ساخت.

● خانم توران میرهادی در آبان‌ماه ۱۳۹۵ درگذشت. برگی زیبا از رنگارنگ تعلیم و تربیت

در پاییز، از درخت پر بار دانش سرزمینمان فرو ریخت. عزیزی که رفت، صاحب اندیشه‌های تولیدی در زمینه کودکان بود. خاطرات خوش و مثبتی، چه در دوران دانشجویی و چه در عرصه همکاری‌های علمی، از ایشان و با ایشان دارم. توران میرهادی برای کودکان این آب و خاک زحمات ارزشمند بسیاری کشیدند که خوشبختانه در زمان حیاتشان به بار نشست.

● خبر درگذشت دکتر علی شریعتمداری، شخصیت

علمی کشور نیز با داشته‌های فراوان در زمینه علوم انسانی، علم‌آموزی و تعلیم و تربیت در دی‌ماه ۱۳۹۵ نیز جامعه علمی را بسیار متأثر ساخت.

در طی سال‌های بعد از انقلاب در ستاد و شورای انقلاب فرهنگی و در گروه برنامه‌ریزی علوم تربیتی و برقراری رشته آموزش و پرورش پیش‌دبستان و دبستان به‌عنوان سرپرست گروه برنامه‌ریزی در این رشته در خدمت این بزرگوار بودم و همواره شاهد بودم که تمام همت خود را برای رشد و ارتقای رشته علوم تربیتی به کار بستند و خدمات فراوانی را به سنگر تعلیم و تربیت ایران اسلامی ارائه نمودند.

مهم‌تر اینکه ایشان نگرش بسیار مثبتی به تربیت کودکان به‌ویژه دوره پیش‌دبستان داشت و از نگرش و تشویق‌های ایشان در شکل‌دهی به برنامه‌ها بسیار برخوردار شدم. یاد این هر دو عزیز در تاریخ تعلیم و تربیت کشورمان گرامی است. روحشان شاد باد!

در پایان سخن، سالی که به پایان رسید مثل همیشه سالی پر بار برای مجله و شکوفایی افکار خوانندگان، مربیان و همکاران بود. ضمن آرزوی موفقیت و همراهی بیشتر برای همگان، به‌عنوان سردبیر مجله از همه عزیزانی که توانستند در بهبود و ایجاد فکر در سازماندهی مقاله‌های یاری‌رسان باشند، به‌طور خاص قدردانی می‌کنم. برای مربیان، مدیران و خوانندگان مجله نیز سالی سرشار از انرژی، مثبت‌اندیشی و کودک‌دوستی آرزو مندم.

سردبیر

آموزش پیش دبستانی در مناطق عشایری

صفرعلی یازلو

کارشناس ارشد برنامه ریزی آموزشی

که بعد از چهارسالگی محیط خانواده دیگر پاسخ گوی رشد اجتماعی کودک نیست و کودکان در این سن، به شرکت در فعالیت های اجتماعی بیشتری نیاز دارند. حضور در محیط های پیش دبستانی این امکان را به آنها می دهد که با کودکان همسن و سال خود ارتباط برقرار کنند و به تدریج، مهارت های لازم برای برقراری روابط اجتماعی را به دست بیاورند.

از طرف دیگر، کودک برای برخورداری کامل از آموزش های دوره ابتدایی، به انضباط فکری نیاز دارد که به طور معمول، خانواده قادر به فراهم ساختن آن نیست؛ حال آنکه در دوره پیش دبستان، مربیان از طریق فعالیت های مختلف مثل بازی و کارهای دستی به تدریج نظم و انضباط ذهنی لازم را در کودکان ایجاد می کنند.

مرحله آموزش پیش دبستانی، همچنین به متخصصان سنجش استعداد و توانایی های تحصیلی کودکان اجازه می دهد که توانایی های ذهنی و میزان آمادگی کودکان برای حضور در آموزش های دبستانی را به موقع مورد سنجش قرار دهند و کودکانی را که به آموزش های جبرانی نیازمندند، شناسایی کنند.

کودکان خانواده های محروم نیز معمولاً از محیط های خانوادگی غنی از لحاظ امکانات آموزشی و پرورشی محرومند و به سبب

اشاره

دوره پیش دبستانی یکی از مهم ترین دوره های آموزشی است که به رغم رسمی بودن، هنوز گذراندن آن اجباری نشده است اما صاحب نظران وجود این دوره را برای آینده دانش آموزان ضروری می دانند و معتقدند که با سپری نمودن این دوره، از بروز بسیاری از مشکلات آموزشی و پرورشی دوره های بعدی تحصیل پیشگیری می شود.

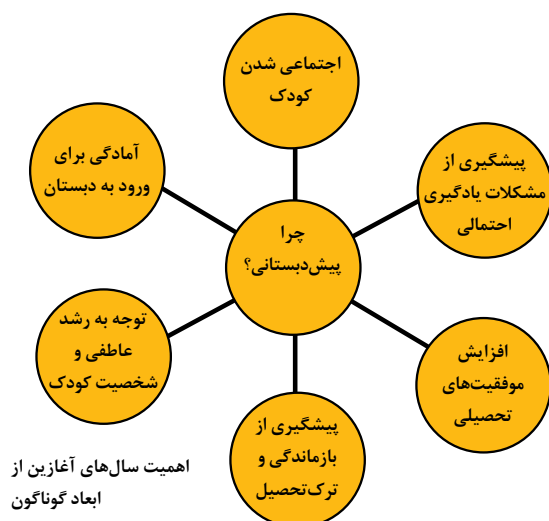
براساس یافته های روان شناسی و علوم تربیتی، سال های پیش از دبستان در رشد و تربیت کودکان نقش اساسی و تعیین کننده ای دارد. در این دوران حساس و مهم، یادگیری کودکان عمیق تر، سریع تر و آسان تر انجام می شود؛ توانایی هایشان در جنبه های مختلف رشد شکوفا می شود و پایه های اصلی شخصیت آنها شکل می گیرد.

در حقیقت، همه کودکان نیاز دارند پیش از ورود به مدرسه - و یا بهتر بگوییم ورود به اجتماع - آمادگی های لازم را کسب کنند اما موانعی وجود دارد که به سبب آنها، کودکان برخی از مناطق کشور از این فرصت طلایی بی بهره می مانند و از دریافت این خدمت محروم می شوند. از جمله این مناطق، مناطق عشایری هستند که در این مقاله قصد داریم وضعیت و چگونگی اجرای دوره پیش دبستانی را در آنها با ارائه گزارش های آماری بررسی و تحلیل کنیم.

کلیدواژه ها: عشایر، مناطق دوزبانه، فرهنگ سازی، خانواده های محروم

چرا پیش دبستانی؟

سال های آغازین زندگی کودک از مهم ترین دوره های رشد او به شمار می آید و آنچه در این دوران رخ می دهد، به طور اساسی بر رشد بعدی کودک اثرگذار است. از آنجا که اساس شخصیت فرد در دوره پیش دبستانی شکل می گیرد، محققان و صاحب نظران ارائه آموزش های اثربخش در این دوران را برای رشد کودک بسیار مهم می دانند. بیشتر مطالعات و پژوهش ها نشان می دهد



محروم بودن از آموزش‌های پیش‌دبستانی، قادر به رقابت با دیگر کودکان و همسالان خود نخواهند بود.

بنابراین، ضرورت اجرای دوره پیش‌دبستانی و اهمیت آن را می‌توان در چند جمله خلاصه کرد که عبارت‌اند از:

- توجه به رشد عاطفی و شخصیت کودک
- کمک به اجتماعی شدن کودکان
- کمک به آمادگی کودک برای ورود به دبستان
- جلوگیری از افت تحصیلی یا ترک تحصیل کودکان، به‌ویژه در مناطق دوزبانه
- شناسایی به‌موقع اختلالات یادگیری و کمک به درمان بهنگام آن‌ها
- افزایش موفقیت‌های تحصیلی.

براساس کدام تکالیف؟

با توجه به کارکردهای آموزش و پرورش، دوره پیش‌دبستانی به‌عنوان دوره‌ای رسمی و یکی از دوره‌های سرنوشت‌ساز زندگی کودکان (اعم از تربیتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و...) اهمیت خاصی دارد. توسعه کمتی و کیفی این دوره در سیاست‌ها و برنامه‌های کلان ملی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است؛ چنان‌که براساس بند دو سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری، راهبرد کلان ۱۰ و راهکارهای عملیاتی ۲-۴، ۱-۵ و ۳-۵ سند تحول بنیادین، هدف شماره ۳ شیوه‌نامه اجرایی برنامه انسداد مبادی بی‌سوادی، بند ۱۴ اساسنامه مدارس عشایری و تعهد ملی و بین‌المللی در برنامه جهانی آموزش ۲۰۳۰، آموزش و پرورش موظف به توسعه کمی و کیفی آموزش و پرورش دوره پیش‌دبستانی گردیده است.

ره‌آورد این تکالیف، اجرای رایگان دوره پیش‌دبستانی در مناطق عشایری، روستایی و محروم با ضریب محرومیت ۹ است.

دوره پیش‌دبستانی

«به دوره دو ساله‌ای اطلاق می‌شود که کودکان گروه سنی ۴ تا ۶ سال را تحت پوشش برنامه‌های تربیتی قرار می‌دهد. هر چند در تبصره آن آمده است که در صورت عدم تأمین امکانات، اجرای یک‌ساله بلامانع است.» (اساسنامه دوره پیش‌دبستانی مصوب جلسه ۶۹۹ مورخ ۸۲/۱۱/۲۸ شورای عالی آموزش و پرورش).

دوره پیش‌دبستانی اهداف بسیار ارزشمندی را دنبال می‌کند که رشد و پرورش مهارت‌های حرکتی کودکان و تقویت توانمندی‌های ذهنی، پرورش ویژگی‌های اخلاقی و معنوی، مهارت‌های کلامی و ارتباطی، رشد عاطفی و درک زیبایی‌های طبیعت، افزایش اعتمادبه‌نفس، تقویت هویت ملی و فردی و تقویت رشد اجتماعی و رفتارهای مطلوب فردی از آن جمله‌اند.

پیش‌دبستانی در مناطق عشایری

آموزش و پرورش عشایر که به منظور پیگیری امور مربوط به

دانش‌آموزان و معلمان مناطق عشایری با هدف جبران بخشی از کاستی‌های موجود ایجاد شده، از سیاست‌های کلان وزارت آموزش و پرورش پیروی می‌کند و به دنبال آن است که با متناسب‌سازی طرح‌ها، برنامه‌ها و فعالیت‌های مختلف آموزشی و پرورشی، فرزندان عزیز عشایر از اجرای آن‌ها بهره‌ای را ببرند و از آن جمله است اجرای دوره پیش‌دبستانی در مناطق عشایری که همچون سایر مناطق کشور به اجرا در می‌آید؛ با این تفاوت که براساس بند ۱۴ اساسنامه مدارس عشایری، اجرای دوره مذکور کاملاً رایگان و برعهده دولت است و اهداف ویژه‌ای را دنبال می‌کند.



این دوره در مناطق

عشایری به سه شکل اجرا می‌شود که عبارت‌اند از: کلاس‌های مستقل پیش‌دبستانی یک‌ساله، کلاس‌های ترکیبی (همراهی با دانش‌آموزان کلاس‌های آموزشی دبستانی)، و کلاس‌های آمادگی یک‌ماهه.

دوری و صعب‌العبوری مناطق عشایری، کوچ‌رو بودن عشایر و عدم دسترسی به فضاهای آموزشی مناسب، شمار اندک نوآموزان عشایری و تشکیل‌نشدن کلاس‌های آموزشی پیش‌دبستانی، فقر اقتصادی خانوارهای عشایری، کم‌توجهی به اجرای دوره پیش‌دبستانی از سوی خانواده‌ها و اجباری نبودن این دوره باعث شده‌اند که توفیق کمتری در اجرای کامل دوره یاد شده داشته باشیم.

از سوی دیگر، غلبه گویش‌های محلی بر زبان معیار در این مناطق - که عموماً مرزی هم هستند - مزید بر علت شده و فرایند آموزش را با چالش‌هایی روبه‌رو کرده است. از این‌رو، دفتر آموزش و پرورش عشایر به منظور ایجاد هم‌گرایی بین گویش‌های محلی و زبان فارسی معیار، اقدام به طراحی و تدوین طرحی با عنوان آموزش کودکان مناطق دوزبانه نموده است. این طرح ویژه دانش‌آموزانی است که دوره آموزش یک‌ساله پیش‌دبستانی را نگذرانده‌اند و حضور آنان در دبستان با اشکال

جدول ۱ نشان می‌دهد که بعد از سال ۹۰ افت بسیار شدیدی در جذب نوآموزان داشته‌ایم که غیردولتی اعلام شدن دوره از سوی وزارت آموزش و پرورش مهم‌ترین عامل آن بوده است اما با توجه به اهتمام دولت در اجرای دوره، شاهد رشد جذب بوده‌ایم؛ تا جایی که در سال ۹۴ به عدد سال ۹۰ نزدیک شده‌ایم.

جدول ۲: آمار نوآموزان جذب شده در دوره آمادگی یک‌ماهه از سال ۹۰ تا ۹۴

سال تحصیلی	آمادگی	پایه اول	نرخ پوشش
۹۰-۹۱	۸۵۹۳	۲۴۲۱۸	۳۵/۵
۹۱-۹۲	۸۲۱۸	۲۵۸۵۴	۳۱/۸
۹۲-۹۳	۵۳۱۳	۲۵۴۲۴	۲۰/۹
۹۳-۹۴	۷۹۳۸	۲۵۳۵۰	۳۱/۳
۹۴-۹۵	۸۷۰۶	۲۵۰۲۲	۳۴/۸

با توجه به اینکه در مناطق عشایری به‌غیر از بحث اقتصادی موانعی همچون نبودن خانواده‌ها در محل، دوری و شمار اندک نوآموزان مطرح است، بخشی از نوآموزان پیش‌دبستانی، به‌ویژه در مناطق دوزبانه، از طریق کلاس‌های آمادگی یک‌ماهه مدیریت می‌شوند و مقداری از کاستی‌ها جبران می‌گردد. در جدول شماره ۲ آمار این کلاس‌ها گزارش شده است که به‌غیر سال ۹۲ در سال‌های دیگر روند تقریباً یکسانی دارد.

جدول ۳: آمار نوآموزان جذب شده در دوره‌های یک‌ساله و یک‌ماهه از سال ۹۰ تا ۹۴

سال تحصیلی	آمار نوآموزان جذب شده
۹۰-۹۱	۱۷۸۳۶
۹۱-۹۲	۱۲۶۴۶
۹۲-۹۳	۱۱۵۱۸
۹۳-۹۴	۱۶۶۰۴
۹۴-۹۵	۱۷۷۹۱

با اجرای دو برنامه پیش‌دبستانی یک‌ساله و آمادگی یک‌ماهه، تعداد دانش‌آموزانی که پیش از ورود به دبستان تجربه محیطی غیر از محیط خانه را دارند، بیشتر می‌شود. البته این مقدار مطلوب نیست اما با وجود مشکلات عدیده‌ای که بر سر راه دوره پیش‌دبستانی وجود دارد، همین مقدار هم جای بسی شکر دارد. بیشترین میزان دانش‌آموز جذب شده مربوط به سال‌های ۹۰ و ۹۴ و کمترین میزان مربوط به سال ۹۲ است.

عمده‌ای به‌نام «ناهمگونی زبانی» مواجه است.

هدف این طرح در واقع جبران نبود دوره یک‌ساله پیش‌دبستانی در مناطق محروم و عشایری است. البته با همتی که برای اجرای دوره یک‌ساله صرف می‌شود، این برنامه هم کم‌کم با دوره یک‌ساله جمع خواهد شد.

شکل دیگری از جذب نوآموزان پیش‌دبستانی که در طول سال اتفاق می‌افتد، جذب آنان به کلاس‌های چندپایه یا تک‌پایه است؛ به این صورت که نوآموزان مناطقی که امکان تشکیل کلاس برای آن‌ها وجود ندارد، در کنار دانش‌آموزان دیگر در کلاس‌های درس حاضر می‌شوند و معمولاً با کلاس اولی‌ها می‌نشینند؛ البته با ارائه محتوای پیش‌دبستانی، به این شکل از جذب نوآموزان، کلاس‌های ترکیبی اطلاق می‌شود.

برخی از اهداف اجرای دوره در مناطق عشایری

- ایجاد فرصت برابر برای دسترسی کودکان به آموزش و پرورش و جبران کاستی‌های مرتبط
- کاهش نابرابری و ایجاد توانش زبانی و ارتباطی به زبان فارسی
- بسترسازی به منظور کاهش افت تحصیلی و آسیب‌های تربیتی در دوره ابتدایی
- تعمیق دوره پیش‌دبستانی با توجه به تأثیرات عمیق آن در ایجاد نگرش مثبت به مدرسه.

تجزیه و تحلیل داده‌های ۵ ساله (۹۰ تا ۹۴)

همان‌طور که بیان شد، دوره پیش‌دبستانی در مناطق عشایری نیز برگزار می‌شود اما آمارها نشان می‌دهد که این دوره در مناطق یاد شده به‌طور کامل به اجرا در نمی‌آید. بنابراین، اقدامات مکمل دیگری برای پوشش کامل آن باید صورت پذیرد. آنچه اکنون اتفاق می‌افتد، اجرای دوره آمادگی یک‌ماهه است که کیفیت لازم برای حضور در دوره ابتدایی را به دانش‌آموزان نمی‌دهد اما تسکینی است بر کمبودها و فقر حاکم بر جامعه عشایری. با این همه، در ادامه بحث گزارش آماری و مقایسه‌ای اجرای دوره پیش‌دبستانی مربوط به سال‌های مختلف تحصیلی از سال ۹۰-۹۱ تا ۹۴-۹۵ ارائه می‌شود و تأثیر پیگیری‌های دفتر آموزش و پرورش عشایر در اجرای برنامه یاد شده از زبان آمار بیان می‌گردد.

جدول ۱: آمار نوآموزان جذب شده در دوره یک‌ساله از سال ۹۰ تا ۹۴

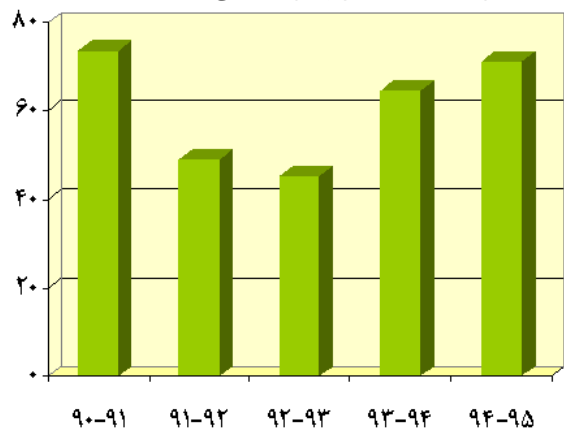
سال تحصیلی	پیش‌دبستانی	پایه اول	نرخ پوشش
۹۰-۹۱	۹۲۴۳	۲۴۲۱۸	۳۸/۲
۹۱-۹۲	۴۴۲۸	۲۵۸۵۴	۱۷/۱
۹۲-۹۳	۶۲۰۵	۲۵۴۲۴	۲۴/۴
۹۳-۹۴	۸۶۶۶	۲۵۳۵۰	۳۴/۲
۹۴-۹۵	۹۰۸۵	۲۵۰۲۲	۳۶/۳

جدول ۴: نرخ جذب نوآموزان دوره پیش دبستانی از سال ۹۰ تا ۹۴

سال تحصیلی	جذب شده	پایه اول	نرخ پوشش
۹۰-۹۱	۱۷۸۳۶	۲۴۲۱۸	۷۳/۶
۹۱-۹۲	۱۲۶۴۶	۲۵۸۵۴	۴۸/۹
۹۲-۹۳	۱۱۵۱۸	۲۵۴۲۴	۴۵/۳
۹۳-۹۴	۱۶۶۰۴	۲۵۳۵۰	۶۵/۵
۹۴-۹۵	۱۷۷۹۱	۲۵۰۲۲	۷۱/۱

همان طور که ملاحظه می شود، بیشترین نرخ جذب مربوط به سال ۹۰ با ۷۳/۶ درصد و کمترین میزان مربوط به سال ۹۲ با ۴۵/۹ درصد است.

نرخ جذب نوآموزان پیش دبستانی از سال ۹۰ تا ۹۴



براساس آمار ثبت نام شدگان سال تحصیلی ۹۰-۹۱، ورودی سال مزبور ۲۴۲۱۸ نفر بوده است که حدود ۷۴ درصد آن ها دوره آموزش پیش دبستانی یا دوزبانه را گذرانده اند؛ به عبارت دیگر، ۲۶ درصد از ورودی های پایه اول بدون تجربه دوره پیش دبستانی یا آمادگی قدم به دبستان گذاشته اند.

براساس آمار ثبت نام شدگان سال تحصیلی ۹۱-۹۲، ورودی سال مزبور ۲۵۸۵۴ نفر بوده است که حدود ۴۹ درصد آن ها دوره آموزش پیش دبستانی یا دوزبانه را گذرانده اند؛ به عبارت دیگر، ۵۱ درصد از ورودی های پایه اول در سال مذکور فرصت تجربه این دوره را نداشته اند.

براساس آمار، ثبت نام شدگان سال تحصیلی ۹۲-۹۳، ورودی سال مزبور ۲۵۴۲۴ نفر بوده است که حدود ۴۵ درصد آن ها دوره آموزش پیش دبستانی یا دوزبانه را گذرانده اند و ۵۵ درصد از آنان نتوانسته اند آمادگی کافی برای ورود به دبستان را پیدا کنند.

براساس آمار ثبت نام شدگان سال تحصیلی ۹۳-۹۴، ورودی سال مزبور ۲۵۳۵۰ نفر بوده است که حدود ۶۶ درصد آن ها دوره آموزش پیش دبستانی یا دوزبانه را گذرانده اند و مابقی به

دلایل مختلف از دریافت این خدمت محروم مانده اند. براساس آمار ثبت نام شدگان سال تحصیلی ۹۵-۹۶، ورودی سال مزبور ۲۵۰۲۲ نفر بوده است که حدود ۷۱ درصد از آنان دوره آموزش پیش دبستانی یا دوزبانه را گذرانده اند و ۲۹ درصد از ورودی های پایه اول در سال مذکور موفق به حضور در این دوره نشده اند.

نتایج

به رغم کمبود اعتبارات طی سال های اخیر - همان طور که جداول و نمودارها نشان می دهند - تلاش و همت استان ها بر این بوده است که دوره پیش دبستانی در مناطق عشایری به اجرا درآید و جداول بیانگر سیر صعودی جذب می باشند اما تا حد مطلوب فاصله زیاد است و باید تلاش های بیشتری صورت پذیرد. همچنین، باید برای پوشش کامل نوآموزان عشایری برنامه های ویژه ای در نظر گرفته شود. گزارش مربوط حاکی از آن است که ۲۹ درصد از نوآموزان جامعه عشایری از دریافت خدمتی به نام آموزش پیش دبستانی محروم اند.

پیشنهادهای

بنابراین، پیشنهاد می شود:
- فرهنگ سازی لازم به منظور همراهی والدین و توجه آنان به اهمیت دوره پیش دبستانی صورت پذیرد.
- مسئله دوزبانگی جدی تر پیگیری شود و از اولویت اجرا برخوردار گردد.

- به رغم کمبودها، اعتبارات ویژه و مکفی برای پوشش دادن به نوآموزان مناطق عشایری اختصاص یابد؛ هر چند طی بخشنامه شماره ۱۳۰۷۶۶ مورخ ۹۵/۷/۲۵ اجرای دوره مذکور در مناطق محروم و عشایری رایگان اعلام شده است.
- برای ۲۹ درصد نوآموزان محروم از دوره پیش دبستانی، برنامه ترمیمی در نظر گرفته شود.

منابع

۱. انکینسون و همکاران. (۱۳۷۸). زمینه روان شناسی. ترجمه براهینی و همکاران. انتشارات رشد.
۲. سیف، سوسن؛ کدیور، پروین و... (۱۳۷۱). روان شناسی رشد. انتشارات سمت.
۳. کیوانی، مجدالدین. (۱۳۵۱). دوزبانگی و مسائل تربیتی و اجتماعی آن. دانشگاه تربیت معلم.
۴. کریمیان بستانی، مریم؛ رجبی، آریتا. (۱۳۸۹). تحلیل عدالت اجتماعی در شهر با تأکید بر نابرابری های آموزشی موردشناسی شهر زاهدان.
۵. گروه پیش دبستانی دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی، راهنمای برنامه و فعالیت های آموزشی و پرورشی دوره پیش دبستانی. (۱۳۹۰). چاپ ششم. انتشارات مدرسه.
۶. گزارش های مکتوب و سالنامه های آماری دفتر آموزش و پرورش عشایر.





ضرورت ورود اقتصاد مقاومتی در برنامه درسی پیش دبستان

کارشناس ارشد تعلیم و تربیت اسلامی
مهدی مروجی

اشاره

زندگی هستند - آشنا نشوند. البته تا زمانی که همه ما به دانش بنیان بودن اقتصاد فکر نکنیم، نمی توان از آن ها توقع نگاه اقتصادی و مقاومت واقعی در برابر مشکلات زندگی (با توجه به مراحل رشد هر فرد در سطح زندگی) را داشت.

ضرورت آموزش اقتصاد مقاومتی برای کودکان

معمولاً دولت ها سعی می کنند نیازهای مختلف خود را در فضای کلاس و مدرسه دنبال کنند. برای مثال، ایالات متحده به رغم اینکه خود مایه ناامنی دنیاست، کتابی ۴۰۰ صفحه ای از وزارت دفاعش به چاپ رسانده که هر صفحه آن تقریباً یک مورد از مسائلی است که جامعه آمریکا با آن مواجه است. از معلمان درس های مختلف نیز خواسته شده است که از این موردها بر حسب نیاز و به تناسب، در فضای کلاس و لایه لای درس ها استفاده کنند و دانش آموزان را با نیازها و مسائل امنیتی، چه امنیتی داخلی و چه امنیت بین المللی، آشنا سازند.^۱ این مورد نشان دهنده آن است که چگونه تحولات و پویایی های محیطی، در بسته آموزشی تعلیم و تربیت، خود را به عرصه مدرسه و کلاس می رساند. با این مقدمه به این سؤال

آن ها و در شرایط آرمانی تبدیل چنین شرایطی به فرصت؛ اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی ها و تأکید روانی بر مزیت های تولید داخل و تلاش برای خوداتکایی است. البته اقتصاد مقاومتی نباید منفعل و بسته باشد بلکه باید پویا و پیشرو تعریف شود.^۲

کاربرد اقتصاد مقاومتی

قسمتی از پیام آیات سوره یوسف (ع) به این مطلب اشاره دارد که آن حضرت در مصر با بحران های عظیم مواجه بود و مشکلات اقتصادی، آن سرزمین را به کام ورشکستگی کشانده بود ولی طرح اقتصاد مقاومتی و نظارت دقیق ایشان بر اجرای قانون و عملکرد کارگزاران موجب شد که حضرت آن بحران سهمگین اقتصادی را به درستی مدیریت کنند و کشور را در امنیت و آرامش نگه دارند.^۳

ماهیت اقتصاد مقاومتی

امروزه جمهوری اسلامی در حوزه های اقتصادی با مسائل و مفاهیمی مواجه است که تاکنون چه در عرصه نظر و در کتاب های درسی، و چه در عرصه عمل ما به ازای واقعی نداشته است. بر این اساس، تا دانش آموزان در مدرسه با اصطلاحات اقتصاد و مقاومت - که اصل

در تاریخ کشور ما عبارت «اقتصاد مقاومتی»^۴ اولین بار در دیدار کارآفرینان با مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ مطرح شد. در این دیدار، رهبر معظم انقلاب ضمن اشاره به معنای «اقتصاد مقاومتی» و مفهوم کارآفرینی، برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی دو دلیل «فشار اقتصادی دشمنان» و «آمادگی کشور برای جهش» را بیان نمودند.^۵ نویسنده با مراجعه به آیات قرآن و با توجه به اهمیت و جایگاه اقتصاد مقاومتی، اولویت هایی را که می بایست در برنامه^۶ و فعالیت های آموزشی و پرورشی پیش دبستان قرار گیرد، به روش توصیفی و کار کتابخانه ای از منابع مختلف و بیانات مقام معظم رهبری، گردآوری و در نوشته حاضر مطرح کرده که امیدوار است مورد توجه مربیان محترم قرار گیرد.

کلیدواژه ها: کتاب قرآن، اقتصاد مقاومتی، دانش آموز و برنامه درسی

معناشناسی اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه های فشار، در شرایط کنونی تحریم، و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی اثر کردن



در این برهه از زمان که رکود اقتصادی سراسر جهان را در بر گرفته است، ما بیش از هر زمان دیگری نیاز داریم فرزندان خویش را با سواد اقتصادی مقاومتی، مہیای زندگی امروز و آینده کنیم

عرصهٔ تعلیم و تربیت برنامه‌ریزی کنند و با تشکیل کمیته‌های تخصصی در برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت با توجه به اقتضای سنی کودک، مفاهیمی همچون قناعت و صرفه‌جویی را با هدف ارتقای آموزش برای اعتلای اقتصادی کشور پیگیری نمایند؛ کما اینکه همهٔ کشورهای پیشرفتهٔ دنیا، بعد از رسیدن به سطوحی از رشد اقتصادی معمولاً پروژه مقاومت‌سازی و استحکام کشور خود را کلید زده‌اند. برای مثال، مالزی یا کره جنوبی با هیچ‌یک از مشکلاتی که ما در اقتصاد ایران به سبب مواجهه با استکبار جهانی داریم، مواجه نیستند اما در عین حال همهٔ پروژه‌های مقاومت‌سازی و مستحکم‌سازی اقتصادی خود را داشته‌اند.

نظر به نقش و اهمیت آموزش‌های پیش از دبستان در فراهم کردن زمینه‌های رشد و آماده‌سازی کودکان برای ورود به مدرسه، نیاز داریم در سطح پیش‌دبستان

می‌رسیم که آیا ضرورت دارد سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری که بالغ بر پنجاه سیاست کلی است، در برنامه‌های درسی انعکاس پیدا کند؟ جواب مثبت است؛ زیرا در این برهه از زمان که رکود اقتصادی سراسر جهان را در بر گرفته است، ما بیش از هر زمان دیگری نیاز داریم فرزندان خویش را با سواد اقتصاد مقاومتی، مہیای زندگی امروز و آینده کنیم.

مادهٔ ۱۶ سیاست‌های ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی، در اشاره به موضوع صرفه‌جویی در هزینه‌هاست.^۷ با توجه به بی‌ظنیر بودن ظرفیت وزارت آموزش و پرورش که از به‌کارگیری حدود یک میلیون کارمند و ارتباط با تقریباً ۱۳ میلیون نفر دانش‌آموز نشئت می‌گیرد، به راحتی می‌توان به مسئلهٔ صرفه‌جویی و بهینه کردن عملکردها به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی توسط این وزارت‌خانه پی برد. در این راستا شایسته است مسئولان امر برای اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در

مفاهیم دیگر برای برنامه آموزش اقتصاد مقاومتی برای کودکان پیش دبستانی عبارت‌اند از: مفهوم پس‌انداز، مفهوم مقررری، مفهوم سرمایه‌گذاری، کسب درآمد (لقمه حلال)، صدقه، اسراف و مفهوم بودجه‌بندی، از طریق قصه‌گویی، بازی، خاطره‌گویی، شعر، گفت‌وگو، نقاشی، نمایش خلاق، سرود، پویانمایی، تئاتر فیلم و بررسی احادیث و روایات با توجه به سن و ظرفیت فکری کودک

برای این مسئله برنامه داشته باشیم. به‌نظر می‌رسد طرح سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در برنامه پیش‌دبستان به دو صورت می‌تواند انجام بگیرد. در معنای عام، همچنان که در حوزه بهداشت و سلامت به اطلاعات عمومی نیازمندیم، در عرصه اقتصاد هم لازم است سواد اقتصادی - یکی از ساحت‌های شش‌گانه برنامه درسی ملی است، - زمینه ورود طرح اقتصاد مقاومتی به مقوله برنامه پیش‌دبستان باشد، اما تعلیم و تربیت اقتصاد مقاومتی یک معنای خاص هم دارد که نیازمند کلید واژه‌ها و مفاهیم خاصی است که در هر سیاست ذکر شده^۱ و بحث ناظر بر هر یک از سیاست‌هاست که متأسفانه به علت عدم ظرفیت این مقاله فقط برخی از کلیدواژه‌ها

و دلالت‌های تربیتی بومی شده آن را مرور می‌کنیم. امیدواریم درمحتوا مقوله اقتصاد مقاومتی و حاشیه‌های آن یعنی اسراف و تبذیر و حتی مفاهیم اولیه آن مورد توجه برنامه‌ریزان برنامه درسی قرار گیرد. با این امید که مربیان محترم با توجه به سن و ظرفیت کودک مسائل را طرح خواهند نمود.

بعضی از کلید واژه‌های سیاست‌های ۲۷ گانه^۲

○ بهره‌وری و توانمندسازی

لازم است کودک این مفهوم را با مثال‌های کاربردی متعدد در انجام فعالیت‌ها یاد بگیرد تا در مجموع به درک کاربردی مفاهیم برسد.

○ مقوله امنیت غذایی

کودک و به‌ویژه اولیا و مربیان او باید در فعالیت‌ها تصویری از جغرافیای غذایی کشور، آسیب‌ها و فرصت‌های آن را داشته باشد و لزوم توجه به ایجاد این ذخایر در کشور را تشخیص دهد.

○ مصرف

اصلاح الگوی مصرف در افزایش کارایی، عدم اسراف و تبذیر باید به‌صورت کاربردی و مصداقی در برنامه و فعالیت‌های پیش‌دبستان پیگیری شود. در این راستا، استفاده از وسایل کمک‌آموزشی و بازی‌های گروهی با درون‌مایه اقتصادی با توجه به تجربه و خلاقیت مربیان و آشنایی والدین با این تکالیف از طریق آموزش خانواده یکی از اقدامات ارزشمندی است که می‌تواند مفید باشد.

مفاهیم دیگری که می‌توان از آن‌ها در برنامه آموزش اقتصاد مقاومتی برای کودکان و اولیای پیش‌دبستانی بهره برد عبارت‌اند از: مفهوم پس‌انداز، مفهوم

مقررری، مفهوم سرمایه‌گذاری، کسب درآمد (لقمه حلال)، صدقه، اسراف و مفهوم بودجه‌بندی، از طریق قصه‌گویی، بازی، خاطره‌گویی، شعر، گفت‌وگو، نقاشی، نمایش خلاق، سرود، انیمیشن، تئاتر فیلم و بررسی احادیث و روایات با توجه به سن و ظرفیت فکری کودک.

مفاهیم پیشنهادی برای هریک از دوران رشد با توجه به سطح دانش و نگرش و مهارت کودک قابل تغییر و جابه‌جایی است و مرزبندی مطلق ندارد. در آموزش مفاهیم بایستی بنا به دوران رشدی مخاطبان از روش‌های متنوع (که فعالیت‌ها از این ظرفیت برخوردارند) استفاده کرد تا در کودکان نهادینه شود. بدون تردید، راه برای بررسی بیشتر بر اصحاب نظر مفتوح است و نگارنده مشتاق برداشته شدن گام‌های مؤثری در این ساحت می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. Economic Strenght
۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور، ۸۹/۶/۱۶
۳. منظور از برنامه فعالیت‌های آموزشی و پرورشی همان
۴. سوره یوسف، آیات ۵۵ و پس از آن
۵. پیغامی عادل، درآمدی در باب تعلیم و تربیت رسمی و اقتصاد مقاومتی - مهر ۱۳۹۴
۶. ابلاغیه رهبر معظم انقلاب به رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۲۹/ بهمن‌ماه/ ۱۳۹۲
۷. علاقه‌مندان می‌توانند به ابلاغیه رهبر معظم انقلاب به رؤسای قوای سه‌گانه و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام (۲۹/ بهمن‌ماه/ ۱۳۹۲) مراجعه کنند.
۸. اقتباس از درآمدی در باب تعلیم و تربیت رسمی و اقتصاد مقاومتی

منابع

۱. قرآن
۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۹) تفسیر نمونه (تهیه و تنظیم: حجت‌الاسلام ابوالقاسم نژادی دامغانی).
۳. پیغامی عادل. (۱۳۹۴). درآمدی در باب تعلیم و تربیت رسمی و اقتصاد مقاومتی.
۴. وبگاه khamenei.ir
۵. میرمعزی، سیدحسن، (۱۳۹۱)، اقتصاد مقاومتی و ملزومات آن (با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری)، اقتصاد اسلامی.

اشاره

انبوه تجارب و نیز پژوهش‌های کمتی و کیفی در ایران و جهان، نشان می‌دهد که آموزه‌های دوران کودکی، ماندگار و تعیین‌کننده سرنوشت جامعه فردای ماست. از همین‌رو معصومین(ع) فرموده‌اند که «تأثیر یادگیری علم و دانش در کودکی، همچون نقشی بر سنگ ماندگار است». کم‌توجهی به این مسئله مهم، خسارت‌زا و مسئولیت‌آور و یادآوری آن به پدران و مادران، معلمان و مربیان و همه دست‌اندرکاران آموزش و پرورش کودکان امری است حیاتی. در این نوشته کوتاه به برخی از ابعاد این موضوع می‌پردازیم.

کلیدواژه‌ها: یادگیری، نظم، آداب اخلاقی و اجتماعی، مشارکت جمعی

با وجود توصیه‌ها، تأکیدات و تعالیم فراوان اخلاقی و اجتماعی در منابع دینی و فرهنگی، کم‌توجهی و ضعف در رفتار برخی بزرگسالان در زمینه‌هایی چون، آداب اخلاقی و اجتماعی، نظم، پایبندی به عهد و امانت‌داری، رعایت حقوق دیگران، مصرف به اندازه و بجا از منابع، حفظ محیط‌زیست، مسئولیت‌پذیری و مشارکت جمعی، وجدان کاری و... در بعضی جهات بیشتر از حد انتظار است؛ به‌طوری‌که دو طیف مختلف دلسوزان و بهانه‌جویان گاهی به‌صورتی افراطی، رفتار ما را با برخی جوامع جهانی می‌سنجند و حتی اصالت و تأثیرگذاری تعالیم و عقایدمان را نیز به چالش می‌کشند!

۱. برای تحقق این اهداف، به آموزه‌ها و انتقال صرف اطلاعات نپردازیم؛ این حداقل نیاز است.
۲. اصل، بایستگی‌ها و رفتارهاست مثل مدیریت و کنترل خشم و رفتارهای اجتماعی مانند نظم است.
۳. مربیان به‌عنوان سطوح اولیه در تولید محتوا، براساس این اهداف محتوا تولید کنند.

فرصت‌های طلایی

تحقیقات و مطالعات گوناگون نشان می‌دهد که دوران کودکی، به‌خصوص تا پنج‌سالگی، مهم‌ترین دوران زندگی انسان است و آموزه‌های این دوران نقشی اساسی، ماندگار و تعیین‌کننده در سرنوشت او دارد.

به اعتقاد «بلوم» ۵۰ درصد شخصیت کودک از تولد تا چهار سالگی شکل می‌گیرد.

معصومین(ع) هم فرموده‌اند که تأثیر یادگیری و آموزه‌های دوران کودکی همچون نقش بر سنگ ماندگار است. بنابراین، توجه جدی به آموزش دوران کودکی بسیار ضروری است. این ایام فرصت‌هایی طلایی در زندگی انسان به‌شمار می‌روند.

در این میان، سؤال اساسی و مهم این است که به کودکان چه بیاموزیم و چه نیاموزیم که در سرنوشت آینده آن‌ها و جامعه مفید افتد. آیا هر نوع آموزشی در دوران کودکی در آینده بچه‌ها مفید است؟ قطعاً پاسخ این سؤال منفی است.

متخصصان و کارشناسان معتقدند که صرف انتقال اطلاعات و دانش به کودکان در زندگی آینده کودک مفید نخواهد بود. در آموزش کودک، باید به همه ابعاد وجودی او توجه شود. ما نمی‌خواهیم تنها بار اطلاعاتی کودک را افزایش دهیم و حافظه او را قوی کنیم. دست کودک، چشم، گوش و احساس کودک نیز باید تقویت شود. کودک باید هنر خوب بازی کردن، خوب شنیدن، خوب درک و



فردا دیر است!

نصرالله دادار

مرتضی طاهری، مسئول گروه پیش‌دبستانی
کتاب درسی دفتر تألیف

احساس کردن، محبت کردن، خوب دیدن، خوب صحبت کردن و... را نیز بیاموزد.

متأسفانه در سال‌های اخیر تمرکز و توجه به انتقال دانش به کودکان، آن هم به‌نوع افراطی، در خانواده‌ها و کودکان‌ها و حتی مدارس ابتدایی موجب تربیت کودکانی شده است که بعضی از آن‌ها از نظر مهارت‌های اساسی زندگی ضعیف‌اند. بنابراین، ضروری است در آموزش کودکان برنامه‌ای همه‌جانبه و متناسب با همه ابعاد وجودی آن‌ها طراحی کنیم.

برای آموزش زبان، حساب، علوم و... و آموزش‌های دیگری که در حوزه انتقال دانش‌اند، دیر نیست و در دوره‌های تحصیلی بعدی می‌توان کمبودهای آن‌ها را جبران کرده و در عوض، کودکان باید به حد کافی بازی، شادی و ابراز وجود کنند.

در آموزش کودکان، آموزش مهارت‌های زندگی مانند نظم، تحرک و بازی، پویایی، محبت ورزیدن، دوست داشتن، کار کردن، کمک به خانواده، مدیریت خود، کنترل خشم، رعایت حرمت دیگران، مهربانی، اعتمادبه‌نفس، دقت، ارتباط درست برقرار کردن، صداقت و راست‌گویی، حفاظت از محیط‌زیست، درست مصرف کردن و... باید مورد توجه قرار گیرد. این‌ها همه در سایه حضور کودکان در فضاهای متناسب با این موضوعات، تحرک و تلاش و عمل ممکن است که با حضور صرف در کلاس‌های درسته و پشت میز و نیمکت میسر نمی‌شود.



در کلاس من

ترجمه زری آقاجانی
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

داگلاس نورث^۱، برندهٔ جایزه نوبل اقتصاد می‌گوید: «اگر می‌خواهید بدانید کشوری توسعه می‌یابد یا نه، اصلاً لازم نیست به سراغ فناوری‌ها و ابزارهایی بروید که در کارخانه‌های آن کشور از آن‌ها استفاده می‌شود؛ چراکه تمام این فناوری‌ها و ابزارها را می‌توان خرید یا کپی کرد یا حتی دزدید. برای ارزیابی توسعه و پیش‌بینی آیندهٔ یک کشور به مراکز پیش‌دبستانی و مدارس آن کشور بروید و ببینید کودکانشان را چگونه آموزش می‌دهند. بیش از آن که مهم باشد چه چیزی آموزش داده می‌شود، مهم است که این آموزش چگونه انجام می‌شود. اگر کودکان را پرسشگر، خلاق، صبور، نظم‌پذیر، خطرپذیر، اهل گفت‌وگو و تعامل و دارای روحیهٔ مشارکت جمعی و همکاری بار می‌آورند، می‌توان امیدوار بود که همین نسل در آینده کشورشان را توسعه دهند.»

مهدکودک و سال‌های پیش از دبستان، برای کودک فرصت مناسبی جهت افزایش یادگیری، کسب مهارت‌ها و توانایی همراهی با دیگران و آشنایی با دنیای پیرامون است. اگرچه پیش‌دبستان مرحلهٔ مهیاسازی کودک برای آموزش ابتدایی است، این بدان معنی نیست که برای این آماده‌سازی، روزهای باقی‌مانده از «کودکی و کودکی کردن» از وی ساقط شود و اوقاتی را که او باید به بازی و پرورش بگذراند، صرف آموزش‌های خشک و اجباری برای ورود به دبستان شود. همان‌طور که روزها و حتی دقائق آخر دوران بارداری در رشد و تکامل ذهنی و جسمی جنین بسیار



در کلاس من:

فعالیت‌های پرورشی و آموزشی براساس تفاوت‌های فردی کودکان انجام می‌گیرد. این برنامه متناسب با گروه سنی آنان است و بر اساس پیشینه‌های یادگیری کودکان (ضیف تا قوی) طراحی می‌شود و هدف آن ترغیب یادگیری است.

در کلاس من:

کودکان برای انجام دادن فعالیت‌ها از قبیل بازی و واحد کار فرصت کافی دارند و انجام دادن کار برگ‌ها اولین تکلیف آموزشی آنان نیست.

در کلاس من:

در صورتی که هوا مناسب باشد، کودکان برای بازی به بیرون از کلاس برده می‌شوند و فرصت بازی در هوای آزاد برای انجام تکالیف آموزشی از آنان دریغ نمی‌شود.

در کلاس من:

فرصت‌های آموزشی ضمن انجام فعالیت‌های متنوع برای کودکان خلق می‌شود. برای مثال، زمانی که کودکان در حال کاشت گیاه هستند و یا غذا می‌خورند، با حروف و اعداد نیز آشنا می‌شوند.

در کلاس من:

فعالیت‌ها به‌طور متنوع انجام می‌گیرد؛ قسمتی از برنامهٔ آموزشی با کل کلاس، برخی با گروه‌های کوچک و تعدادی نیز با کودکان به‌طور انفرادی. این کار فرصت گفت‌وگو و تعامل با کودکان را برای من فراهم می‌کند و مرا یاری می‌دهد تا از پیشینه‌های یادگیری کودکان برای آموزش بهتر آنان مطلع شوم.

در کلاس من:

کودکان سرگردان نیستند و ساکت و دست‌به‌سینه ننشسته‌اند. همهٔ آن‌ها سرگرم کار با مواد و وسایل آموزشی یا بازی با همسالان خود هستند.

در کلاس من:

با والدین تعامل و ارتباط کامل برای بررسی شرایط رشدی کودکان وجود دارد. این ارتباط برای من در شناخت و کمک به کودکان بسیار مؤثر است

پی‌نوشت‌ها

1. Douglass Cecil North (November 5, 1920-November 23, 2015)
2. Early Childhood Education (ECE)
3. pegboard
4. Self-Directed Learning

منابع

1. www.naeyc.org
2. www.pbs.org
3. education.seattlepi.com

مهم است، سال آخر آموزش نیز برای کسب و تکمیل مهارت‌های کودک از اهمیت بسزایی برخوردار است. حتماً داستانک پروانه را بارها شنیده‌اید؛ اینکه پروانه‌ای داشت از پیله درمی‌آمد اما با شتاب و کمک ناآگاهانه دیگری، برای همیشه فرصت و لذت پرواز را از دست داد و فلج شد. دوران مهارت‌آموزی برای کودک نیز حساسیت زیادی دارد؛ چراکه کسب نکردن مهارت‌های لازم در پیش‌دبستان تأثیرات نامطلوبی در آموزش‌های بعدی خواهد گذاشت که باعث ضرر و زیان‌های روحی دیرجبران برای کودک، خانواده و آموزش و پرورش کشور می‌شود.

به دلیل اهمیت آموزش و پرورش اوان کودکی^۱ و نقش مؤثر آن در سال‌های بعد و همچنین اهمیت انکارناپذیر آن در توسعه کشور، لازم است در کیفیت کلاس‌های پرورشی و آموزشی این دوره دقت نظر دوباره و حتی چندباره به عمل آید. امروزه همه ما شاهد دگرگونی و تغییرات شگرف در آموزش و پرورش هستیم و این خود نویدبخش بازبینی روش‌ها و منش‌های آموزش قبل از دبستان برای پرورش نسلی است که قرار است حامی توسعه و پیشرفت کشور عزیزمان، ایران اسلامی، باشد. «در کلاس من» ویژگی‌های یک کلاس مؤثر در مهدکودک است که برای اطلاع بیشتر مربیان از چگونگی و کیفیت آموزش در پیش‌دبستان یادآوری و ارائه می‌گردد.

در کلاس من:

کار گروهی و همکاری با یکدیگر تشویق می‌شود. وقتی کودکان با یکدیگر کار می‌کنند، بهتر یاد می‌گیرند. برای مثال، وقتی برای انجام دادن کار گروهی دسته‌بندی می‌شوند و مفاهیم جدیدی را کشف می‌کنند، احساس موفقیت، اعتمادبه‌نفس آنان را افزایش می‌دهد.

در کلاس من:

با توجه به نیازهای رشدی کودکان، از رسانه‌ها و فناوری‌های آموزشی استفاده می‌شود و فرصت‌های رشد کودک برای تماشای پویانمایی به تهدید تبدیل نمی‌گردد.

در کلاس من:

کودکان به همه وسایلی که یادگیری را در آنان ترغیب می‌کند، دسترسی دارند؛ مانند کتاب‌های داستان، صفحه‌های مشبک (میخ‌کوبی)^۲، وسایل نقاشی، جورچین‌ها، اما این بدان معنی نیست که کودکان در یک زمان مشغول همه فعالیت‌ها هستند.

در کلاس من:

محیط آموزشی فرصت یادگیری خودراهبر^۳ را برای کودکان فراهم می‌کند و باعث تقویت اعتمادبه‌نفس آنان می‌شود. بدین ترتیب که آنان درگیر مسئله می‌شوند و با سرعت یادگیری مناسب خود و داشته‌های آموزشی‌شان برای حل مسئله اقدام می‌کنند. محیط یادگیری کلاس نیز به گونه‌ای است که به آنان اجازه آزمون و خطا می‌دهد.

در کلاس من:

مطالب آموزشی با فعالیت‌های فیزیکی و بازی همراه است. تمام تلاش من ایجاد یادگیری همراه با لذت است تا بدین ترتیب، کودکان با خوشحالی به مهدکودک بیایند و خانواده‌ها نیز احساس امنیت و آرامش کنند.

در کلاس من:

من به عنوان مربی مهم‌ترین دوران پرورش و رشد انسان‌ها مدام در حال یادگیری و به‌روز کردن دانش و معلومات خود در حیطه‌های رشدی کودکان هستم و از آخرین یافته‌ها و اخبار آموزشی برای رشد و پرورش و آموزش کودکان کشورم استفاده خواهم کرد.

در کلاس من:

برای کودکان کتاب‌خوانی در دفعات متوالی انجام می‌شود. در این فعالیت، مربی پس از کتاب‌خوانی با صدای بلند، با کودکان درباره داستان گفت‌وگو می‌کند و حتی گاهی با تلفیق هنر و کتاب‌خوانی، توانایی درک مطلب آنان ارتقا می‌یابد.

در کلاس من:

از موسیقی برای آموزش استفاده می‌شود؛ زیرا کودکان حروف و صداها را با ریتم بهتر به خاطر می‌سپارند و تمرکز آنان نیز تقویت می‌گردد. موسیقی با رشد زبانی ارتباط مستقیم دارد و باعث ایجاد شادی در کودک می‌شود.



انگار پیش دبستانی را از آموزش و پرورش جدا کرده اند!

پای صحبت حمید رضا محمدبیگی،
رئیس اداره پیش دبستانی شهرستان های استان تهران
در جلسه هیئت تحریریه مجله

تنگاتنگ بوده ام. گسترده ترین حوزه کاری ما حوزه تولید محتوا بوده که برای نوآموزان چهار ساله و نوآموزان پنج ساله محتوای مجزایی را تولید کرده ایم. ما مجری آموزش مربیان، نظارت بر عملکرد مراکز آموزشی و طرح و برنامه هایی که دفتر وزارتی درخصوص دوره پیش از دبستان دارد، در حوزه شهرستان های استان تهران هستیم.

با تشکر از دعوت به عمل آمده باید عرض کنم که در حوزه دانش آموزان عشایری و روستایی، با توجه به تأکیدی که بر گسترش عدالت آموزشی، انسداد مبادی بی سواد، جلوگیری از ترک تحصیل، افت تحصیلی و در نهایت، افزایش کیفیت یادگیری وجود دارد، ما برنامه های ویژه ای اجرا می کنیم. من درباره حوزه شهرستان های استان تهران صحبت می کنم. ضریب محرومیت شهرستان های تهران به اندازه ای بالا نیست که جزء مناطق محروم محسوب شوند و بودجه های دولتی برای این کار به آن ها اختصاص داده شود. پیش دبستانی را هم بخش غیردولتی اداره می کند و وابسته به بخش خصوصی است. از این جهت، ما به دنبال آن بودیم که راهکارهایی پیدا کنیم که حداقل مناطق محروم و عشایری را بتوانیم پوشش دهیم. چون در استان تهران مناطق محروم و روستایی و عشایری به اندازه کافی هست؛ از جمله عشایر ملارد، عشایر ورامین، عشایر جوادآباد و پیشوا.

وزارت خانه طرحی را برای مناطق محرومی که دارای ضریب هشت هستند پیشنهاد کرده بود که ما آن را در مناطق

سردبی ر: در جلسات قبلی صحبت از این بود که در رابطه با کارهایی که در قسمت عشایر و روستایی انجام شده است، از اطلاعات کارشناسان استفاده کنیم. ما جای خالی این بحث را در مجله احساس کرده ایم و می دانیم خدماتی که در این حوزه صورت می گیرد، ناشناخته است. طبیعی است که در مورد کودکان عشایر کارهایی انجام شده است و به هر حال آن ها هم جزء جامعه خدمت هستند. امروز هم به مناسبت خوبی در خدمت عزیزان هستیم. و از آقای محمدبیگی که اطلاعات خوبی در این زمینه دارند دعوت به عمل آمده است. گفتنی است که ایشان از دانشجویان بسیار خوب من در دوره کارشناسی ارشد دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی بودند که پایان نامه شان در حوزه پیش از دبستان، پایان نامه برتر شناخته شد. خیلی خوشحالم که امروز در جلسه مجله رشد در خدمتشان هستیم و ایشان می توانند درباره حوزه فعالیت های خود با ما صحبت کنند.

حمیدرضا محمدبیگی هستیم و در حال حاضر در اداره کل آموزش و پرورش شهرستان های استان تهران به عنوان رئیس اداره پیش دبستانی و دوره اول ابتدایی مشغول به کارم. از وقتی این مسئولیت به من واگذار شده است و قبل از آن، که کارشناس پیش دبستانی بودم و حتی قبل تر از آن، که مربی پیش دبستانی بودم، با دوره پیش از دبستان در ارتباط



عکس: مجید جلیلی

داریم؛ از واحد آموزش برخورد با دانش‌آموزان گرفته تا واحد کار. برای اولیا هم برنامه داریم؛ البته نه در قالب انجمن اولیا و مربیان، بلکه در قالب کتابی با عنوان «آوای مادرانه» که در این زمینه تألیف شده است. در این کتاب، مسائلی درباره آموزش پیش‌دبستانی آمده است. این کتاب پنج فصل دارد که دو فصل آن به معرفی آموزش پیش‌دبستانی اختصاص یافته است. این بخش‌ها با هدف تعدیل انتظارات والدین از پیش‌دبستانی تألیف شده‌اند. فصلی از کتاب مربوط به مهارت‌های ذهنی، یک فصل شامل سبک‌های فرزندپروری و یک فصل مسائل و مشکلاتی است که بچه‌های پیش‌دبستانی به صورت عمده با آن مواجه‌اند. نوآموزان هم طبق ۱۷ واحد کار از طریق کتاب‌هایی با عنوان «دنیای کودکان» ۱، ۲، ۳، آموزش می‌بینند. کتابی ویژه آموزش مفاهیم شهروندی هم داریم با عنوان «شهروند کوچولو» و یک کتاب قرآن با نام «رنگین کمان».

مفیدی: با توجه به توضیحات شما در مورد کارهای انجام شده، برای مربیان سؤال این است که آیا شما برای ارزشیابی کارهایتان هم سیستمی دارید؟

محمدبیگی: محتواها بررسی می‌شود. برنامه‌ها را هم دفتر پیش‌دبستانی ارزیابی می‌کند و مرتباً از ما گزارش می‌گیرند و بررسی می‌کنند.

مفیدی: به نظر شما، نقطه تمایز کارهایتان با کارهای حوزه‌های دیگر در زمینه کودکان چیست؟

محمدبیگی: اگر بخواهیم بخشی از کارمان را به عنوان نمونه و شاخص بیان کنیم، همین پوشش مناطق محروم که توانسته‌ایم انجام دهیم برای شروع نقطه خوبی بوده است؛ چون هدف آن هم توسعه عدالت آموزشی است. بچه‌ها حق دارند آموزش ببینند. بحث آموزش اولیا هم نقطه قوت دیگری است. ما آموزش اولیا از طریق کتاب را در هیچ استانی نداریم. جلسات آموزش خانواده در همه مدارس برگزار می‌شود، ولی از طریق محتوا صورت نمی‌گیرد. ما بازخورد این محتوا را هم از والدین می‌گیریم.

مفیدی: بچه‌های عشایر چه زمانی کوچ می‌کنند؟ محمدبیگی: زمان کوچ آن‌ها با خانواده متفاوت است ولی مشکلی برای آموزش ما ایجاد نمی‌کند.

مفیدی: بچه‌های مناطق محروم دوزبانه هم هستند؟ برای آن‌ها چه کارهایی انجام می‌دهید؟

محمدبیگی: بله، دوزبانه هم زیاد داریم. وقتی دانش‌آموز برای ثبت‌نام کلاس اول مراجعه می‌کند، مدیران مدارس از او می‌پرسند که دوره پیش‌دبستانی را طی کرده است یا نه.

محروم خودمان - که ضریبش پنج است - اجرا کردیم. به این صورت که دانش‌آموزانی که مشمول سن تحصیل در دوره پیش‌دبستانی می‌شوند، تعدادشان در منطقه عشایری کم است و برای آن‌ها نمی‌توان یک مؤسسه پیش‌دبستانی در نظر گرفت. حداقل دانش‌آموزان لازم برای اینکه یک کلاس برای مؤسس سود اقتصادی داشته باشد، پانزده تا بیست دانش‌آموز است. ما از مدیران مدارس خواستیم این دانش‌آموزان را به عنوان نوآموزان پیش‌دبستانی در کلاس‌های چندپایه خود بپذیرند و آن‌ها حداقل سه روز در هفته در کلاس حضور داشته باشند.

اولین بار در سال گذشته این طرح را اجرا کردیم. حدود پنجاه دانش‌آموز عشایری را در کلاس چندپایه وارد کردیم و محتوای رایگان در اختیار آن‌ها قرار دادیم. البته با این مشکل مواجه شدیم که معلم این کلاس‌ها به اندازه کافی وقت رسیدگی به همه بچه‌ها را ندارد. برای اینکه این مشکل را حل کنیم، از مربی‌یاران روستایی یا عشایری استفاده کردیم؛ به این شکل که یکی از دانش‌آموزان ششم یا پنجم ابتدایی با آموزش‌هایی کمک‌معلم می‌شود و بچه‌های پیش‌دبستانی را مدیریت می‌کند. آن‌ها هم زیر نظر معلم کلاس فعالیت می‌کنند. بخش روستایی معلم پیش‌دبستانی دارد و کلاس‌های پیش‌دبستانی جدا تشکیل می‌شوند و ما هر ساله به مربیان آموزش می‌دهیم. آموزش‌های مختلفی

مفیدی: به نظر می‌رسد، شما در طول این مدتی که کار کرده‌اید، باید دیدی پژوهشی روی کارهایتان داشته باشید که بتوانید مستندسازی کنید. من فکر می‌کنم جای پژوهش در این عرصه خالی است. آیا در حوزه تولید محتوا مشکلی نداشته‌اید؟

محمدبیگی: مشکل ما در حوزه تولید محتوا تخصص بوده است؛ چون هر استانی باید از ظرفیت‌های خودش استفاده کند. ظرفیت‌های استان هم محدود است و ما در همه حوزه‌ها نمی‌توانیم متخصص بیاوریم.

فلسفی: آیا تا به حال مسائل و مشکلات خود را به عنوان طرح پژوهشی به دانشگاه‌ها پیشنهاد داده‌اید؟ شما می‌توانید از ظرفیت پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد استفاده کنید.

محمدبیگی: ما با دانشگاه ارتباطی نداریم.

فلسفی: رابطه شما با مؤسسات مردمی و بهزیستی چگونه است؟

محمدبیگی: امسال خیلی سعی کردیم با بهزیستی به تعامل و توافق برسیم؛ آموزش و پرورش حاضر به تعامل است ولی بهزیستی جلو نمی‌آید. چون باید بخشی از برنامه‌های خود را تغییر دهد و به همین دلیل همکاری نمی‌کند. مؤسسات دیگری هم داریم که وارد آموزش پیش‌دستانی شده‌اند؛ مثل جامعه زنان، بسیج، اداره ارشد، سرای محلات شهرداری. ما وارد این حوزه نشدیم و جز با بهزیستی، مکاتبه‌ای نداشته‌ایم.

مفیدی: در سال‌های اخیر مهاجر هم داشته‌اید؟

محمدبیگی: اتباع کشور افغانستان روزبه‌روز در حال افزایش هستند. ما در فشافویه مدرسه‌ای داریم که از چهارصد دانش‌آموز آن سه نفر ایرانی و بقیه اتباع افغانستان هستند. یکی از سازمان‌هایی که از این‌ها حمایت می‌کند، مؤسسه امداد جهان است که یک سازمان غیردولتی مردم‌نهاد است و توسط ایرانی‌ها اداره می‌شود.

مفیدی: آیا فضای آموزشی ارتباط خوبی با بچه‌ها برقرار می‌کند؟

محمدبیگی: بحث فضا از زمانی پیش آمد که نظام آموزشی تغییر کرد و با اجرای طرح شش، سه، سه، کلاس ششم به دوره ابتدایی تحمیل شد. مدارس ما براساس ساختار پنج کلاسه طراحی شده بودند. وقتی کلاس ششم اضافه شد، لازم بود فضای کلاس‌های مورد نیاز تأمین شود. در نتیجه، به فضای مدارس فشار زیادی آمد و در نظر گرفتن فضای مناسب برای پیش‌دستانی امکان‌پذیر نبود.



اگر طی کرده باشد که گواهی پیش‌دستانی دریافت می‌کند. در غیر این صورت، از او سؤال می‌شود که زبان مادری‌اش غیر از فارسی یا همان زبان فارسی است. اگر زبان مادری فارسی نباشد، اسم او را یادداشت می‌کنند. اواسط فصل ثبت‌نام، فهرست دانش‌آموزان دوزبانه را از مدارس می‌گیریم و یک ماه به آن‌ها آموزش رایگان ویژه می‌دهیم.

مفیدی: دانش‌آموزانی که وارد کلاس‌های چندپایه می‌شوند چگونه آموزش می‌بینند؟
محمدبیگی: آن‌ها چون دوره پیش‌دستانی را می‌گذرانند مشکلی ندارند.

فلسفی: زبان دوم معمولاً کدام زبان‌هاست؟
محمدبیگی: بیشتر زبان ترکی است. برآورد ما از میزان دوزبانه‌ها ۱۳۰۰۰ نفر در سال گذشته بوده است ولی برای آموزش توانسته‌ایم ۹۰۰۰ نفر را پوشش دهیم. برای معلمان هم کارگاه‌های آموزشی جزئی برگزار می‌کنیم و بیشتر محتوا را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهیم.

مفیدی: آیا در زمینه کارهایی که انجام داده‌اید، پژوهشی صورت گرفته است؟

محمدبیگی: خیر؛ نظام آموزشی ما نظام ایده‌آلی نیست و ایراداتی دارد. از جمله ایرادات، موزی‌کاری است؛ یعنی، هر واحد کار خودش را مستقل انجام می‌دهد و انسجام وجود ندارد. واحد پژوهش هم جداسست و زیرنظر یک معاونت دیگر است. بنابراین، ارتباط ما فقط می‌تواند دوستانه باشد.



مفیدی: آقای فلسفی شما هم اگر مطلبی در این خصوص دارید بفرمایید.

فلسفی: من تشکر می‌کنم که این شرایط مهیا شد که با سرعت بیشتری در خدمت نمایندگان استان‌های مختلف باشیم. شهرستان‌های استان تهران هم از استان‌های فعال ما در حوزه پیش‌دبستانی هستند. آقای محمدبیگی از زمانی که این سمت را قبول کرده‌اند منشأ برکات فراوانی شده‌اند. البته اقلیم شهرستان‌های تهران به خاطر تنوع بافت جمعیتی خاص است و ایران کوچک محسوب می‌شود. به این جهت، کار دشوار است. امیدواریم این خدمات ادامه داشته باشد. تبادل تجربه با استان‌های همجوار هم خالی از لطف نیست. در مورد ارتباط با دانشگاه، معاونت‌های پژوهشی دانشگاه‌ها بودجه‌ای از باب ارتباط با سازمان‌ها و ارگان‌ها دارند و هیچ باری هم به دوش آموزش و پرورش نخواهند گذاشت.

از این نظر شاید فرصت مغتنمی باشد. در عین حال، معاونت‌های پرورشی استان‌ها را باید بیشتر به کار بگیرید. با توجه به اینکه دوستان هم در استان‌ها در حوزه پژوهشی علاقه‌مندند که با معاونت‌های دیگر همکاری کنند، فکر می‌کنم اگر استقبال بیشتری از جانب معاونت ابتدایی و پیش‌دبستانی صورت بگیرد، کمک خواهد کرد. در حوزه تولیدات و بخش بررسی محتوا هم از گذشته پیشنهادهایی بود. مبنی بر اینکه تولیدکننده خودش نمی‌تواند ناظر باشد. محمدبیگی: عنوان پایان‌نامه من طراحی الگوی آموزشی دوره پیش‌دبستانی بود که خانم دکتر مفیدی سمت راهنمایی مرا به عهده داشتند ما در آنجا پس از بررسی الگوهای مختلفی، یک الگوی پیشنهادی طراحی کردیم. وضعیت مطلوب را در حوزه محتوا، آموزش مربیان و اولیا پیش‌بینی و وضعیت موجود را با آن مقایسه کردیم. سپس با الگوهای مختلف دنیا هم مقایسه تطبیقی انجام دادیم. این کارهای ما در نهایت منجر به شکل‌گیری الگویی شد که با توجه به ظرفیت‌ها و امکانات موجود طراحی شده بود. البته در حد کار دانشگاهی ماند و به مرحله عمل نرسید. وقتی به شهرستان محل کارم رفتم و این طرح را پیشنهاد دادم، مورد پذیرش قرار نگرفت. می‌توان به شیوه‌های مختلف از همکاران دیگر استفاده کرد. اگر بتوانید در شهرستان‌های تهران بیش از گذشته منشأ خیر باشید و دوستان را به مطالعه این نشریه ترغیب کنید و عزیزان صاحب قلم را تشویق به نوشتن و همکاری کنید، بسیار مفید خواهد بود.

یکی از ظرفیت‌هایی که من از آن مطلع هستم، برنامه‌هایی است که در قالب همایش، سمینار و سخنرانی اجرا می‌شود. اگر اطلاع‌رسانی داشته باشید، ما این کارها را انعکاس خواهیم داد.

محمدبیگی: چشم حتماً این موضوع را در اولویت قرار خواهیم داد. ما همایش‌ها و سمینارهای بسیاری داریم که

انعکاس آن کمی مغفول مانده است و ان‌شاءالله از این به بعد حتماً همکاری خواهیم داشت. پیشنهادهای بسیار خوبی داشتید. سپاسگزارم. ما در حال تلاشیم که سروسامانی به دوره پیش‌دبستانی بدهیم. از زمانی که من وارد بخش پیش‌دبستانی شده‌ام، تحولاتی هم ایجاد شده، ولی چون ساختار پیش‌دبستانی ساختار معلق و نادرستی است، هر چقدر هم تلاش کنیم به نتیجه مطلوب نمی‌رسیم. انتظار می‌رود پیش‌دبستانی در ساختار آموزش و پرورش تعریف شده باشد؛ در صورتی که انگار آن را از مجموعه آموزش و پرورش جدا کرده‌اند. این ساختار باید اصلاح شود.

مفیدی: در دوره پیش‌دبستانی شما چند درصد بچه‌ها را تحت پوشش دارید؟

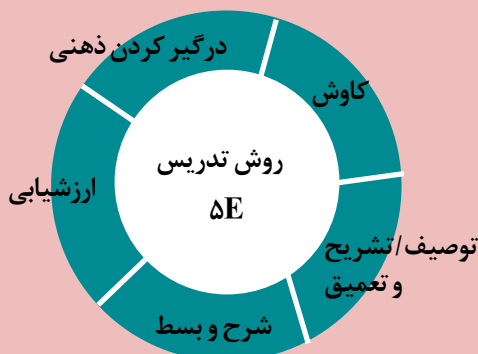
محمدبیگی: آمار افراد تحت پوشش ما ۳۷۰۰۰ نفر است. محتوایی که توزیع می‌شود چهل هزار محتواست؛ یعنی حدود سه‌هزار نفر ثبت نشده داریم. اینکه این چهل هزار نفر چند درصد از کل را شامل می‌شود، از نظر ما بین ۵۰ تا ۵۵ درصد است، اما اگر با ورودی‌های کلاس اول مقایسه کنیم، حدود ۴۰ درصد است. محاسبه پوشش تحصیلی در تهران کمی چالشی است و به راحتی امکان‌پذیر نیست.

مفیدی: مطالب بسیار خوبی فرمودید. من به‌عنوان سردبیر مجله و نیز از طرف دوستان هیئت تحریریه از شما تشکر می‌کنم که وقت خود را به ما دادید و امیدوارم از اطلاعات و همکاری‌های شما و همکارانتان در این مجله بیشتر برخوردار شویم.



سرآغاز

روش تدریس ۵E، که یکی از راهبردهای یاددهی - یادگیری مبتنی بر نظریه ساختن گرایی است، از جمله روش‌های نوینی است که به دلیل ویژگی‌های انعطاف‌پذیر آموزش در دوره پیش‌دبستانی، کاربرد بسیار وسیعی یافته است. این روش مبتنی بر پیش‌برد روند تدریس در پنج گام یا مرحله است که در زبان انگلیسی، همه آن‌ها با حرف E آغاز می‌شوند. از این‌رو، این الگوی تدریس به ۵E معروف شده است. پنج گام این روش از این قرارند:



□ **درگیر کردن ذهنی:** در این مرحله، نوآموز به نوعی با موضوع بحث و مهارتی که قرار است فرا بگیرد، درگیر می‌شود و بدان جذب و علاقه‌مند می‌گردد. این کار می‌تواند با نشان دادن یک تصویر، گفتن یک داستان، طرح یک سؤال، اجرای نمایش و مواردی جز این‌ها که حالت انگیزشی دارند، صورت پذیرد.

□ **کاوش:** در این مرحله، نوآموزان از طریق مشاهده، اندازه‌گیری، انجام دادن آزمایش و سایر مهارت‌های پژوهش و بررسی، درباره موضوع کاوش می‌کنند. این کار به آن‌ها جرئت سؤال کردن می‌دهد و به این ترتیب مربی صرفاً به راهنمایی آنان می‌پردازد.

□ **توصیف/تشریح و تعمیق:** مربی از نوآموزان می‌خواهد که درباره یافته‌های خود سخن بگویند. در اینجا، درستی یا نادرستی یافته‌های نوآموزان مهم نیست، بلکه آن‌ها باید بتوانند با استدلال از یافته‌های خود دفاع کنند. مربی نیز به تصحیح نظرهای بچه‌ها می‌پردازد و نکات مربوط به بحث را با زبان ساده درس بیان می‌کند.

□ **شرح و بسط:** مربی به کمک نوآموزان، توضیحات کاملی درباره موضوع مورد بحث ارائه می‌دهد و آنان را وادار به اندیشیدن می‌کند. او با طرح سؤال‌هایی درباره موضوع بحث، مطلب را بیشتر توضیح می‌دهد و از بچه‌ها می‌خواهد جهت کسب اطلاعات بیشتر به منابع دیگر از جمله بزرگ‌ترها، برنامه‌های تلویزیونی ویژه کودکان و... هم مراجعه کنند.

□ **ارزشیابی:** ارزشیابی، که البته معمولاً به صورت فعال و گروهی صورت می‌گیرد و ویژه دوره پیش‌دبستانی است، به دنبال کشف این نکته است که آیا نوآموزان به هدف‌های مورد نظر رسیده‌اند یا خیر.

هدف اصلی این روش تدریس، دستیابی به روحیه کار جمعی، جست‌وجو، کاوش و کشف است. این روش تدریس، رویکردی تکمیلی دارد و اغلب نمی‌توان در یک جلسه، هر پنج مرحله یا گام آن را انجام داد. به علاوه، معمولاً در چندین جلسه تکمیل می‌شود و حالت تکوینی دارد.

اگرچه روش تدریس ۵E در دوره ابتدایی و سایر دوره‌های تحصیلی کشورمان

پنج تا E با ارزشش!
کاربرد سناریوی تدریس براساس مدل ۵E (پنج «ای») در پیش‌دبستانی

مرتضی مجدفر



آزموده شده، اجرای آن در واحدهای پیش دبستانی تجربه جدیدی است. در این شماره از مجله رشد آموزش پیش دبستانی، به سراغ مربیان محترمی که این روش را در آموزش‌های خود به کار برده‌اند، می‌رویم و طرح درس‌هایی را که با بهره‌گیری از OE نوشته‌اند، مرور می‌کنیم.

اسامی همه مربیان و سناریوهای نگارش یافته واقعی است ولی برای انتشار در مجله رشد پیش دبستانی، طرح درس‌های اصلی پردازش شده و تغییرات فراوانی در آن‌ها راه یافته است.

نگارنده وظیفه خود می‌داند از خانم دکتر **لیلا سلیقه‌دار** که یاریگر وی در تبیین و تشریح این طرح درس در کلاس‌های آموزشی مربیان بوده‌اند، سپاسگزاری کند.

● عنوان واحد یادگیری:

واحد کار گیاهان؛ شباهت‌ها، تفاوت‌ها

● نام و نام خانوادگی مربی:

عطیه جناب‌پور

□ مرحله اول / درگیری ذهنی:

گلدانی را که در آن گیاه سبزی کاشته شده است، در کلاس در جایی می‌گذارم تا هنگام ورود بچه‌ها به کلاس، توجه و تعجب آنان را برانگیزد. منتظر می‌مانم که کسی به وجود گلدان سبز اشاره کند و پرسش‌های را مطرح نماید. سپس، از بچه‌ها می‌خواهم در دسته‌های دو سه نفری دور گلدان جمع شوند و تمام اجزای آن را به دقت نگاه کنند (تقویت مهارت‌های مشاهده و طرح سؤال).

□ مرحله دوم / کاوش: بچه‌ها را به حیاط مدرسه می‌برم که پر از درخت و گیاهان گوناگون است. از آن‌ها می‌خواهم در ده دقیقه‌ای که فرصت دارند، در حیاط بگردند و به همه درختان و گیاهان نگاه کنند و هر چیزی شبیه گیاه گلدان کلاس را که فکر می‌کنند آن هم زنده است، لمس کنند (تقویت مهارت‌های مشاهده طرح سؤال، تفکر، پیش‌بینی و برنامه‌ریزی). بعد که به کلاس آمدیم، پرسش و پاسخ و بحث و گفت‌وگو را آغاز می‌کنم (تقویت مهارت فرضیه‌سازی).

□ مرحله سوم / تشریح و تعمیق: درباره اینکه چرا گیاه موجود زنده است، و در مورد مراحل گیاه برای رشد طی می‌کند و شباهت‌های گیاهان گوناگون با یکدیگر صحبت می‌کنیم. سپس، در مورد تفاوت‌های گیاهان با یکدیگر، اندکی توضیح می‌دهم. بعد، آزمایشی را ترتیب می‌دهیم که برای گرفتن پاسخ آن، بچه‌ها باید چند روز صبر کنند. برای این کار، چند جور دانه گیاه مانند سبزی شاهی، ریحان و نیز لوبیا، ماش و عدس را در مقابل چشم بچه‌ها در گلدان‌هایی که از قبل آماده کرده‌ایم، می‌کاریم. سپس، مسئولیت مشاهده و مراقبت از هر گلدان را به دو یا سه نفر از بچه‌ها می‌سپاریم و از آن‌ها می‌خواهیم تا زمانی که گیاهشان به رشد کامل برسد، از آن مراقبت کنند. خودمان نیز در این کار مشارکت می‌کنیم و ترتیبی می‌دهیم که همگی با هم از رشد گیاه لذت ببریم (تقویت مهارت‌های مشاهده، پیش‌بینی، آزمایش و نتیجه‌گیری). تذکر: بدیهی است اجرای این بخش از الگوی تدریس E5، به صبر و حوصله و مداومت نیاز دارد که طبیعت اکثر روش‌های تدریس مبتنی بر ساخت و سازگرایی است؛ یعنی اجرای E5، نه در یک جلسه، بلکه در چند جلسه به تکامل می‌رسد.

□ مرحله چهارم / شرح و بسط: بعد از کاشت دانه‌ها در گلدان‌ها (مرحله سوم)، وارد مرحله چهارم می‌شویم؛ از بچه‌ها می‌خواهیم برگ‌های گوناگونی را که پیدا می‌کنند، جمع‌آوری کنند و جلسه آینده با خود به کلاس بیاورند (تقویت مهارت‌های جمع‌آوری، تفکر و نتیجه‌گیری).

□ مرحله پنجم / ارزشیابی: این مرحله، یک جلسه بعد از مرحله یا گام چهارم صورت می‌پذیرد. از همه بچه‌ها می‌خواهیم برگ‌هایی را که جمع‌آوری کرده‌اند، روی میز معلم در وسط کلاس بریزند. سپس، نواآموزان را گروه‌بندی می‌کنیم؛ به هر گروه یک مقوای بزرگ یا پوستر غیرقابل استفاده یک‌رو سفیدی می‌دهیم و از آن‌ها می‌خواهیم که به کمک یکدیگر روی مقوا یا پوستر کلاژی درست کنند که در آن از همه نوع برگ‌های روی میز معلم دست‌کم یک بار استفاده شده باشد. البته بهتر است خودمان نیز برگ‌هایی را به کلاس ببریم که در صورت علاقه‌مند نبودن بچه‌ها به این فعالیت یا توانمند نبودن بچه‌ها در آن‌ها، روی میزمان خالی از گل نباشد (تقویت مهارت ارائه گزارش).

● عنوان واحد یادگیری:

واحد کار با حشرات

● نام و نام خانوادگی مربی:

فرناز فخرآبادی

□ مرحله اول / درگیر کردن: برای

جلب توجه فراگیرندگان به کلاس و ایجاد هیجان و انگیزش در آن‌ها، عکس یک حشره را که بسیار بزرگ شده و به اندازه یک پوستر درآمده است، به تخته یا دیوار کلاس می‌چسبانیم. سپس بدون اینکه نسبت به واکنش‌های بچه‌ها به عکس مذکور عکس‌العملی نشان دهیم، شروع به تعریف داستانی می‌کنیم که شخصیت اصلی آن یک حشره است، ولی داستان را ناتمام رها می‌کنیم.

□ مرحله دوم / کاوش: در داخل کلاس و راهرو منتهی به کلاس، تصاویر متعددی از

حشرات، کتاب‌هایی با تصاویر حشرات و مجموعه‌های خشک شده‌ای با جذابیت‌های رنگی فراوان و پوسته‌هایی از دسته‌های متفاوتی از حشرات، قرار می‌دهیم. سپس، از بچه‌ها می‌خواهیم به‌صورت انفرادی یا دو نفره در محوطه کلاس و راهرو منتهی به آن بگردند و به موردی که فکر می‌کنند حشره است، اشاره کنند.

□ مرحله سوم / تشریح و تعمیق: داستانی را که در مرحله ایجاد انگیزه برای بچه‌ها گفتیم، یک‌بار دیگر تکرار می‌کنیم و از آن‌ها می‌خواهیم پایان احتمالی آن را حدس بزنند. سپس، اطلاعاتی در حد دانش‌آموزان پیش‌دبستانی درباره حشرات به آن‌ها می‌دهیم.

□ مرحله چهارم / شرح و بسط: یکی از کارتون‌های «اوکی» را که قهرمانان اصلی آن حشرات‌اند، همراه با فیلمی واقعی از زندگی حشرات به نوآموزان نشان می‌دهیم.

□ مرحله پنجم / ارزشیابی: ارزشیابی را می‌توان به شکل‌های گوناگونی انجام داد؛ بهترین پایان برای داستان نیمه‌تمام

از نگاه بچه‌ها (نظر نوآموزان نمی‌تواند متفاوت و ناهمگن باشد)، نقاشی کردن حشره‌ای که دوستش دارند (یا

مفیدترین حشره است)، مقایسه دو فیلم کارتونی و واقعی، بیان ویژگی‌های حشرات و... است.

این طرح درس را می‌توان در یک یا دو جلسه تدریس کرد؛ ولی افزایش دادن زمان اختصاصی آن،

تنها در صورتی میسر است که انگیزاننده‌ها و منابع یادگیری غنی‌تر شوند.

● عنوان واحد یادگیری:

واحد کار مفهوم بهداشت فردی و عمومی

● نام و نام خانوادگی مربی:

ستاره میرحسینی

هدف‌های آموزشی این واحد کار، آموزش

مسواک زدن، حمام کردن، ناخن گرفتن، کوتاه کردن مو،

شستن دست‌ها، شانه کردن مو و پوشیدن لباس تمیز و مرتب

است. در واقع، این واحد به دنبال طرح چهار مفهوم کلیدی تمیزی،

مریضی، نظافت و سلامت است. در کنار استفاده از الگوی ۵E، با استفاده از

داستان و نمایش معروف «حسنی نگو، یه دسته گل» از روش نمایشی هم بهره می‌بریم.

البته به برخی وسایل از جمله قیچی، لباس‌های مرتب و تمیز، لباس کثیف، مسواک، صابون و ناخن‌گیر هم نیاز داریم.

اکنون به توضیح مراحل ۵E می‌پردازیم.

□ مرحله اول / درگیر کردن: با بچه‌ها روی مکت وسط کلاس می‌نشینیم. بچه‌ها را به گروه‌های مورد نیاز تقسیم می‌کنیم و به

آن‌ها می‌گوییم که می‌خواهیم نمایش بازی کنیم. سپس، با بحث و گفت‌وگو با آنان و براساس شناختی که از قبل در مورد آن‌ها

به‌دست آورده‌ایم، نقش‌های موجود در نمایش را میان‌نشان توزیع می‌کنیم: حسنی، پدر حسنی، الاغ، جوجه، فلفلی، فسقلی و... .

□ مرحله دوم / کاوش: متن نمایش را یک‌بار بدون اینکه صداها را تقلید کنیم، برای بچه‌ها می‌خوانیم. سپس، از بچه‌ها

می‌خواهیم براساس شخصیتی که قرار است نقش آن را بازی کنند، صدایی انتخاب کنند و آن نقش را چندین و چندبار در کلاس برای خود تمرین کنند.

اجازه می‌دهیم این کار ادامه یابد و وقتی سروصدایی در کلاس ایجاد شد، بچه‌ها را به سمت وسایل، لباس‌ها، ماکت، چهره‌نماها و مواردی که می‌تواند در گریم، تغییر چهره و جا گرفتن آن‌ها در نقش خود کمکشان کند، هدایت می‌کنیم.

□ مرحله سوم / تشریح و تعمیق: براساس داستان نمایش و بدون اینکه متن داستان را یک‌بار دیگر بخوانیم، در مورد هدف‌های آموزشی درس - که در ابتدای این طرح درس به‌طور گذرا به آن اشاره کردیم - توضیحات اندکی می‌دهیم.

□ مرحله چهارم / شرح و بسط: این مرحله همان اجرای نمایش است که ممکن است بار اول ناشیانه و پر از خطا و در دفعات بعدی (در

همان روز یا روزهای دیگر)، ماهرانه‌تر اجرا شود. در هر بار اجرا، کودکان خود به نکاتی پی می‌برند که در اجرای قبلی متوجه آن

نبوده‌اند. البته اگر احساس شود بعضی از بچه‌ها در اجرای بعضی از نقش‌ها مشکل دارند یا به بعضی نقش‌ها علاقه‌مندترند،

می‌توان در سناریو و پدیدآورندگان هر نقش تغییراتی ایجاد کرد.

□ مرحله پنجم / ارزشیابی: از بچه‌ها می‌خواهیم درباره بهداشت فردی دو سه جمله بگویند و تأثیر بهداشت فردی

را در بهداشت اجتماعی شرح دهند؛ مسواک زدن درست را به‌طور عملی نشان دهند، داستانی تعریف کنند

که شبیه داستان حسنی باشد، برای داستانی که در کلاس اجرا کرده‌اند ۱ یا ۲ یا ۳ نقاشی بکشند و... .

ارزشیابی را می‌توان با دادن یک وسیله بهداشتی ساده و ارزان‌قیمت، مانند مسواک، به

همه نوآموزان به انگیزه‌ای برای شروع سایر واحد کارها تبدیل کرد.



۴

- عنوان واحد یادگیری:
 - برگ‌های پاییزی
 - نام و نام خانوادگی مربی:
- مریم رنجبر

توضیح مقدماتی دربارهٔ اجرای واحد

یادگیری برگ‌های پاییزی

نکاتی که در پی می‌آید، لازم نیست در طرح درس نوشته شود ولی چون ممکن است مربیان مخاطب مجلهٔ رشد آموزش پیش‌دبستانی از جزئیات روش تدریس 5E توسط خانم رنجبر و چگونگی طی مراحل آن بی‌اطلاع باشند، از ایشان خواستیم دربارهٔ مقدمات لازم برای اجرای این واحد یادگیری کمی توضیح بدهند. ادامه، توضیحات ایشان را می‌خوانید.

در یک روز خوب و زیبای پاییزی، با برنامه‌ریزی قبلی، نوآموزان پیش‌دبستانی را به بوستانی که نزدیک مدرسهٔ ماست، می‌برم. هدف، آموزش برگ‌های پاییزی است ولی اجازه می‌دهم بچه‌ها ساعاتی خوش را در کنار یکدیگر بگذرانند و حسابی به تفریح و بازی بپردازند. سپس، سراغ هدف اصلی خود می‌روم.

از نوآموزان می‌خواهم در چند گروه دور هم جمع شوند و همه با هم، بازی برگ‌ریزان را انجام می‌دهیم. به این شکل که همه، برگ‌های یک درخت پاییزی می‌شوند و من، درخت و مربی دیگر باد پاییزی. وقتی باد می‌وزد، بخشی از برگ‌ها از درخت روی زمین می‌ریزند و... سپس، همه با هم شعر «پاییزه و پاییزه، برگ از درخت می‌ریزه...» را می‌خوانیم. پس از ایجاد انگیزه و شور و نشاط در نوآموزان، از آن‌ها می‌خواهم در گروه خود، به گوشه‌ای از بوستان بروند و برگ‌های پاییزی را که با رنگ‌ها و شکل‌های گوناگون روی زمین ریخته‌اند جمع‌آوری کنند. نوآموزان حین انجام دادن این کار، ممکن است با چیزهای تازه‌ای روبه‌رو شوند که خودشان آن‌ها را کشف می‌کنند؛ مانند: لانهٔ مورچه‌ها، قطار شدن مورچه‌ها پشت سرهم، کرم‌های کوچکی که روی برگ‌ها خشک شده‌اند و...

البته برای اینکه عادت‌های اجتماعی خوب را هم را به نوآموزان آموزش دهم، به هر یک از آنان یک کیسهٔ پلاستیکی می‌دهم و می‌خواهم که با کمک یکدیگر و ضمن رعایت بهداشت فردی، هنگام خروج از بوستان بخشی از زباله‌های خشک رها شده در آن محیط را جمع کنند.

حال که تا حدودی با طرح تدریس من آشنا شدید، آن را براساس الگوی 5E در مراحل مجزا طبقه‌بندی می‌کنم:

□ مرحلهٔ اول/ درگیر کردن: این کار با طرح یک درخواست ساده از سوی مربی انجام می‌پذیرد: «می‌خواهیم یک کار گروهی جالب انجام دهیم. هر گروه چند مدل برگ در رنگ‌های گوناگون پیدا کند.»

□ مرحلهٔ دوم/ جست‌وجوگری و کاوش: طرح یک درخواست از سوی مربی با هدف هدایت نوآموزان به جست‌وجوگری و کاوش: «اعضای هر گروه، برگ‌های خود را مشاهده و آن‌ها را طبق رنگ و شکل، طبقه‌بندی کنند. برای این کار لازم است بخش‌های مختلف هر برگ را به دقت ببینید!»

□ مرحلهٔ سوم/ تشریح و تعمیق: اعضای هر گروه داوطلبانه، نحوهٔ دسته‌بندی خود را توضیح داده، برگ‌ها را به دوستانشان نشان می‌دهند. آن‌ها به این ترتیب مشاهدات خود را توصیف و مفاهیم را بیان می‌کنند.

□ مرحلهٔ چهارم/ شرح و بسط: این مرحله با طرح پرسش‌هایی از سوی نوآموزان پیش می‌رود: در صورتی که آن‌ها هیچ پرسشی نداشته باشند، مربی با طرح پرسش‌هایی بحث را شکل می‌دهد و به پیش می‌برد: «این برگ‌ها چرا روی زمین افتادند؟ چرا رنگ‌های آن‌ها با هم فرق می‌کند؟ چرا شکل آن‌ها با هم فرق دارد؟»

پاسخ‌های احتمالی نوآموزان و هدایت مربی: «از باغبان پرسیم، به کتاب‌ها مراجعه کنیم، از بزرگ‌ترها پرسیم، فیلمی در این باره برایمان پخش شود و...»

□ مرحلهٔ پنجم/ ارزشیابی: در این مرحله، ارزشیابی به‌طور تکوینی و حین کار صورت می‌پذیرد (رصد انتظار و مشاهدات مربی در هر گروه، یادداشت‌برداری مستمر از عملکرد اعضا به شکل گروهی و انفرادی و...) اما به شکل‌های زیر نیز می‌توان آن را انجام داد:

درخواست از گروه‌ها برای مشورت با یکدیگر و بیان آنچه مشاهده کرده‌اند توسط تک‌تک

اعضای گروه، گفت‌وگوی اعضای هر گروه با گروه‌های دیگر و تبادل اطلاعات با هم،

درخواست از اعضای گروه برای ترسیم نقاشی گروهی و نیز ترسیم نقاشی

انفرادی و...

پی‌نوشت‌ها

1. Engaging
2. Exploration
3. Explanation
4. Elaboration
5. Evaluation

منابع

۱. آقازاده، محرم. (۱۳۹۴). راهنمای روش‌های کاربردی و نوین تدریس در کلاس‌های چندپایه و عادی. تهران: مرکز نوآوری‌های آموزشی مراآت.
۲. مجدفر، مرتضی. (۱۳۹۴). ۷ مهارت اساسی برای معلمان. تهران: انتشارات پیشگامان پژوهش‌مدار.



ارزشیابی از کودکی

به طور کلی در ارزشیابی بر توانایی‌ها و موفقیت‌های نوآموزان تأکید می‌شود، به معنای دیگر و واضح‌تر، واژه ارزشیابی از دو کلمه ارزش + یابی تشکیل شده است و این به معنای آن است که همواره باید بر نقاط قوت، ویژگی‌های مثبت و توانایی‌های کودکان تأکید داشته باشیم.

برخی از اصول مهم و حاکم بر ارزشیابی

۱. ارزشیابی باید به عنوان بخشی از فرایند یاددهی - یادگیری و نه به عنوان نقطه پایانی آن تلقی شود.
۲. ارزشیابی باید متناسب و هماهنگ با هدف‌ها و سطح آموخته‌های نوآموزان باشد.
۳. در دوره پیش‌دستان بیش از ارزشیابی فردی بر فعالیت‌های گروهی یا مشارکت فرد در گروه تأکید می‌شود.
۴. در ارزشیابی باید به تفاوت‌های فردی و هم‌چنین جنبه‌های مختلف رشد یا همان رشد همه‌جانبه توجه شود.
۵. هدف غایی و اساسی ارزشیابی از فعالیت‌های کودکان، اصلاح و بهبود فعالیت مربی در فرایند یاددهی - یادگیری است. براساس منابع و دیدگاه‌های مختلف می‌توان به این اصول

اشاره

«بهار فصل شکوفه زدن و شکوفا شدن است و از سوی دیگر در نظام آموزشی و پرورشی فصل منتهی به پایان سال تعلیم و تربیت رسمی است. شاید بتوان بین ویژگی‌های فصل بهار و ماه‌های آخر فعالیت‌های رسمی آموزشی و پرورشی که منجر به تعلیم و تربیت و شکوفا شدن استعدادها و ظرفیت‌های فرزندانمان می‌شود، ارتباطی ذوقی ایجاد کرد. در شماره قبل این فصل‌نامه بر تأثیر «چگونگی ارزشیابی» از موفقیت‌های کودکان بر «نگرش‌های وی» مطالبی نگاشته شد. اما در این مجال می‌خواهیم کمی فراتر به این موضوع بپردازیم. زیرا هرچه به ماه‌های آخر سال نزدیک می‌شویم ما مربیان و والدین بر ارزشیابی از آموخته‌های کودکانمان تأکید داریم.»

«ارزشیابی، از جمله عناصر مهمی است که در اغلب سبک‌های برنامه‌ریزی آموزشی مورد توجه قرار می‌گیرد. اما آنچه اهمیت دارد نوع نگاه و نگرش ما بر این عنصر است. در سال‌های اخیر و با تصویب سند تحول در نظام آموزشی و پرورشی، واژه‌ای تحت عنوان «ارزشیابی توصیفی» زیاد شنیده می‌شود. ارزشیابی توصیفی، شیوه‌ای از ارزشیابی تحصیلی - تربیتی است که اطلاعات لازم، معتبر و مستند برای شناخت دقیق و همه‌جانبه فراگیران در ابعاد مختلف یادگیری، با استفاده از ابزارها و روش‌های مناسب با تأکید بر مشاهده عملکرد فراگیران در طول فرایند یاددهی - یادگیری به دست می‌آید. (آیین‌نامه مصوب ۷۹۳ شورای عالی آموزشی و پرورشی) در این نوع ارزشیابی برخلاف ارزشیابی براساس آزمون و نمره‌دهی به بررسی تحلیل و توصیف فعالیت‌های فراگیر می‌پردازد. هم‌چنین به استمرار جریان ارزشیابی در طول سال و لزوم برنامه‌ریزی مربی برای رفع کاستی‌های احتمالی، تأکید دارد.

یک سکه و ارزیابی

مسعود تهرانی فرجاد
کارشناس ارشد علوم ارتباطات

مطالعه، دانش‌افزایی و کسب تجربه کوتاهی نمی‌کند. ارزشیابی از کودک به‌منظور ارزیابی دقیق خودمان است و این مهم‌ترین نگرش مربی در نقش‌آفرینی خود در فعالیت‌های قرآنی است. درواقع ارزشیابی از کودک دو روی سکه دارد؛ یک روی آن تأکید بر توانایی‌ها، نقاط قوت در کودک است و روی دیگر آن ارزیابی خودمان است که تا چه میزان توانسته‌ایم به هدف‌ها و دیدگاه‌های مورد انتظارمان برسیم.

مواردی را اضافه کرد. اما موضوع اصلی این نوشتار ناظر به اصل پنجم است.

اهم انتظارات و تأکیدات در برنامه و فعالیت‌های قرآنی دوره پیش‌دبستان

۱. بیش از آموزش بر آشنایی و علاقه کودکان به قرآن تأکید می‌شود.
 ۲. در تمام فعالیت‌ها بر انس و ارتباط کودکان با قرآن تأکید می‌شود.
 ۳. در فعالیت‌های قرآنی همه کودکان حق دارند طعم شیرین موفقیت را بچشند.
 ۴. پرهیز از مقایسه کودکان با یکدیگر و تأکید بر توانایی‌ها و رغبت‌های تمام کودکان.
 ۵. فعالیت‌های گروهی به‌جای قهرمان‌پروری مورد تأکید قرار می‌گیرند.
- با مرور انتظارات فوق درمی‌یابیم هم‌چنانکه ارزشیابی از کودکان حائز اهمیت است، ارزیابی خودمان برای دستیابی به هدف‌ها و انتظارات در فرایند فعالیت‌های قرآنی بیشتر قابل توجه و تأکید است.
- امید و انتظار این است در برنامه و فعالیت‌هایمان به‌منظور انس و علاقه کودکان به قرآن همواره بر ارزیابی خودمان بیش از ارزشیابی کودکان تأکید داشته باشیم.

ارزشیابی و ارزیابی دو روی یک سکه

هرچند ارزشیابی از موفقیت‌های کودک اهمیت دارد اما ارزیابی از خودمان به مراتب مهم‌تر است. زیرا از مهم‌ترین دلایل ارزشیابی نوآموزان ارزیابی از میزان موفقیت خودمان در دستیابی به هدف‌ها و تحقق رویکردهای موردنظر است. در فرایند تعلیم و تربیت آنچه اهمیت دارد این است که مربی باید میزان توفیق خود را در جهت تحقق هدف‌ها به‌طور مستمر ارزیابی نماید.

از مهم‌ترین جهت‌گیری‌ها برنامه و فعالیت‌های قرآنی در دوره پیش‌دبستانی «انس و علاقه کودکان با قرآن کریم» است. مربیان دلسوز و علاقمند به فعالیت‌های مطلوب قرآنی، از تمام ظرفیت و توانایی‌های خود استفاده کرده و سهم خود را در فرایند تعلیم و تربیت کودک به نحو احسن پی‌گیری می‌کند تا فعالیت‌های وی منجر به تحقق رویکرد انس با قرآن شود. به بیان دیگر اگر عوامل متعددی را در تربیت کودک دخیل بدانیم، مربی محرب صرف‌نظر از عوامل دیگر دائماً به ایفای نقش مؤثر خود می‌اندیشد و در این مسیر از هیچ کوشش،

رابطه مادر و نوزاد، اوج ایمان است

پای صحبت مهندس محمود سلطانی، از فعالان حوزه اسباب بازی و بازی درمانی

توجه به وقت، سؤال‌هایی را مطرح کنیم که شما به هر صورت که راحت هستید پاسخگو باشید.

دکتر مفیدی: این مرکز با خانواده‌ها چگونه ارتباط برقرار می‌کند؟ سؤال من این است که برای حوزه پیش‌دبستانی چه توضیحاتی دارید. به نظر شما در سطح جامعه در این زمینه چه کمبودهایی است؟

سلطانی: من دوازده سال مهندس تعمیرات بوده‌ام و تحصیلاتم در حوزه کامپیوتر است. پس از بازخرید شدن، مغازه اسباب بازی فروشی راه انداختم و چون با بچه‌ها سروکار داشتم، شروع به مطالعه کردم. کم‌کم نتایج خوبی گرفتم. بعد از جنگ، به تهران آمدم و با مؤسسه پژوهش کودکان دنیا آشنا شدم. آن‌ها بالکن مرکز را در اختیار من گذاشتند و من در آنجا نمایشگاه اسباب بازی به راه انداختم و برای والدین کلاس بازی گذاشتم. کار تدریس من از آنجا شروع شد. در هشت جلسهای که در خدمت آقای یوسفی بودیم، این مسئله مطرح شد که ما چرا یک رویکرد بومی نداریم و همه رویکردهای ما وارداتی و ترجمه‌ای هستند. این بحث ادامه داشت؛ تا اینکه کتابی به نام «نگاهی به رویکردهای جهانی» توسط انتشارات سروش چاپ شد. این کتاب مکمل مطالب آقای

من هم سعی می‌کنم در جلساتی که داریم، برای هر شماره نگاهی بدهم که مطابق با خواسته مخاطبان باشد. تا با اهدافی که فصل‌نامه دارد، هم بتوانیم با مخاطبان خود ارتباط برقرار کنیم و هم در ارتقای سطح آگاهی آن‌ها تلاش کنیم. سعی کرده‌ایم در قسمت‌های مختلف با توجه به تنوع اطلاعاتی که می‌تواند داشته باشد، محتوایی را تولید کنیم که خودمان هم بتوانیم از آن یاد بگیریم. من در مقاله سردبیر همیشه مسائل روز و چالش‌ها و نگاه‌ها را نیز به صورت خلاصه مطرح می‌کنم. مطالب فصل‌نامه همگی درباره پیش از دبستان است. به نظر من این مجله در کنار سایر مجلات رشد توانست جایگاه خوب و محکمی باز کند و امیدواریم حوزه فعالیت آن را به همین صورت بتوانیم گسترش بدهیم. دلیل حضور امروز ما در خدمت شما نگاهی بود که در مجله به مراکز پیش‌دبستانی داریم.

قبل از این در شماره‌های مختلف بازدهی‌ها و گزارش‌هایی داشته‌ایم. هدف اساسی این حضور و تهیه گزارش این است که چند سؤال را مطرح کنیم و پاسخی بگیریم که برای مجله مفید باشد. ضمن تشکر به نظرم می‌رسد که با

اشاره
گفت‌وگویی که در پیش‌رو می‌بینید مصاحبه با مرکز خانه بازی است که نحوه بازی‌های مربیان و دست‌اندرکاران با کودکان برایمان جالب بود که تصمیم گرفتیم در این گزارش شما عزیزان هم سهیم باشید.

دکتر مفیدی: ضمن تشکر از دعوتی که در مرکز خانه بازی به عمل آورده‌اید. ابتدا اجازه دهید کوتاه سخنی درباره مجله رشد، هدف‌ها و حوزه فعالیت آن داشته باشم و سپس با مرکز شما و نحوه کار و اهداف آن بیشتر آشنا شویم و مخاطبان را با تلاش‌های شما و همکارانتان آشنا کنیم.

این فصل‌نامه از سال ۸۷ آغاز به کار کرد و اکنون شماره ۳۳ آن در حال چاپ است. مخاطبان فصل‌نامه رضایت خود را از مطالب اعلام می‌کنند.



ما شش مهارت اصلی تعریف کرده‌ایم و شش ارزش زندگی. ارزش‌ها به صورت کاملاً نامحسوس در بازی بچه‌ها وجود دارند. ما بازی‌ای با عنوان هوش معنوی نداریم، ولی معتقدیم که هوش معنوی درک عظمت و منشأ است که بچه‌های ما ندارند. ما یک بازی داریم به نام «ساختنی‌ها». بچه‌ها در این بازی خیلی از مفاهیم فلسفی و عرفانی را یاد می‌گیرند. ساختنی‌ها زیر مجموعه بازی‌های خلاق است، ولی ما به عنوان بازی معنوی هم از آن استفاده می‌کنیم. چون بازی‌ها عموماً چند بعدی هستند. بازی با روح کودک عجین می‌شود. بچه‌ها در این بازی وفور و دل‌کندن را درک می‌کنند. تعداد تکه‌های بازی محاسبه شده است و بچه‌ها هیچ وقت کم نمی‌آورند. این بازی به آرامش کودک بسیار کمک می‌کند. اینجا همه بچه‌ها لباس فرم بسیار ساده‌ای دارند. صبحانه، میان‌وعده و ناهار با اینجاست و همه یک چیز می‌خورند. این وجه تمایز ماست. ما در اینجا شش ارزش پایه را با بچه‌ها کار می‌کنیم: مسئولیت، احترام، سپاسگزاری، سادگی، صداقت و مهارت‌ها

کردیم که در آن روی چهار جنبه رشد خیلی تأکید می‌شود: جسمی، شناختی، عاطفی و اجتماعی. در جامعه ما هوش جنسی یا هوش اقتصادی بسیار پایین است. هوش معنوی را که به هوش شهودی برمی‌گردد تعریف کردیم. هوش معنوی در ایران تعریف درستی نشده است. ما توانستیم مجموعه این هوش را روی بچه‌ها اجرا کنیم و بر پایه این‌ها بازی‌های متفاوتی تعریف کنیم. مرحله رشد را هم از دوره جنینی گذاشتیم، نه از تولد. ما کلاس مادر باردار داریم و کلاس نوزاد. نوزاد از نظر ما از زمان تولد تا ۱۸ ماهه است. نقش مادر در اینجا خیلی مهم است. برای این‌ها بازی تعریف کرده‌ایم. گروه مادر و کودک ما الان بازی‌هایی برای کودکان از شش ماهه تا سه ساله دارند. ما یک کارشناس بازی نوزاد داریم. ابزار کار ما بازی و محور ما هوش متعادل است. محور هوش متعادل هم هوش معنوی است. همه هوش‌ها در کنار هوش معنوی معنا می‌شوند. شاید وجه تمایز ما این باشد که بر مبنای هوش متعادل کار می‌کنیم و به‌خصوص بر پایه هوش معنوی.

دکتر مفیدی: ممکن است در مورد شیوه کار و پرداختن به هوش معنوی توضیح بدهید.

یوسفی بود. چند رویکرد دیگر هم اضافه شد. در حقیقت، هر رویکرد یک بینش دارد و یک روش. آنچه در ایران خیلی مطرح است، روش رویکردهاست که ظاهراً خیلی با هم تفاوت دارند. من به دنبال بینش این رویکردها بودم. دیدم همه این رویکردها از یک بینش منشعب می‌شوند و آن بینشی است که بر غرب حاکم است؛ یعنی بینش اومانسیسم و سکولاریسم. در حالی که بینش مشرق زمین بینش معنوی مبتنی بر ادیان است. واقعیت این است که ما از نظر معنوی خیلی کار کرده‌ایم. ما بینشی وسیع و ادبیاتی قوی داریم. اتفاقاً در رابطه با تعلیم و تربیت خیلی مسئله داریم ولی در روش، هیچ کاری نکرده‌ایم. وقتی ما روش را منتقل می‌کنیم، اگر توجه نداشته باشیم بینش هم با آن خواهد آمد. بینشی که اکنون بر فضای پیش‌دبستانی ایران حاکم است، بینش صحیحی نیست. عواقب این مسئله در بزرگسالی بروز پیدا خواهد کرد. بینشی است که نه غربی است، نه شرقی، و پایه مشخصی ندارد. الان حتی مدارس که پایه دینی دارند، بینش معنوی ندارند. این موضوع مرا به فکر فرو برد که ما به یک رویکرد دینی نیاز داریم.

در نتیجه، طی سال‌هایی که در خدمت دوستانی مثل خانم مرادی بودیم، یک رویکرد بر پایه هوش متعادل تعریف

را بیان کنند. بخشی از هوش هیجانی گفت و گوست. واژه آموزشی و آواشناسی نیز داریم.

درباره آموزش خانواده برای سال آینده تحول اساسی خواهیم داشت ولی در وضع فعلی، خانواده یکی از ارکان اصلی است. والدین ما خیلی مسئله دار هستند. نسل امروز والدین نسل جنگ اند که بسیار آسیب دیده اند و متأسفانه هیچ کس به فکر این آسیب ها نیست. به همین دلیل، ما روی آموزش خانواده هم به صورت گروهی و هم به صورت فردی بسیار کار می کنیم. بچه هایی که مسئله دارند، کاملاً زیر نظر هستند. بچه هایی را که هیچ جا ثبت نام نمی شوند، ما در اینجا ثبت نام می کنیم. ما حتی برای یک بچه خاص یک سال یک مربی جداگانه گذاشتیم.

شما می توانید تجربه هایتان را مکتوب کنید و ما نیز سعی می کنیم در مجله به چاپ برسانیم.

بله حتماً این کار را خواهیم کرد. الان بسیاری از بچه ها به اشتباه بیش فعال خوانده می شوند. اتیسم هم همین طور است. ما با تشکیل انجمن و مدرسه اتیسم امکان خوب شدن را از این بچه ها می گیریم. من معتقدم این بچه ها به راحتی و با بازی قابل درمان هستند و بسیاری از آن ها را به همین نحو درمان کرده ام. بسیاری از این بچه ها «در خودماندگی عاطفی» دارند که من اسم آن را «در خودماندگی معرفتی» گذاشتم. ما آگاهی داریم و دانایی. آگاهی بعد معنوی ماست. پدر و مادر امروز نمی توانند نیازهای زیستی کودک را تأمین کنند. نمی توانند به کودک امنیت و دوست داشتن بدهند. روی زیست و احترام فشار می آورند. این بچه ها احساس ناامنی می کنند و خودشان را دوست داشتنی نمی بینند. در دوست داشتن و دوست داشته شدن مشکل دارند. بچه ها آگاهی ندارند و این مانع دانایی آن ها می شود. در نتیجه، نمی توانند درس بخوانند. بعد ما می گوئیم اتیسم دارند؛ در حالی که کافی است از غار تنهایی خود بیرون بیایند و

می دهند و مربوط به کار با کودک است. ما در اینجا از کودکان سه تا شش ساله نگهداری می کنیم. دو گروه فعالیت پیش بینی کرده ایم؛ یک گروه فعالیت موضوعی است. این ها با هم مرتبط اند. در فعالیت های موضوعی سعی می کنیم بچه ها با محیط زیست آشنا شوند. آن ها فرایندها را نمی شناسند و مهارت ندارند. طبیعت به عنوان منشأ و صنعت به عنوان فرآیند به آنان معرفی می شود. ما والدین را هم کم کم درگیر می کنیم. برای سال آینده برنامه مفصل تری داریم. هر گروه یک سرپرست دارد که کل بازی ها را می گوید و هر گروه برای گروه سنی خودش بازی طراحی می کند. والدین نیز همین طور. این حوزه فعالیت های موضوعی است. یک سری بازی های آگاه هم داریم که بازی ادراکی حرکتی است و شامل ساختنی ها می شود؛ بازی های نمادین و بازی های فکری. این دو گروه با هم هستند. به علاوه، ماهی یک بار یک برنامه گردشگری داریم که بچه ها را به همراه خانواده هایشان می بریم؛ مثلاً دیروز باغ وحش بودیم. مادر یاد می گیرد که چگونه با بچه به باغ وحش برود. سعی می کنیم برای بچه ها فضاهای واقعی زندگی را به وجود آوریم و آن ها را از دنیای لوکس و تجملاتی دور کنیم. این یک برنامه سه ساله است که ما دو سال آن را طی کرده ایم. در پیش دبستانی کارهایی مثل دقت و تمرکز و بازی های فکری به برنامه بچه ها اضافه می شود. اینجا ما کتاب نداریم. اگر لازم باشد صفحاتی از یک یا چند کتاب را کپی می گیریم و در اختیار بچه ها می گذاریم. فقط در این حد که وقتی به مدرسه می روند با کاغذ و قلم آشنا شوند. بچه ها در همه گروه ها ساعت کتاب خوانی دارند. یک بخش گفت و گو هم در آخر هر جلسه داریم تا بچه ها بتوانند حرف بزنند و خزانه لغاتشان زیاد شود و بتوانند احساساتشان



هم همین طور. مهارت هایی مثل گفت و گو، مهارت های ادراکی و حرکتی، مهارت های استفاده از ابزار و... مهارت ها پنج مرحله دارد: شکل گیری، بازسازی، شکوفایی، ترکیب و به کارگیری. ما در اینجا به سه مرحله اول معتقدیم. شکوفایی مهارت و فعال سازی آن ها را کار می کنیم. درباره آموزش مربیان، اولاً انتخاب مربی بسیار مهم است. ما مربی با تجربه قبلی استخدام نمی کنیم و خودمان مربیان را آموزش می دهیم. مسئله اصلی این است که به آن ها آموزش می دهیم با توجه به اهداف ما بتوانند با بچه کار کنند. مسئله دوم بحث خانوادگی است. حتماً با خانواده بچه ها ارتباط برقرار می کنیم. سن مربیان هم مهم نیست. برای مربیان دو نوع آموزش داریم: کلاس آموزش بینش و آموزش روش. بینش مبنای نگاه است. روش را یک گروه درس



یک سالگی هیچ محدودیتی نباید باشد. از یک سالگی درک محدودیت به ما وجدان اخلاقی می‌دهد. بچه‌ای که «نه» نشنود، بچه معتدلی نیست و اتفاقاً کاملاً مضطرب است. بچه‌ای هم که بیش از حد نه بشنود، مشکل خواهد داشت. رابطه ما بر پایه مهر و محبت است. برای مهر و محبت تعریف داریم. این اشتباه است که گفته می‌شود پدر و مادر باید

به بچه محبت کنند. محبت از پدر و مادر به کودک فاجعه است. محبت از سر خالی بودن و نیاز است. کوچک به بزرگ محبت دارد. جواب محبت مهر است. مهر لغت فارسی است و عربی آن «رحم» است.

جواب محبت، مهر است و مهر از روی بی‌نیازی و پر بودن است و از بزرگ به کوچک است. محبت شاگردی و عطش است. مهر اشتیاق است. رابطه باید بر پایه مهر و محبت باشد. الان رابطه والدین و فرزندان رابطه بردگی عاطفی است که باید به رابطه بندگی تبدیل شود. رابطه مادر و نوزاد اوج ایمان است. اگر مادر نتواند مهرورزی کند، بچه خود را قربانی می‌کند. بسیاری از بچه‌های ما قربانی ظرف خالی مادرانشان هستند. بچه‌ها باید چارچوبی داشته باشند. اگر این چارچوب کوچک باشد، بچه قوی بار نمی‌آید و اگر بی‌در و پیکر باشد، شکل نمی‌گیرد. تربیت و رشد باید متناسب با هم باشند. ما در هوش متعادل به دنبال این هستیم که بچه‌ها خودکنترلی داشته باشند. من زمانی می‌توانم خودکنترل باشم که از کودکی محدودیت را درک کرده باشم. الآن جوانان ما درکی از محدودیت ندارند.

سال‌هایی که شما با بچه‌ها سروکار دارید البته بسیار تأثیرگذارند. به نظر

بتوانند با جمع ارتباط برقرار کنند. کار خانواده برای ما خیلی مهم است. ما ماهی دو جلسه آموزشی برای والدین داریم و رفتار با کودک را آموزش می‌دهیم. جلسه پرسش و پاسخ داریم. از سال بعد آموزش هفتگی خواهیم داشت. والدین خیلی استقبال می‌کنند. یکی از مسائل مهم مسئله امنیت است. امنیت از ایمان می‌آید. امروز چیزی که خانواده‌های ما را آزار می‌دهد نداشتن ایمان است. زندگی ما از معنا تهی شده است. آنچه باید از دوران کودکی وارد زندگی بچه‌ها شود، معناگرایی است. ادبیات ما پر از معناگرایی است. من کلاس آموزش والدین را معمولاً با غزلی از حافظ آغاز می‌کنم:

دلم جز مهر مهرویان طریقی بر نمی‌گیرد
ز هر در می‌دهم پندش ولیکن در نمی‌گیرد

این شعر کاملاً رابطه مادر و فرزند را می‌گوید. مادرهای ما باید یاد بگیرند برای بچه خدایی کنند. پدر و مادرهای ما خیلی متزلزل‌اند. وقتی تکیه‌گاه من متزلزل باشد، من هم متزلزل خواهم بود. منتها در زیر شش سال والدین از ما قبول نمی‌کنند و این مسئله در ابتدایی خودش را نشان می‌دهد.

مجله پیش‌دبستانی واقعاً مجله خوبی است و من حتماً به والدین توصیه می‌کنم که آن را مطالعه کنند. بسیار مهم است که افراد چه تصویری از خود داشته باشند و این تصور در دوران کودکی شکل می‌گیرد. تلاش ما در اینجا این است که بچه‌ها با تصور مسئول از اینجا بیرون بروند و تصور مقصر یا مظلوم یا قربانی نداشته باشند. وقتی من شرمندهم، یعنی مقصرم و این تصور در ایران زیاد است. من سعی کردم به صورت خلاصه به سؤال‌های شما جواب بدهم.

دکتر مفیدی: مطالب خوبی مطرح شد. در مورد میزان آزادی و قوانین و مقررات در مرکز چه روشی اتخاذ شده است؟

ما اصلاً به آزادی بچه‌ها معتقد نیستیم. معتقدیم بچه‌ها از یک سالگی به بعد باید درک محدودیت را پیدا کنند. تا

می‌رسد برای کودکان و والدین و مربیان برنامه‌های ارزنده‌ای داشته‌اید. من سؤال آخر را مطرح می‌کنم. آیا شما برای شادی بچه‌ها آموزش موسیقی هم دارید؟

موسیقی هنوز نداریم. از موسیقی استفاده می‌کنیم ولی این موسیقی از نظر من کافی نیست. من به دنبال موسیقی صحیح زنده برای بچه‌ها هستم که ساز را ببینند، گوش بچه‌ها سطل زباله نیست. باید موسیقی فاخری را که استاد زده است، بشنوند. من به دنبال موسیقی‌ای هستم که هم شادمانی داشته باشد و هم استاد زده باشد و از آلات موسیقی باشد، که بچه‌ها بتوانند به صورت منظم یک موسیقی صحیح را بشنوند. یکی از غذاهای انسان غذاهای شنیداری است که این مبحث در طب سنتی هم مطرح است. تمام سازهای ایرانی طبع گرم و تمام سازهای صنعتی طبع سردی دارند. من بیشتر به دنبال آن هستم که بچه‌ها صدای گرم را تجربه کنند.

از شما برای حضور در این نشست سپاسگزاری می‌کنم و امیدوارم خوانندگان ما ضمن آشنا شدن با این مرکز از اطلاعات داده شده نیز بهره گرفته باشند.



بازی‌های پویا

فریده عصاره

کارشناس دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

اشاره

بر هیچ مادری پوشیده نیست که بچه‌ها وقتی به مرحله چهار دست و پا رفتن و راه رفتن می‌رسند، حس حقیقت‌جویی و کنجکاوی‌شان بیشتر می‌شود و ولع سیری‌ناپذیری در شناخت همه اشیاء در گوشه کنار محل زندگی خود را دارند؛ در خانه راه می‌افتند به هر سوراخ و سمبه‌ای سرک می‌کشند. هر چیزی را که در دسترسشان قرار می‌گیرد، برمی‌دارند و نگاه می‌کنند، لمس می‌کنند و می‌چشند و می‌کوشند با استفاده از حواس مختلف خود، آن را بشناسند. این کندوکاوهای خودجوش و خودطرح‌ریزی شده آن‌ها برایشان هم جنبه بازی و سرگرمی و لذت دارد هم کشفشان باعث شناخت آن‌ها از محیط اطراف خود می‌شود.

مقاله حاضر یکی از یادداشتهای دفتر خاطراتم با نوهام است؛ خاطره‌ای از بازی‌هایی که در حین گشت و گذار و در جست‌وجوهای روزمره‌اش در آشپزخانه اتفاق افتاده است.

کلیدواژه‌ها: بازی، یک سال و سه ماهگی، حبوبات بازی

بازی با حبوبات در یک سال و سه ماهگی

در آشپزخانه تنها کابینتی که دستگیره‌هایش را با کش بسته بودم تا نتواند آن را باز کند، مربوط به ادویه‌جات، حبوبات و دیگر خواربار بود. معمولاً بعد از اینکه کشو‌ها و کابینت‌های دیگر را بیرون می‌ریخت، به این کابینت اشاره می‌کرد تا در آن را برایش باز کنم. بعد هم قدری با محتویات آن کابینت بازی می‌کرد. بعد از بازی می‌گفتم: «حالا همه چیز رو بذاریم سر جاش!» و با هم یکی یکی آن‌ها را سر جایشان می‌گذاشتیم.



انتخاب درست بازی و اسباب بازی به پویایی و خلاقیت کودکان کمک می کند

و با دستش آن‌ها را لمس کرد. یکی از آن‌ها را هم در دهانش گذاشت. البته لوبیاها را شسته و بعد در قوطی ریخته بودم. پس از اینکه مزه‌اش را چشید، گفتم: «به من بده!» نه تنها حاضر نبود آن را از دهانش بیرون آورد بلکه در این فاصله چند تا لوبیای دیگر هم در دهانش گذاشت. پرسیدم: «خوشمزه است؟» گفت: «هن» (یعنی بله). کمی بعد از چشیدن لوبیاها، دستم را جلوی دهانش بردم و گفتم: «حالا بذار تو دست من.» با غرولند نامفهومش از این کار خودداری کرد. ظرف فلزی را آوردم و گفتم: «لوبیاها را بریز توی این ظرف ببینیم چه صدایی میده.» باز خودداری کرد. چند دانه لوبیا را در ظرف ریختم و گفتم: «میای بازی جرینگ و جرینگ؟» گفت: «اهن.» کنجکاو شد و لوبیاها را از دهانش در ظرف ریخت. در این هنگام، در حالی که دست می‌زد، شعر مهمل زیر را فی‌البداهه برایش خواندم.

لوبیا چی گفت؟
گفت: «جرینگ جرینگ»
منو ببر پیش برینگ
برینگه گفت: «جرینگ جرینگ!»
بیا پیش من و ترینگ
ترینگه گفت: «از دست جرینگ!»

از شنیدن ریتم شعر خوشحال شد و با دست زدن مرا همراهی کرد. ظاهراً از صدای لوبیاهای خودش بیشتر خوشش آمده بود. برای همین، خندید. پرسیدم: «لوبیاها چی گفتند؟» گفتند: «جرینگ و جرینگ؟» از شنیدن تکرار این کلمه شاد شد و خندید. سعی کرد آوای جرینگ را به‌طور ناقصی ادا کند.

دستش را داخل قوطی کرد. مشتی لوبیا درآورد و کف آشپزخانه ریخت. چندتایی هم به کف دستش چسبید که با دست دیگرش آن‌ها را جدا کرد و به زمین ریخت. دوباره مشتی دیگر برداشت و مشت مشت‌های دیگر. تا عاقبت

روز دیگر، طبق معمول بعد از کندوکاو در کابینت‌های دیگر به کابینتی که قبلاً ممنوعه بود، رسید ولی این بار بدون تعجب و بی‌اینکه با نگاه اجازه بگیرد، آن را باز کرد. ابتدا قوطی‌ها و شیشه‌ها را بیرون آورد و تکان داد. یکی از قوطی‌ها را برداشتم. به پویا گفتم: «به صدا خوش گوش کن!» او هم بر صدا تمرکز کرد. با چشمانی گرد شده از تعجب نگاهی به من انداخت و لبخندی زد. به صدای قوطی‌های حاوی سبزی خشک، زیره، جو و گندم و لپه بعد از آن به صدای قوطی‌های حاوی نخود و لوبیا گوش کرد. با بم شدن صداها با تحیر نگاهم کرد و لبخند و خنده‌هایش به قهقهه تبدیل شد. به هر حال، با شنیدن هر صدا و هر تغییر از نظر زیر و بمی و شدت و حدت چشمانش را جمع می‌کرد؛ نگاهی به من می‌انداخت و لبخندی نثارم می‌کرد که روحم را از شادی و ستایش پروردگار که چنین نعمتی به من داده بود، سرشار می‌ساخت. من غرق تماشای او بودم و او غرق در تمرکز بر صداها گوناگونی بود که برایش جالب بودند و با نگاه‌هایش، نوع خنده‌هایش، انبساط و انقباض چهره‌اش، بازخوردش، احساسش و منظورش را به من نشان می‌داد. او از بازی همراه با اکتشاف نهایت لذت را می‌برد.

در مرحله دیگر کارش، قوطی حاوی لوبیاچیتی را درآورد. تقلا می‌کرد در آن را باز کند اما موفق نمی‌شد. بالاخره آن را به من نشان داد و گفت: «اهن. اهن. اهن.» یعنی بازش کن. دستش را گذاشتم بالای قوطی و گفتم: «باز کن. عزیزم.» کمی دیگر با آن ور رفت ولی باز نشد. بالاخره در قوطی را برایش نیمه‌باز کردم و آن را به دستش دادم و گفتم: «باز کن.» با تلاشی اندک موفق به باز کردن در قوطی شد. این بار خنده و نگاهش نشان از احساس پیروزی او داشت. داخل قوطی را نگاه کرد و از سر شعف و خوشحالی نگاهی به من انداخت.

لوبیابازی

دستش را داخل ظرف لوبیا برد. درآورد

آن روز طبق معمول بعد از بیرون ریختن ظرف‌های داخل کابینت‌های دیگر، به آن کابینت ممنوعه رسید. برخلاف انتظارش، کش را به دستگیره‌های آن ندید. نگاهم کرد و «اه» گفت. در «اه» گفتن‌ها و نگاهش سؤالی نهفته بود. نگاهش کردم. ابروانش را در هم کشید و با چهره‌ای پر از تعجب، دوباره همان حرکت قبلی را انجام داد. گویی سؤالش این بود که چه اتفاقی افتاده که امروز این کابینت مانند همیشه بسته نیست. شاید در دل به خود می‌گفت: «مادربزرگ چه‌ش شده؟ کش همیشگی چه شد؟» به او گفتم: «آره باز.» دستش را به سمت در کابینت برد؛ نگاهم کرد. انگار داشت اجازه باز کردن در را از من می‌گرفت. به او گفتم: «باز کن!» دوباره نگاهم کرد. ظاهراً می‌خواست مطمئن شود که واقعاً آزاد است.

چینشی نو

در را باز کرد. ابتدا شروع کرد به بر هم زدن چینش قوطی‌های حبوبات. من هم تا حواسش به قوطی‌ها بود، ظرف‌های ادویه را از دسترسش دور کردم. اول قوطی‌ها را جابه‌جا کرد. قوطی‌هایی را که در ردیف اول کابینت بودند، به ته کابینت منتقل کرد و قوطی‌های سمت راست را به سمت چپ برد. من هم کنارش نشسته بودم و او را تماشا می‌کردم. کارش که تمام شد، نگاهی به من کرد. به‌نظرم رسید منتظر پاسخی از سوی من است. پس، با لبخندی تأییدش کردم و گفتم: «آفرین! خیلی خوب شده.» او هم رضایت از خودش و مرا در قالب نگاه و لبخندی پاسخ داد.

در این هنگام، او مرحله دوم کارش را آغاز کرد. بعضی از قوطی‌های حبوبات را بالای قوطی‌های دیگر گذاشت. با قوطی‌های حبوبات یک مدل دو طبقه ساخت. وقتی کارش تمام شد، نگاه پرسشگری به من انداخت. گویی می‌پرسید: «خوب شده؟» همراه با لبخندی به او گفتم: «عالیه! خیلی خوب شده!» تو چند تا خونه دو طبقه ساختی.» با لبخندی سرشار از مهر و عاطفه، شادی، رضایت و قدردانی‌اش را بیان کرد.

قوطی را وارونه کرد و همه لوبیاها را کف آشپزخانه ریخت. به او گفتم: «لوبیاها رو ریختی؟» نگاهی به لوبیاها و نگاهی به من انداخت. کلمه لوبیا را به طور ناقص تکرار کرد؛ یعنی آوی اول «ل» را حذف کرد و گفت: «ویا.»

کف آشپزخانه از دانه‌های لوبیا پر شده بود. او هم که حالا خیالش آسوده بود که دیگر چیزی در قوطی نیست، شروع کرد به بازی با دانه‌های لوبیایی که روی زمین پخش شده بودند. آن‌ها را چندتا چندتا در مشت خود از روی زمین برمی داشت و نزدیک به صورتش می برد و دوباره روی زمین پرت می کرد. بعد از چند بار برداشتن و ریختن لوبیاها، به قصد بیرون رفتن از جایش بلند شد. چند دانه لوبیا به کف پاهایش چسبیده بود و دردش گرفت. لوبیاها را از کف پایش جدا کردم. دوباره در حال رفتن دانه‌های آن کف پایش چسبیدند. این بار گفتم: «بیا آن‌ها را سر جایش بگذاریم.» او لوبیاها را یک دانه یک دانه در قوطی ریخت. من هم مشت مشت لوبیاها را داخل قوطی می ریختم. چند مشت را از فاصله بیشتری توی قوطی ریختم. از صدا و دیدن حرکت آن‌ها به سمت پایین، غرق شور و شعف شد.

دوباره شعر «جرینگ جرینگ» را برایش خواندم. بالاخره همه لوبیاها در قوطی جمع شدند.

هنوز قوطی لوبیا روی زمین بود که غذای روی اجاق گاز سر رفت. فرصت نکردم در قوطی را ببندم. بلند شدم که شعله را کم کنم؛ در یک چشم به هم زدن کل محتویات قوطی لوبیا را کف آشپزخانه پخش کرد و از شاهکار خودش غرق در خنده شد. من هم با او خندیدم. هر دو با یک ریتم می خندیدیم.

وقتی خیالش از ریخته شدن همه دانه‌های لوبیا روی زمین راحت شد و احساس کرد که رسالتش را به بهترین نحو انجام داده است، آشپزخانه را ترک کرد و به هال و اتاق‌ها هم سر زد.

در این فاصله، من لوبیاها را جمع کردم و شستم و در یک آبکش ریختم تا خشک

شوند.

چند روز بعد به محض آمدن به آشپزخانه، مستقیم به سراغ قوطی لوبیا رفتم. از او پرسیدم: «می‌خواهی لوبیا را برات تو کاسه بذارم؟» گفت: «هن.»

مقداری لوبیا و نخود را در ظرفی ریختم. حدود یک ساعتی با آن‌ها بازی کردیم. ابتدا آن‌ها را در کاسه چرخاندم. سپس لوبیاها را به جلو و عقب بردم. بعد هم به راست و چپ. سپس آن‌ها را با ریتم به بالا و پایین پرت کردم و گفتم: «دوووووووو.....» از این چرخش‌ها و حرکات چندسویه غرق در خنده و سرور شده بود. چند تا از لوبیاها را برداشتم و از چند سانتی متری بالای کاسه در آن پرت کردم. باز گفتم: «دوووو.» او هم یاد گرفت مشت مشت بر دارد و از بالا به داخل کاسه بریزد. با هر مشت که از بالا به پایین می ریخت، واژه «دو» را با ریتم به زبان می آورد و احساس می کرد نوع بازی تغییر کرده است. این برایش خوش‌آهنگ بود و از شنیدن آن غرق شادی می شد.

حالا قرار شده بود که لوبیاها را درون ظرف بریزم. وقتی لوبیاها را یکی یکی از روی زمین برمی داشت و داخل قوطی می گذاشت، به دانه‌های لوبیا و نخودی که در کنار هم بودند، رسید. قدری تأمل کرد. ولی فقط قوطی لوبیا را برداشت و در کاسه گذاشت. در پایان، به لوبیایی که از وسط نصف شده بود، رسید. آن را برداشت و لحظاتی این طرف و آن طرفش را به دقت نگاه و بررسی کرد. بعد با تردید آن را تا نزدیک قوطی آورد ولی داخل قوطی لوبیا نینداخت. بالاخره به این نتیجه رسید که آن لوبیا نیست. در پایان به پویا گفتم: «بیا قوطی‌ها را بذاریم سر جاشون» و با هم قوطی‌ها را دوباره مثل اول در کابینت چیدیم.

بازی با ماش در یک سال و هفت ماهگی

در کاسه بزرگی کمی ماش خیسانده بودم؛ برای اینکه جوانه بزند. کاسه روی کابینت بود. هنوز آب در آن‌ها نفوذ نکرده بود. توجه پویا به آن جلب شد؛ روی نوک

پا ایستاد و دستش را آن قدر بالا برد که به کاسه‌ای که روی کابینت بود، رسید. به من زد و اشاره کرد که او را بغل کنم تا محتوای ظرف را ببیند. بغلش کردم و نشاندمش روی کابینت. دستش را در ظرف پر از آب و ماش کرد. مشت‌ای از ماش‌ها را برداشت و در کاسه ریخت. از صدای «تلپ» آن‌ها در آب و برخوردشان به ته کاسه و نیز از اینکه آب بازی می کرد، خوشش آمد. دو سه بار دیگر این کار را کرد. بعد کاسه را دستش گرفت و به من اشاره کرد که او را پایین ببرم. او را کف آشپزخانه نشاندم و کاسه را هم جلویش گذاشتم. چند بار ماش‌ها را مشت مشت از آب بیرون آورد و در کاسه ریخت. در اینجا مداخله کردم. مشت‌ای ماش برداشتم؛ آن را از فاصله بالا در ظرف ریختم و گفتم: «ماش.» نگاهی کرد و تکرار کرد: «ماس؛» آوایی بین «س» و «ش.» او هم ماش‌ها را از فاصله بالا به کف ظرف سرازیر کرد و از صدای ایجاد شده خوشحال شد. بعد هم به من نگاه کرد و خندید. بعد از چند بار تکرار این کار، مشت‌ای ماش برداشت و به بدنه ظرف ریخت. روی صدای ایجاد شده تمرکز کرد. برایش جالب بود؛ این بار کمی با تعجب نگاهم کرد و گفت: «اه اه.» انگار می‌خواست به من بگوید که صدایش این دفعه با دفعه قبل تفاوت دارد. خنده‌ای کرد و بارها و بارها این کار را انجام داد. با دستش ماش‌ها را لمس می کرد و در کاسه می ریخت و می گفت: «ماس!»

قایق بازی

در حالی که سرگرم آب بازی و دست کاری ماش‌ها بود، یک برگ کاغذ از دفتر یادداشت روی این آشپزخانه کندم و با آن قایقی کاغذی درست کردم. آن را روی آبی که در کاسه ماش بود، گذاشتم. کف آشپزخانه کنار کاسه نشستم و پویا را روی پایم نشاندم. او از نگاه کردن به قایق روی آب فوق العاده خوشحال بود. خودم دستش را در کاسه کردم تا مشت‌ای ماش بردارد. ماش‌ها را در قایق ریختم. قایق، زیبایی تازه‌ای پیدا کرده بود و برای پویا



کسی این را شکسته است؟ تو که اینجا هنوز کسی را نمی‌شناسی!» در واقع، سعید به دنبال فهمیدن اسم آن شخص نبود، بلکه می‌خواست بفهمد اگر بچه‌ای یک اسباب‌بازی را بشکند، چه اتفاقی برایش خواهد افتاد.

باز هم مربی که به خوبی سؤال را فهمیده بود، جوابی مناسب به او داد: «سعیدجان، این وسایل برای بازی کردن هستند. بعضی وقت‌ها هم می‌شکنند. پیش می‌آید دیگر!»

سعید راضی به نظر می‌رسید. مهارتش در مصاحبه، اطلاعات ضروری را برای او جمع‌آوری کرده بود:

«این مربی خیلی خوب به نظر می‌رسد. زود عصبانی نمی‌شود؛ حتی اگر یک نقاشی بد باشد یا یک اسباب‌بازی شکسته شود. پس، لازم نیست نگران باشم. اینجا جای امنی است و من می‌توانم اینجا بمانم.»

سعید با مادرش خداحافظی کرد و پیش مربی رفت تا اولین روزش را در مهدکودک آغاز کند.

سعید پنج‌ساله، در اولین روز خود در مهدکودک، زمانی که مادرش هنوز همراه او بود، به نقاشی روی دیوار نگاه کرد و با صدای بلند پرسید: «کی این نقاشی‌های زشت را کشیده؟»

مادر خجالت کشید و با ناراحتی به پسرش نگاه کرد و گفت: «سعیدجان، خوب نیست که به نقاشی‌های به این زیبایی بگویی زشت.»

اما مربی مهد که معنای سؤال سعید را فهمیده بود، لبخندی زد و گفت: «سعیدجان، اینجا لازم نیست حتماً نقاشی‌های زیبا بکشید. تو هم اگر بخواهی می‌توانی نقاشی‌های معمولی بکشی.»

لبخندی زیبا بر لبان سعید نمایان شد؛ زیرا اکنون جواب سؤال پنهان خود را می‌دانست: «برای پسری که نقاشی خیلی خوبی نکشد چه اتفاقی می‌افتد؟»

بعد، سعید یک موتور شکسته را برداشت و پرسید: «چه کسی این موتور را شکسته است؟»

مادر پاسخ داد: «برای تو چه فرقی می‌کند که چه

جای امن

وحید پورتنقی، شیراز

جذاب‌تر شده بود.

چند ثانیه

بعد، دستش را در

کاسه کرد؛ مشت‌های ماش

در آورد و روی قایق ریخت. چند

تا ماش در قایق افتاد و بقیه در

ظرف. قایق کمی در آب فرو رفت.

با دستش زد روی قایق و آن را داخل

آب کرد. قایق در حالی که چند دانه

ماش رویش بود، در آب شناور شد.

بعد هم در آب شروع کرد به باز شدن.

مشتی ماش روی کاغذ ریختم. کاغذ به ته ظرف

رفت. از دیدن این شکل جدید بی‌نهایت خوشحال شد.

بعد هم او را با کاسه آب و کاغذ خیس شده و ماش‌ها تنه‌ها

گذاشتم و حسابی بازی کرد.

دیگر خیلی خیس شده بود. به او گفتم: «باید لباساتو عوض

کنم؛ خیس‌ه. دست بزنی به لباست ببین خیس‌ه.» او هم گفت:

«هیسه»، یعنی خیس‌ه. کاسه را برداشتم و روی کابینت

گذاشتم. در حالی که او در بغلم بود، صورتش را به طرف کاسه

ماش برمی‌گرداند و با اشاره می‌گفت: «ماس» «ماس».

با هم به سمت لباسش رفتیم تا با تعویض لباس و

نظافتش بازی دیگری را آغاز کنیم.

ایجاد امنیت

در محیط‌های آموزشی کودکان، نه به هر قیمتی

دکتر مرجان گودرزی

پزشک عمومی

اشاره

رعایت ایمنی و برحذر داشتن کودکان از کارها و فعالیت‌های خطرناک و آسیب‌زا و نیز دور کردن آن‌ها از وسایل و محیط‌های ناامن مطمئناً از مهم‌ترین نکته‌ها در ارتباط با کودکان در فضاهای آموزشی، خانه و محیط‌های اجتماعی است. همه سعی بزرگ‌ترها نیز این است که فضایی بدون تنش و ترس و ناکامی برای کودکان ایجاد کنند. هدف این نوشتار کوتاه در حقیقت پاسخ‌گویی به خوانندگان و خانواده‌ها در مورد ایمنی ابزار و وسایل خانگی و شناخت راه‌های تقویت ماهیچه‌های ظریف و کوچک کودکان است.

کلیدواژه‌ها: هماهنگی ماهیچه‌های بدن، ماهیچه‌های ظریف، امنیت در فضای خانگی و محیط آموزشی

رشد و تحول فیزیکی کودکان در سال‌های پیش‌دبستان رخدادی مهم و در عین حال بدیهی است اما متأسفانه بسیاری، به سادگی و گاه با بی‌توجهی از کنار آن می‌گذرند. ناگفته پیداست که کودکان در همه جای دنیا دوران رشد خود را به طریقی سپری می‌کنند و گاه بدون کمک زیاد بزرگ‌ترها، راه بزرگ‌تر شدن را می‌پیمایند؛ زیرا رشد طبیعی انسان در گرو گذر سال‌ها عمر و طی کردن زمان است، اما بسیار پیش می‌آید که با کودکانی برمی‌خوریم که به چهار سالگی می‌رسند ولی هنوز نمی‌توانند بدون افتادن بدون و به نوعی در هماهنگی ماهیچه‌های خود دچار دشواری هستند، یا هنوز نمی‌توانند برس رنگ را به دست بگیرند یا دندان‌های خود را مسواک بزنند و یا حتی به درستی و با حفظ تعادل و توازن بدنی از پله‌ها بالا و پایین بروند. باید دانست که **تفاوت‌های فردی** در بسیاری از این گونه تأخیرها شاخص در خور توجهی است و به همین دلیل، بعضی از کودکان نسبت به دیگران تأخیرهای رشدی دارند، اما مشکلات عصب‌شناختی و یا حتی کمبود فرصت برای تمرین مهارت‌های مختلف نیز می‌تواند نقش عمده‌ای در روند شکل‌دهی به این تأخیرها و شلختگی‌های رفتاری کودکان ایفا کند.

مادری می‌گفت: «از بس شنیده‌ام که مواظب باشید کودک نیفتد، به وسایل دست نزنند، بگذارید بزرگ‌تر شود، بالاخره می‌تواند کارهایش را خودش انجام دهد، و مواظب کودکانان باشید و غیره، به شدت مواظب پسر پنج‌ساله‌ام بوده‌ام و برای همین، او ترسو شده است.» در پاسخ به این مادر جوان باید بگویم که ایجاد امنیت در محیط و نظارت بر کارهای فرزندان لزوماً به معنای ترساندن آن‌ها از خطرات پیش رو نیست. کودک باید تمرین کند و در محیط طبیعی و با هدایت و توجه بزرگ‌ترها، مطابق با قابلیت‌ها و سن خود از عهده بسیاری از کارها برآید. مهم این است که

مهم این است که به کودک فرصت کار و فعالیت بدهید و زمینه را برای انجام دادن کار مستقل یا مشارکتی در محیط خانه یا مراکز پیش‌دبستانی فراهم آورید





به کودک فرصت کار و فعالیت بدهید و زمینه را برای انجام دادن کار مستقل یا مشارکتی در محیط خانه یا در مراکز پیش‌دبستانی فراهم آورید. مطمئناً استفاده درست از وسایل و البته استاندارد برای شروع فعالیت‌ها بر امنیت محیط می‌افزاید.

به هر حال، به‌رغم دلایل و ریشه‌های تفاوت‌های فردی کودکان، افراد مسئول و مربیان در کلاس‌های آموزشی و محیط‌های کار با کودکان می‌توانند با مهیا کردن فعالیت‌های طبیعی و وسایل و تجهیزات استاندارد، به تقویت ماهیچه‌های کوچک و بزرگ کودک کمک کنند؛ زیرا استفاده مناسب از وسایل و مواد و تجهیزات در محیط طبیعی به کودکان فرصت می‌دهد تا ماهیچه‌های خود را به کار بیندازند و تسلط و چیرگی لازم را پیدا کنند و در نهایت، به رشد فیزیکی و مهارت‌های لازم دست یابند. برای مثال، اگر شما از ترس ریختن خمیر دندان مرتب کودک را از مسواک زدن به تنهایی منع کنید، یا برای اینکه خراشی در پای فرزندتان ایجاد نشود مدام او را بغل کنید و یا نگذارید به قیچی، کارد و دیگر وسایل خانه دست بزند، چگونه می‌توانید اطمینان حاصل کنید که از اعتمادبه‌نفس و استقلال لازم برای ارتباط با محیط و ابزار گوناگون برخوردار خواهد شد؟ مطمئناً در شروع بعضی از فعالیت‌ها نظارت و حمایت بیشتری مورد نیاز است اما این نوع حفاظت به معنای انجام کار به جای کودک و یا برداشتن وسایل از جلوی دست او و یا دور کردنش از ابزارهای کار در محیط نیست. در مورد فعالیت‌های مربوط به هماهنگی چشم و دست و مهارت‌های حرکتی ظریف و تقویت ماهیچه‌های کوچک نیز ذکر نکات زیر را لازم می‌دانم.

نخ کردن (دوخت)، پاره کردن، بریدن، چسباندن، نقاشی کردن، رنگ‌آمیزی کردن، ترسیم، نوشتن، تا کردن کاغذ، بازی با خمیر، الگوسازی، دست‌ورزی با وسایل و مواد مختلف، ریختن و پر و خالی کردن، از جمله فعالیت‌هایی هستند که باید به کودکان فرصت دهید تا آن‌ها را در محیطی شاد و به دور از ترس و هشدارهای افراطی تمرین کنند و ماهیچه‌های خود را تقویت نمایند. (ونیتاکول: ۱۳۹۳)

در پایان با اشاره به اینکه کودکان ۶-۴ از عهده انجام دادن بسیاری از فعالیت‌های ماهیچه‌ای کوچک و بزرگ برمی‌آیند، تأکید می‌شود که از دست ندادن زمان برای تمرین و کسب تجربه و نگاه مثبت به کارهای کودکان، سرانجام به آن‌ها یاد می‌دهد که خود مراقبتی داشته باشند و اعتمادبه‌نفس لازم را برای کار با وسایل و مواد محیط پیدا کنند.

به‌رغم دلایل و ریشه‌های تفاوت‌های فردی کودکان، افراد مسئول و مربیان در کلاس‌های آموزشی و محیط‌های کار با کودکان می‌توانند با مهیا کردن فعالیت‌های طبیعی و وسایل و تجهیزات استاندارد به تقویت ماهیچه‌های کوچک و بزرگ کودک کمک کنند

منبع

۱. وینتا کول، ترجمه فرخنده مفیدی، (۱۳۹۳). برنامه آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان. انتشارات سمت.



مقدمه

صدف که آبان ماه پنجمین سالگرد تولدش بود، می‌خواست علاوه بر همکلاسی‌هایش در پیش دبستان، از آنا و السا، شخصیت‌های کارتونی یخ‌زده، نیز برای شرکت در مراسم جشن تولدش دعوت کند. نازیلا، مادر او، تلاش کرد با استفاده از آنچه به تازگی در دوره‌های آموزش سواد رسانه‌ای آموخته است، وی را متقاعد کند که شخصیت‌های کارتونی واقعی نیستند اما بی‌توجهی‌های صدف به تلاش‌های مادر نشان از عدم درک طفل از ماهیت رسانه داشت.

شاید چنین به نظر آید که گناه این امر متوجه مادری است که به‌درستی سواد رسانه‌ای نیاموخته یا توان انتقال آن را نداشته، اما علت این است که بیشتر مطالب و راهبردهای آموزش سواد رسانه‌ای برای دانش‌آموزان دوره متوسطه طراحی شده و به‌ندرت برای مهارت‌آموزی نوآموزان مناسب است؛ بنابراین کمتر برای متربیان دوره‌های پیش دبستانی و دبستانی به کار می‌رود. پس، تلاش نازیلا ممکن است برای

فرزند بزرگ‌ترش آرش - که در دوره متوسطه تحصیل می‌کند - به نحوی حیرت‌انگیز جواب دهد اما این تلاش‌ها به ظرفیت‌هایی نیاز دارند که فراتر از دسترس صدف چهارساله‌اند. از نظرگاه برخی صاحب‌نظران حوزه علوم ارتباطات اجتماعی، سواد رسانه‌ای توانایی تجزیه و تحلیل، دسترسی، و تولید پیام‌های رسانه‌ای است که به‌نظر می‌رسد درک مبتنی بر دانش و مهارت آن از دسترس نوآموزان دوره پیش دبستانی کاملاً خارج باشد. برای مثال، ما به‌طور منطقی انتظار داریم ۱۱ ساله‌ها بتوانند از زاویه‌ای انتقادی به اخبار نگاه کنند. در حالی که بسیاری از مردم به‌هیچ‌وجه نمی‌خواهند فرزندان ۴ و ۵ ساله‌شان اخبار نگاه کنند؛ چه رسد به اینکه آن را تحلیل کنند. بنابراین، اگر پیش دبستانی‌ها نمی‌توانند رسانه‌ها را تحلیل و یا پیام رسانه‌ای تولید کنند و ثواب هم نیست که به چیزهایی دسترسی داشته باشند که می‌دانیم درک نمی‌کنند، معنای سواد رسانه‌ای در بافتار آموزش نوآموزان دوره پیش از دبستان چه معنایی دارد؟

ما انتظار نداریم پیش دبستانی‌ها بتوانند ظرافت کار مولانا در سرایش مثنوی را درک کنند یا مقاله بنویسند اما واقع‌بینانه امیدواریم اگر با موضوع‌هایی ساده‌تر آموزش مهارت‌های زبانی را شروع کنیم، آن‌ها روزی به این مهارت‌ها تسلط یابند. بنابراین، ما کتاب‌های متناسب برای نوآموزان را با صدای بلند برایشان می‌خوانیم. هیچ‌یک از این قبیل آموزش‌ها به‌خودی‌خود یک نوجوان را قادر به تحلیل شعر شاملو یا نوشتن یک غزل نمی‌کند بلکه درکی به آن‌ها می‌دهد تا براساس آن پیام‌هایی پیچیده‌تر در حوزه ادبیات را رمزگذاری و رمزگشایی کنند. حال اگر بخواهیم کودکان با رسانه‌ها - اعم از مکتوب و غیرمکتوب - به یک هم‌زیستی مسالمت‌آمیز برسند چه کنیم؟ آیا الفبایی برای آموزش سواد رسانه‌ای وجود دارد؟

کلیدواژه‌ها: آموزش سواد رسانه‌ای، سبک زندگی، تشخیص راوی، درک داستان، شناخت زبان رسانه

آموزش سواد رسانه‌ای:

کودکان پیش دبستانی

چه می‌توانند بیاموزند؟

ترجمه: سید غلامرضا فلسفی
کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی

سبک زندگی از رسانه‌ها

یک خردسال تفاوت بین یک اسباب‌بازی واقعی و نسخه تلویزیونی آن را نشان داد. ممکن است آن‌ها تفاوت‌ها را درک کنند؛ زیرا آن‌ها تفاوت‌ها را به آن موضوع خاص ربط می‌دهند اما ممکن است آنچه را یاد گرفته‌اند، برای چیز جالبی دیگر که در تلویزیون می‌بینند تعمیم ندهند.

ما می‌توانیم هر بار که آگهی‌های تبلیغاتی پخش می‌شوند با این بازی که «آن‌ها دارند سعی می‌کنند چه بفروشند؟» بچه‌ها را با مفهوم آگهی دادن آشنا کنیم. بازی فقط سرگرمی نیست بلکه به خردسالان کمک می‌کند تفاوت بین انواع مختلف برنامه‌ها را درک کنند. لذا به یاد داشته باشیم که سواد رسانه‌ای متمرکز بر حقوق شهروندانی مخاطب و درنهایت، مستلزم درک انگیزه‌های حامیان زرمदार و زورمدار رسانه‌هاست.

تقابل واقعیت و بازنمایی

موضوعی دیگر که آموزش سواد رسانه‌ای را به سرعت از مسیر خارج می‌کند، سندروم «این واقعی نیست» است. نازیلا چه در آن زمان که سعی می‌کند به آرش توضیح دهد که او نمی‌تواند از قهرمان محبوب بازی‌های ویدئویی‌اش تقلید کند و به بدن خواهر کوچک‌ترش ضربه بزند، (زیرا در زندگی واقعی افراد بر اثر این ضربه‌ها آسیب می‌بینند) و چه وقتی می‌کوشد به صدف توضیح دهد که چرا آنا و السا به جشن تولدش نمی‌آیند، اگر کودک را به درک این موضوع ترغیب کند که آنچه در تلویزیون می‌بیند واقعی نیست، در مقام یک مادر که در پی آموختن سواد رسانه‌ای به فرزندانش است به شکست محکوم می‌شود. البته این‌طور نیست که پیش‌دبستانی‌ها تفاوت بین واقعیت و بازنمایی را درک نکنند بلکه آن‌ها واقعیت را به شیوه‌ای متفاوت از بزرگ‌ترها استنباط می‌کنند. این تعریف دارای دو سطح است: اولی مبتنی بر عینیت است یعنی اگر نواآموزان بتوانند چیزی را ببینند یا لمس کنند، آن چیز واقعی است. بنابراین برای یک کودک پیش‌دبستانی، آنا و السا که بارها در طول هفته در تلویزیون دیده می‌شوند، واقعی هستند اما عمو

جیغ و داد کردن کودک در فروشگاه برای داشتن چیزی که در تلویزیون دیده، امری طبیعی است. در چنین مواقعی ما می‌توانیم با کودکان بزرگ‌تر درباره علت اینکه چرا چنین چیزی را می‌خواهند و چگونگی تأثیرگذاری شرکت‌هایی که کارشان فروختن این چیزها به آن‌هاست، گفت‌وگو کنیم. اما پیش‌دبستانی‌ها قادر به تفکر انتزاعی لازم برای درک انگیزه نیستند. به عبارت دیگر، آن‌ها درک نمی‌کنند افرادی که برنامه‌های تلویزیونی، تارنماها یا فیلم‌های مطلوب آن‌ها را تولید می‌کنند؛ می‌کوشند تا چیزی به آن‌ها بفروشند! همین عدم توانایی درک انگیزه، از دلایلی است که پیش‌دبستانی‌ها تفاوت «تبلیغات» را با سایر برنامه‌ها تشخیص نمی‌دهند.

این مهم همچنین به این معناست که ما باید انتظارات خود را درباره اینکه پیش‌دبستانی‌ها می‌توانند بیاموزند که در برابر پیام‌های تبلیغاتی مقاومت کنند، تعدیل کنیم. برای مثال، خردسالان گرایش دارند هر بار روی یک موضوع خاص تمرکز کنند و همیشه چیزهایی را که بزرگ‌ترها به هم مرتبط می‌دانند، به هم ربط نمی‌دهند. با این وصف، می‌توان به



کاوه‌اش که از کشوری دیگر کارت تبریک تولد می‌فرستد اما به آن‌ها سر نمی‌زند، واقعی نیست.

سطح دوم به وابستگی عاطفی ربط دارد؛ یعنی اگر تجارب یک شخصیت (پرسوناژ) برای کودک واقعی به‌نظر رسد و کودک به‌لحاظ عاطفی با آن شخصیت ارتباط برقرار کند، آن را واقعی می‌بیند. بنابراین، به‌جای تلاش برای متقاعد کردن کودک در این خصوص که به‌طور مثال پاتریک نمی‌تواند به‌واقع حرف بزند یا باب اسفنجی روی صفحه تلویزیون است و نمی‌تواند از آنجا بیرون بیاید و با او بازی کند، بهتر است با وی درباره این موضوع بحث کنید که «کدامیک از تجربه‌ها یا احساسات آن شخصیت رسانه‌ای به نظر او واقعی است». همچنین، به‌جای تلاش برای متقاعد کردن کودکی که رفتاری نامطلوب انجام می‌دهد و رسانه‌ها نیز پیامدهای آن رفتار را نادیده گرفته‌اند، سعی کنید فقط «مرزبندی» ایجاد نمایید. درست همان‌طور که نوآموزان یاد می‌گیرند کارهایی هست که فقط در خانه می‌توانند انجام دهند نه در پیش دبستانی و

یا در خانه مادر بزرگ، می‌توانند درک کنند که بعضی از رفتارها فقط مخصوص نمایش و بیانی دیگر دیده شدن از طریق تلویزیون یا رایانه هستند.

با این اوصاف، اگر آگهی‌های تبلیغاتی یا «واقعیت در برابر بازنمایی» هیچ‌کدام نقطه آغازی مناسب برای برنامه درسی آموزش سواد رسانه‌ای خردسالان نیستند پس چه چیز نقطه آغازی مناسب محسوب می‌شود؟ در ادامه، سه گام پیشنهاد می‌شود که می‌توان با آن‌ها آموزش این سواد مدرن را برای نوآموزان دوره پیش از دبستان شروع کرد:

● مشخص کردن قصه‌گو

برای اینکه بتوانید پیام‌های رسانه‌ها را تحلیل کنید، دانستن دیدگاه و انگیزه سازندگان رسانه امری ضروری است اما پیش دبستانی‌ها به‌لحاظ رشد ذهنی قادر به تسلط بر چنین دانشی نیستند. به هر حال، آنچه آن‌ها می‌توانند انجام دهند پاسخ دادن به این پرسش است: «چه کسی این قصه را می‌گوید؟»

پاسخ این پرسش با توجه به رشد ذهنی و سطح ادراک کودکان فرق می‌کند. در ابتدایی‌ترین سطح، نوآموز دوره پیش دبستانی شخصیتی را که می‌تواند ببیند یا کسی را که دارای نقش محوری است تشخیص می‌دهد. در یک برنامه تلویزیونی، کودکان دوره پیش دبستانی دوست دارند شخصیت اصلی داستان را قصه‌گو بنامند. کودک دوره ابتدایی ممکن است متوجه شود که این برنامه یک راوی هم‌رو پرده دارد که صدای شخصیت‌های داستان از آن اوست. یک کودک ۷ ساله می‌تواند درک کند که راوی، قصه‌گوست. وقتی بچه ۸ ساله می‌شود، می‌تواند چیزهایی را که نمی‌بیند درک کند. او با این توانایی می‌تواند بفهمد که یک برنامه تلویزیونی، نویسنده دارد و آن نویسنده، قصه‌گوست. وقتی کودکان به دوره اول متوسطه می‌رسند، می‌توانند درک کنند که هزینه‌های آنچه نویسندگان می‌نویسند، توسط شخص یا اشخاصی حقیقی یا حقوقی، تأمین می‌شود. بنابراین، آن‌ها باید نام تولیدکنندگان و حامیان مالی را مانند قصه‌گوها بدانند. این مراحل را می‌توان به‌طور تقریبی برای هر رسانه‌ای در نظر گرفت. وقتی یک مربی پیش دبستانی کتابی را با صدای بلند برای نوآموزان می‌خواند، کودکان مربی خود را قصه‌گو می‌دانند؛ زیرا مربی موجودی نزدیک و عینی است. وقتی کودک کمی بزرگ‌تر می‌شود ممکن است یکی از شخصیت‌های کتاب را تشخیص دهد. دانش‌آموزان دوره ابتدایی ممکن است نگاهی به جلد کتاب بیندازند تا نام نویسنده و طراح تصاویر را ببینند. تا جایی که برخی دانش‌آموزان ناشر را نیز به فهرست راویان اضافه می‌کنند.

به‌طور مجدد تأکید می‌شود که همه این‌ها مواردی عینی هستند. در آموزش سواد رسانه‌ای به پیش دبستانی‌ها هدف این نیست که آن‌ها به اجبار به‌سوی پیچیده‌ترین سطوح ادراک رانده شوند. وقتی توانایی‌های شناختی آن‌ها به‌خاطر اینکه به سؤال کردن ادامه می‌دهند، رشد می‌کند؛ این سطح درک به‌طور طبیعی حاصل می‌شود. بنابراین آموزش سواد رسانه‌ای برای پیش دبستانی با ترغیب آن‌ها به اینکه عادت کنند این سؤال را بپرسند شروع می‌شود: «چه کسی قصه‌گو است؟»

● درک داستان

یکی از اولیه‌ترین راه‌های تحلیل یا تأمل درباره داستان این است که درباره آن «حرف بزنیم». پیش دبستانی‌ها هم‌مانند افراد بزرگ‌سال، از آنچه می‌بینند، می‌خوانند و می‌شنوند برداشتی دارند؛ بنابراین، اینکه از آن‌ها بخواهید یک داستان را دوباره تعریف کنند، یکی از راه‌های بررسی درک مطلب از سوی آن‌هاست. آنچه آن‌ها بر آن تمرکز می‌کنند، به ما چیزهایی زیاد درباره شخصیت‌شان و آنچه در ذهن دارند، می‌دهد. بازگویی قصه، کودکان را در نقش قصه‌گو قرار می‌دهد و بنابراین، آن‌ها طعم ساختن و نه فقط مصرف کردن پیام‌های رسانه‌ها را می‌چشند.

وقتی از کودکان درباره آنچه می‌بینند سؤال می‌کنیم و به پاسخ‌های آن‌ها گوش



می‌دهیم، هدف این نیست که آنان را امتحان کنیم؛ بلکه بدین شیوه عادت فکر کردن و حرف زدن درباره رسانه‌ها را در آن‌ها تقویت می‌کنیم. وقتی از پیش‌دبستانی‌ها می‌خواهیم داستان‌های رسانه‌ها را بازتعریف کنند، در وهله اول بررسی دقت آن‌ها (یا دقیق‌تر اینکه، آنچه از منظر ما دقت نام دارد) مدنظر نیست بلکه هدف این است که برای کودکان فرصت تمرین حرف زدن را درباره آنچه می‌بینند و می‌شنوند فراهم کنیم.

• شناخت زبان رسانه

نویسندگان برای انتقال پیام از واژه‌ها و فیلم‌سازان از دوربین و برداشت‌های آن استفاده می‌کنند. زوم، کلوزآپ و فید (بزرگ‌نمایی، نمای نزدیک، کم‌رنگ کردن) القای رسانه‌های تصویربنیان هستند. درست مانند خوانندگان مطالب چاپی که حروف و واژه‌ها را تشخیص می‌دهند، بینندگان نوپای تصاویر نیز می‌توانند حرکت‌های دوربین و برداشت‌های آن را تشخیص دهند. وقتی باری صفحه تلویزیون را پر می‌کند و ما آن را نمای نزدیک می‌نامیم و وقتی می‌توانیم کل یک قلعه را با یک برداشت عریض ببینیم، حتی کودکان پیش‌دبستانی هم می‌توانند یاد بگیرند. آن‌ها می‌توانند شروع به درک چشم‌انداز کنند. اگر پیش‌دبستانی‌ها مرد عنکبوتی را پروازکنان در آسمان ببینند و برداشت بعدی از خانه‌های روی زمین باشد، درک می‌کنند که برداشت دوم از زاویه نگاه مرد عنکبوتی است. این می‌تواند در نهایت به آن‌ها

کمک کند بهتر تشخیص دهند که چه کسی داستان را روایت می‌کند.

اگرچه نمی‌خواهیم همه جلسه‌های تماشای تلویزیون را به جلسات آموزشی رسمی تبدیل کنیم، گاه نام‌گذاری روی برداشت‌ها می‌تواند به پیش‌دبستانی‌ها کمک کند فرهنگ واژگانی بسازند که بتوانند از آن برای صحبت کردن درباره فیلم استفاده کنند. این امر همچنین

در درک این نکته به آن‌ها کمک می‌کند که یک نفر درباره استفاده از برداشت‌ها تصمیم می‌گیرد و این حس را به آنان انتقال می‌دهد که «تصاویری که می‌بینند، ساخته شده‌اند». علاوه بر نام‌گذاری برداشت‌ها، می‌توانیم به پیش‌دبستانی‌ها کمک کنیم تا چیزها را در بستری که مجموعه را می‌سازد، ببینند و از ماهیت ساخته شده آنچه می‌بینند، آگاهی یابند. به آن‌ها مدارنگی و کاغذ بدهید تا بتوانند نمایش مورد علاقه یا چیزی آشنا، مثلاً مکانی را که در آن می‌خوانند، ترسیم کنند. بزرگسالان می‌توانند کودکان را به گنجاندن جزئیاتی ترغیب کنند که بیننده با مشاهده آن‌ها بفهمد به‌طور مثال تصویری که کشیده‌اند، تصویر اتاق خواب آن‌هاست نه اتاق خواب یک نفر دیگر و به این ترتیب، سواد رسانه‌ای کودکان را ارتقا دهند.

البته می‌دانیم که زبان رسانه‌هایی مانند تلویزیون فقط تصاویر را در بر ندارد بلکه صدا را هم دربرمی‌گیرد. چیزی که پیش‌دبستانی‌ها آن را درک می‌کنند ممکن است آسان‌ترین بخش از زبان رسانه‌ها محسوب شود. پرسیدن اینکه آن‌ها نسبت به موسیقی چه احساسی دارند یا دعوت بینندگان به ورزش کردن با آن موسیقی، یا انجام دادن بازی‌های صوتی مانند گوش دادن به جلوه‌های ویژه (فکت) صوتی، گوش دادن به صداها با چشمان بسته و حدس زدن اینکه این صدا از چیست، تقلید صداها و غیره می‌تواند به آن‌ها کمک کند بیاموزند که روایان رسانه‌ها از صدا برای داستان گفتن استفاده می‌کنند و صداهایی که قصه‌گوها انتخاب می‌کنند، بر احساس آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

عده‌ای تصور می‌کنند که پیشنهاد گنجاندن آموزش سواد رسانه‌ای در دوره پیش‌دبستانی بی‌مورد است؛ زیرا بر این باورند که خردسالان نباید تلویزیون تماشا کنند

یا نباید از رایانه، تلفن همراه و بازی‌های ویدئویی (رایانه‌ای) استفاده کنند. اگرچه این باور از نگرانی واقعی نسبت به سلامت سبک زندگی کودکان ناشی می‌شود اما بیشتر آرزو است تا واقعیت. عاقلانه نیست که به جای آشنا کردن کودکان در دوره پیش‌دبستانی با دانش و مهارت‌های سواد رسانه‌ای، صبر کنیم تا رشد کنند و به درک پیام‌های رسانه‌ای نایل شوند. برعکس، اگر آموزش سواد رسانه‌ای را برای زندگی در «عصر ارتباط» حیاتی بدانیم، باید در حد امکان برای شروع آموزش این سواد مدرن به کودکانمان سریع‌تر تدبیر کنیم و همچنان به تربیت شهروندانی مسئول و عدالتخواه امیدوارانه بنگریم.

پی‌نوشت

۱. این مطلب ترجمه آزاد مقاله‌ای با عنوان ABC's of Media Literacy: What Can Pre-Schoolers Learn?

نوشته دکتر فیتروگو مؤسس و رئیس سازمان اتحاد ملی برای سواد رسانه‌ای آمریکا همچنین صاحب‌نظر در حوزه رسانه‌های آموزشی کودکان است. این مقاله نخستین بار در سال ۲۰۰۲ در مجله «نله‌مدیوم» که مجله‌ای تخصصی در حوزه سواد رسانه‌ای است، منتشر شد.

هدف از اینکه از نوآموزان بخواهیم داستان‌های رسانه‌ها را بازتعریف کنند این است که فرصت تمرین حرف زدن درباره آنچه را می‌بینند و می‌شنوند برایشان فراهم کنیم



دستگیرم نمی‌شد.

حسابی سرگرم نوشتن بودم که ناگهان صدای دلنشین کودکی به گوشم خورد؛ صدایی که آشنا به نظر می‌رسید. با عجله سرم را روی کاغذ برداشتم و به اطراف نگاهی کردم؛ من که در اتاق را قفل کرده بودم و از بچه‌های خانه هم خبری نبود. فکر می‌کردم از فرط خستگی این احساس به من دست داده است. پس دوباره به کارم پرداختم اما این بار خنده همان کودک را با چنان صدای بلندی شنیدم که از جا پریدم! صدا خیلی نزدیک بود. اطراف میز و صندلی و حتی داخل کمد اتاقم را گشتم. فکر می‌کردم که اگر یک دوربین مخفی توی اتاقم بود و فیلم می‌گرفت، از دیدن واکنش‌هایم قطعاً از خنده روده‌بر می‌شد؛ آخر من برای پیدا کردن منبع صدا حتی لابه‌لای کتاب‌های روی میزم را هم گشته بودم!

پاک گیج و سراسیمه بودم که دوباره صدای همان کودک با این جمله مرا از جا پراند: لابه‌لای وسایل اتاق نمی‌تونی منو پیدا کنی! نفس در سینه‌ام حبس شده و قلبم به شماره افتاده بود. چند لحظه مکث کردم تا حقیقت را بهتر درک کنم. دستم به طرف قلبم نشانه رفت و این بار منبع صدا را پیدا کردم. دقیقاً وسط قلبم! باورم نمی‌شد! در کتاب‌های روان‌شناسی با چیزی درباره «کودک درون» آن هم به عنوان یک نماد و نام‌گذاری برای یک پدیده نوپای روان‌شناسی آشنا شده بودم اما می‌دانستم که آن یک حقیقت قابل لمس و درک نیست. گفت‌وگوی درونی‌ام با این جمله کودک قطع شد: توی این همه شلوغی اتاق به دنبال دنیای آروم و خلوت من می‌گردی؟ این کار مثل پیدا کردن یک جای خواب در شلوغ‌ترین پیاده‌روهای شهره! چند لحظه ساکت ماندم؛ انگار درون ذهنم هیچ چیز نبود؛ خالی خالی ولی از این سکوت حس آرامشی به من دست داده بود.

- اگر بخوای، می‌تونم بهت کمک کنم.

درباره چی حرف می‌زنی؟

- همون مقاله‌ای که کل بعد از ظهر تو رو به خودش مشغول کرده.

مریم پورسلطانی، کارشناس آموزش و پرورش کودکان استثنایی
مهدی اسماعیلی، کارشناس حقوق

کودک من



غروب بود.

تازه از سرکار

برگشته بودم. برخلاف

هر روز که تا می‌رسیدم

خانه، یک لیوان چای داغ را

با چند تا توت خشک و شکلات

تلخ می‌خوردم، با عجله به اتاقم

رفتم و در را بستم؛ چون باید تا صبح

مقاله‌ای درباره کودکان و ارتباطشان با

اولیا و مربیان و نحوه تربیت و آموزش آن‌ها

می‌نوشتم، مدیریت زمان برایم کار سختی

بود. مثل همیشه کارم رو به این صورت شروع

کردم که روی یک کاغذ A4 موضوع مورد نظر

را نوشتم. بعد منابع مرتبط را روی میز کارم

جمع‌آوری کردم. ابتدا باید به سراغ اطلاعات

داخل مغزم می‌رفتم و هر جا که کم می‌آوردم، به

انواع و اقسام کتاب‌ها و سایت‌ها مقاله‌های قبلی

درباره موضوع مربوط پناه می‌بردم و خلاصه،

حاصل این تلاش تکراری، می‌شد نوشته‌ای پر از

کلمات و جملات تخصصی مربوط به موضوع و

گاهی مختصان و اسامی تعدادی دانشمند و

کارشناس و روان‌شناس معروف که در علمی

نشان دادن مقاله تأثیر زیادی داشت. جالب

اینجاست که نتیجه کارم بیشتر شبیه آش

شله قلمکاری می‌شد که به جای حیوانات،

پر بود از افکار و اعتقادات چندین و

چند نفر دانشمند و روان‌شناس

که اگر خواننده ده بار هم آن را

مطالعه می‌کرد، نمی‌توانست

راهکاری برای خودش

پیدا کند. راستش را

بخواهید، خودم هم

بعضی وقت‌ها از

نوشته‌هایم

چیزی

به نظرت می‌تونسی؟
می‌دونسی چند تا پژوهشگر و
روانشناس و... در این باره مطالعه و پژوهش
می‌کنند و با هم به بحث می‌پردازن و آخرش هم...
با دودلی همراه با حبابی خاصی از او پرسیدم:
پس می‌تونی به من کمک کنی؟
خنده‌ای کرد و گفت:

نه فقط درباره مسائل کودکان و نحوه ارتباط با اون‌ها بلکه درباره تمام مسائلی که
تو در برابرشون احساس درماندگی و ناتوانی می‌کنی و هیچ راهکاری براشون نداری،
می‌تونم به تو کمک کنم. خوب حالا خوب گوش کن. اول از همه برای ارتباط با بچه‌ها
و برنامه‌ریزی برای اون‌ها باید بدونی که دنیای اون‌ها از ۱۳ اصل ساخته شده که بدون
رعایت این اصول نمی‌تونی وارد دنیای کودکانه‌شون بشی.
با تعجب پرسیدم:

چرا ۱۳ تا؟

با خنده‌ای آمیخته با شیطننت کودکانه جواب داد: حالا چرا ۱۳ تا نباشه؟ فقط
به‌خاطر اینکه شما بزرگ‌ترها عدد ۱۳ رو نحس می‌دونید؟ شما بزرگ‌ترها راه دیگه‌ای
برای شناخت دنیا ندارید به‌جز فهم اون از طریق تناقض‌ها؟ شما به چیز رو خوب
می‌دونید تا بتونید چیزای دیگه رو بد جلوه بدید و از این طریق، درک دقیق‌تری از
دنیا داشته باشید. همین‌طور زشت رو در مقابل زیبا، کوچک رو در مقابل بزرگ و حالا
سعد رو در برابر نحس. این روش جهان‌بینی جایگاهی در زندگی کودکانه نداره، شما
حتی به اعداد هم رحم نمی‌کنید و مثل همه چیزای زندگی تون اونارو هم خوب و بد
می‌کنید. ما بچه‌ها عدد ۱۳ رو همون قدر نحس یا مقدس می‌دونیم که عدد یک یا ۹
یا ۸۰ یا ۱۴۳. می‌خوای برات عدد‌ها رو بشمارم... ۱-۲-۳-۷-۱۰...
خنده‌ام گرفت. پیش خودم فکر کردم که حرف‌هایش درباره شمارش اعداد بی‌معنی
است. انگار فکرم را خوانده باشد گفت:

اصلا هم این طور نیست؛ شما حتی نمی‌تونید دو تا دلیل برای این
نام‌گذاری‌ها تون بیارید بزرگ‌ترها به یه طاعون ذهنی عمومی
مبتلا هستید که باید همه چیز رو با هم مقایسه کنید
تا بتونید در اطرافتون اونا را از هم تشخیص بدید
و پیدا کنید.

دو تا از اون اصل‌ها از همین نکته
گرفته شده:

اصل اول: هیچ کس و هیچ
چیز غیرمقدسی، در دنیای
بچه‌ها وجود نداره و همه
چیز و همه کس از دید
آن‌ها سرشار از پاکی و
قداسته.

اصل دوم: هیچ
چیز در دنیای
کودکان از چیز
دیگه مهم‌تر
نیست؛ چون همه
چیزها اهمیت
ویژه خودشون رو
دارن. با این توصیف،

خود به خود
چیز مهمی در دنیا
وجود نداره؛ مثلاً دلیل
ساخته شدن کهکشان‌ها
همون‌قدر اهمیت داره که
نحوه خارج شدن یک پروانه از
پایله‌اش یا سخت باز شدن بند کفش
ما بچه‌ها.

اصل سوم: سادگی زندگی، طبیعت
زندگی براساس سادگی ساخته شده. جایگاه
پیچیدگی در ذهن شما آدم بزرگ‌هاست؛
مخصوصاً موقعی که فکر می‌کنید دنیا پر از
کارها و مسائل مهم و ناتمامه که مسئولیت حل
تمام اون‌ها را هر کدوم شما به تنهایی باید به
دوش بکشید.

با نگاهی مغرورانه گفتم:
شاید این به خاطر ناتوانی شما بچه‌ها در
فهمیدن کار ما بزرگ‌ترهاست. شما با توجه به
سن و سالتون از پس خیلی کارها برنمی‌آیید.
با نگاهی عجیب که گویا ترسناک‌ترین موجود
دنیا را برانداز می‌کند، چند دفعه از سرتا پا به
من نگاه کرد و گفت:

این طرز فکر شما بزرگ‌ترها ریشه در حس
مهم‌پنداشتن خودتون داره. شما به مرور زمان
یاد می‌گیرید که آدم‌های مهمی هستید و باید
جدی باشید.

گفتم: خوب اگه ما جدی نباشیم که هیچ
کاری انجام نمی‌شه. اگه این دنیا رو
شوخی بگیریم، مطمئناً ضربه بزرگی
می‌خوریم.

گفت: تصور شما اینه که شوخ
طبعی بزرگ‌ترین خطریه
که می‌تونه شما رو
از رسالت انجام
کارهای



می‌دونیم که نه دنیا به کارخانه است و نه
ما کارگرای این خانه، که صبح تا شب توی اون در حال
تلاش و کوشش بی‌جا باشیم. ما بچه‌ها این دنیا رو زمین‌بازی و خودمون
رو در حال بازی در اون می‌دونیم. به خاطر همین از فراغ بال و آرامش درونی
برخورداریم.

غم عجیبی وجودم را گرفته بود. به یاد دورانی افتادم که بدون هیچ دغدغه‌ای با
هم‌سن و سال‌های خودم با شادی و نشاط به بازی و تفریح مشغول بودم؛ حس لطیفی
که سال‌های سال بود از یادم رفته بود. غرق بازسازی این صحنه‌ها بودم که با صدای
اندوهگینی که قلبم را می‌فشرد، به خودم آمدم. ولی چه فایده... بزرگ‌ترها به زودی
نوع زندگی‌تون را به ما دیکته می‌کنید. عجیب اینجاست که هیچ کدومتون هم از
جایگاهی که در دوران قرار دارید راضی نیستید ولی نمی‌دونم چرا عزم خود را جزم
کردید که سخت و خشن دیدن دنیا را به جای سادگی دنیا به ما القا کنید.

راستی می‌دونید چی می‌شه که شما کم‌کم قابلیت‌های خودتون را از دست می‌دهید؟
با سردرگمی گفتم: نه... چرا؟

به خاطر اینکه شما با نوع نگاهتون به زندگی، انعطاف‌پذیری خودتونو می‌دید.
گفتم: انعطاف‌پذیری در چه زمینه‌ای؟

گفت: انعطاف‌پذیری به چیز کلیه، که شامل ذهن و احساس و روان و جسم افراد
می‌شه ولی همیشه این نرمش نداشتن از ذهن شروع می‌شه از بطن مهم‌ترین دشمن
انسان.

گفتم: چرا مهم‌ترین دشمن انسان؛ اگر ما ذهن نداشتیم
نمی‌تونستیم درست فکر کنیم، یاد بگیریم، اختراع
کنیم، کشف کنیم و هزار تا چیز دیگه.

گفت: چند نفر از شما درست فکر می‌کنید؟
اختراع می‌کنید و هزار کار دیگه؟ ۹۰
درصد شما بزرگ‌ترها جز افکار منفی و
ناتوانی، چیز دیگه‌ای هم در ذهنتون
می‌پرورانید؟

وقتی شروع کنید به این نوع نگاه
کردن به جهان، ذهن شما حالت یخ
زده پیدا می‌کنه و اون‌قدر این رفتار
در شما تکرار می‌شه که علائم اون
رو می‌شه در روان و احساس شما به
مرور زمان در جسمتون دید. در حال
نگاه کردن به خود از درون آینه کوچک
کنار اتاقم بودم که گفت: درست متوجه شدی
منظور همون چیزیه که الان در حال دیدنشی.

بیماری و پیری... هر دو این‌ها علائمی هستند که به ما

نشون می‌دن که در چه مسیری از زندگی‌مون قرار داریم و چی توی
ذهنمون پرورش می‌دهیم، این علائم چیزی نیست جز دور افتادن انسان‌ها از حقیقت.
ولی ما بچه‌ها، در «حقیقت» غوطه می‌خوریم. همیشه برای روبه‌رو شدن با چیزهای
جدید آماده‌ایم و معنی شکست‌رو نمی‌فهمیم. به‌خاطر همین، همیشه آماده اقدام
هستیم و این موضوع عاملی است که ما رو تازه و سرحال نگه می‌داره و ذهن ما مثل
آب روانه؛ بهتر بگم مثل هواست و داخل هر قالب جدیدی قرار می‌گیره ولی
شما برای کوچک‌ترین تغییری شاید به ماه‌ها یا سال‌ها وقت نیاز دارید.
ما این اصل رو به‌عنوان اصل چهارم در نظر می‌گیریم و اسم اون
رو گذاشته‌ایم.

بزرگ‌تون

دور کنه.

با بی‌حوصلگی

توی حرفش پریدم و

گفتم: دقیقاً همین طوره.

با نگاهی آرام که از یک متانت

دلپذیری سرشار بود، ادامه داد:

ولی همیشه بعد از به مدت متوجه

می‌شید که از پس کارهای پیش پا افتاده

زندگی‌تون هم بر نمی‌آیید. اون‌وقته که

می‌فهمید حسایی خودتون رو تو محصه

انداختید و به دنبال به ناجی می‌گردید که

آزادی و سادگی دوران کودکی‌تون رو بهتون

پس بده ولی ما

بچه‌ها



نظم‌پذیری در کودکان

ترجمه دکتر نیره شاه محمدی

عضو هیئت علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

می‌تواند به درک صحیح‌تری از دیدگاه‌های کودکان نایل شود. دلیل مقرراتی که وضع شده است را به طور دقیق برای کودکان توضیح دهید. اگر بچه‌ها دلیل این مقررات را بدانند بهتر وظایف خود را انجام می‌دهند و به قوانین پایبند می‌مانند. این روش همچنین به آن‌ها می‌آموزد که برای انجام هر کار باید دلیلی منطقی داشته باشند. با آن کار در واقع برای کودک شخصیت قائل شده و به او احترام گذاشته‌اید. این نکته را نیز مد نظر داشته باشید که گوش فرا دادن به نظرات کودکان، الزاماً به معنای ایجاد تغییر در قوانین نیست بلکه در این گفت‌وگوها شما هم بهتر می‌توانید

اشاره

آموزش نظم به کودکان بسیار مهم و اساسی است؛ زیرا به آن‌ها می‌آموزد رفتارهای خود را کنترل کنند. نظم در واقع، تعیین محدوده‌ها و اصلاح رفتارهای نادرست است. همچنین به کودکان می‌آموزد که چگونه در مورد خود احساس بهتری داشته باشند. نظم مقوله‌ای است که باید در طول زندگی به کودکان آموزش داده شود؛ زیرا کودکان با نظم متولد نمی‌شوند و آموزش تدریجی آن جزء وظایف والدین در خانه و مربیان در مراکز پیش‌دبستانی است. آموزش نظم به کودکان بسیار زمان‌بر است و به تکرار و تمرین مداوم و مستمر نیاز دارد اما هر چه آموزش پیش برود، کار آسان‌تر می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نظم و تربیت کودکان، وظایف والدین، تربیت

● برای کلاس خود قانون وضع کنید

به‌عنوان یک مربی، کودک را از همان خردسالی با نظم و ترتیب آشنا کنید. در برخورد با کودک به شکلی رفتار کنید که متوجه شود قوانینی در کلاس وجود دارد. البته این موضوع به معنی آن نیست که قوانینی خشن و خشک را در کلاس خود به کار گیرید. منظور از وجود قوانین این است که کارها طبق قاعده انجام شوند. از چند قانون محدود شروع کنید؛ زیرا اگر تعداد قوانین زیاد باشد به خاطر سپردن آن‌ها برای کودک دشوار می‌شود. در هر شرایطی اجازه صحبت کردن و اظهار نظر به کودکان بدهید؛ زیرا آن‌ها باید در تعیین و وضع قوانین نقش داشته باشند. ضمن اینکه باید بتوانند در مورد تفکرات و احساسات خویش به‌راحتی با شما صحبت کنند. کودکان از قوانینی که خود در وضع آن‌ها نقش داشته‌اند بهتر پیروی می‌کنند و از طرفی، مربی هم





احساس خوب است. با تکرار این نوع رفتار همراه با آرامش و تلقین کردن، کودک به تدریج می‌آموزد که بدون اینکه شما چیزی بگویید، خودش همه وسایل اضافه را جمع کند.

● زمان مرتب کردن، کلاس را شاد و مفرح کنید

روند تمیز کردن را به یک سرگرمی مفرح برای کودک تبدیل کنید. برای مثال، هنگام مرتب کردن کلاس آواز بخوانید یا کارهای خود را در قالب شعر و آواز بیان کنید. این مسئله باعث تحریک کودکان به مشارکت در این کار می‌شود. می‌توانید جمع کردن اسباب بازی‌ها از روی زمین را به یک بازی سرگرم‌کننده تبدیل کنید. برای مثال، بگویید هر چیزی را که سر جای خودش نیست، باید به سرعت به خانه‌اش برسانیم. برای کودکان بزرگ‌تر، می‌توانید از بازی «چه کسی می‌تواند وسایل خودش را زودتر سر جایش بگذارد» استفاده کنید. از اینکه همه کارها را خودتان با سختی و به تنهایی انجام دهید و هم‌زمان غر هم بزنید، پرهیز کنید. اگر شما معترض بودید یا کودکان شروع به اعتراض و شکایت کردند، به سرعت آن کار را به یک بازی یا سرگرمی تغییر دهید.

● پیش از انجام دادن کارهای جدید، کلاس را تمیز کنید

این عادت را در مهدکودک به وجود آورید که پیش از انجام هر نوع بازی جدید باید وسایل بازی قبلی را جمع کرد. شاید کودکان ابتدا در برابر این قانون جدید واکنش منفی نشان دهند اما پس از مدتی متوجه می‌شوند که اگر همکاری کنند، سریع‌تر می‌توانند بازی کنند. برای رسیدن به این هدف، باید به کودکان گوشزد کنید تا زمانی که همه وسایل سر جای خود قرار نگیرند، از بازی و فعالیت جدید خبری نیست. این کار به مرور به یک عادت تبدیل می‌شود و کودکان به‌طور خودکار وسایل را پس از هر بازی جمع می‌کنند. به خاطر داشته

«بایدها» و «نبایدها» یتان را برای کودکان تشریح کنید. محدودیت‌ها را به صورت کامل و روشن بیان کنید. منظور آن را به روشنی بگویید و راهنمایی‌های لازم را ارائه دهید. بچه‌ها باید دقیقاً بدانند که از آن‌ها چه انتظاری دارید و چه باید بکنند. از گفتن عبارات گنگ و نامشخص خودداری کنید.

● وظایف و مسئولیت‌های هریک از کودکان را تعیین کنید

برای کارهای کلاس خود برنامه مشخص داشته باشید. کارها را به شکل اتفاقی انجام ندهید بلکه سعی کنید وظایف روزانه و مسئولیت‌های هر کودک را مشخص کرده و آن‌ها را یادداشت کنید. هنگام تهیه این یادداشت‌ها از نظر کودکان هم استفاده کنید ولی پس از نوشته شدن یادداشت دیگر نباید کارها را تغییر داد.

● بر تمیزی و نظم در کلاس تأکید کنید

مشکل بیشتر مربیان این است که کودکان وسایل یا اسباب بازی‌های خود را روی زمین پرت یا پخش می‌کنند. گاهی کودکان این کار را می‌کنند تا صبر مربی خود را بسنجند و ببینند چه زمانی کاسه صبر او لبریز می‌شود. در صورتی که شما با آرامش و صبوری واکنش نشان دهید، جذابیت این کار نیز برای کودک از بین می‌رود؛ مثلاً وقتی با آرامش به کودک می‌گویید «کنون زمان تمیزکاری است» بیشتر جواب می‌دهد تا زمانی که فریاد می‌زنید.

سعی کنید این طرز فکر را به بچه‌ها القا کنید که مرتب بودن کلاس احساس بسیار خوبی به انسان می‌دهد. اگر کودک از جمع کردن وسایلش خودداری کرد، خودتان آن‌ها را جمع کنید و بگویید: «به نظرت این طوری بهتر نیست؟ وقتی همه چیز مرتب و سر جای خودش است، آدم احساس بهتری دارد.» این مکالمه در وجود کودک تأثیر می‌گذارد و باور می‌کند که منظم بودن مساوی با داشتن

باشید که کودک باید وسایل کوچک را که برایش سنگین نیستند، جمع کند و وظیفه جمع کردن وسایل بزرگ و سنگین به عهده مربی است. از کودکان بخواهید در مرتب کردن وسایل خود به یکدیگر کمک کنند؛ زیرا هر کس برای انجام دادن کارهایش به کمک نیاز دارد و نباید این کمک را از او دریغ کرد.

● در برابر قانون شکنی‌های بچه‌ها آرام و صبور باشید

کودکان معمولاً رفتارهایی مانند دعوا کردن، فریاد زدن، صحبت کردن زیاد، اذیت کردن هم‌کلاسی‌ها، از جای خود خارج شدن و در کلاس قدم زدن را انجام می‌دهند. در مقابل این گونه رفتارها، از بیان جملاتی مانند این‌ها خودداری کنید: «حالا می‌خواهی یک پسر یا دختر خوب و حرف گوش کن باشی؟ آیا متوجه کارهایی که انجام داده‌ای شده‌ای؟ از دست این رفتارهایت خسته شده‌ام! آیا می‌خواهی مرا دیوانه کنی؟ ببین دوستت این گونه رفتار نمی‌کند». به جای همه این صحبت‌ها، فقط سکوت کنید. نیازی به داد و فریاد کردن یا سرزنش کردن



- او را از یک فعالیت لذت بخش محروم کنید؛
- برای بالا بردن حس مسئولیت پذیری در کودک به او تکالیف کوچک بدهید؛
- با والدین کودک دیدار کنید و مشکل رفتاری او را با آن‌ها درمیان بگذارید؛
- زمان کار او با رایانه را کاهش دهید؛
- فرصت به دست آوردن برچسب تشویقی را از او بگیرید؛

- زمان زنگ تفریح او را کاهش دهید.
این روش‌ها می‌توانند عواقب بی‌توجهی و رعایت نکردن رفتار مناسب را به کودک نشان دهند. مجازات‌ها باید معقولانه و متناسب با رفتار کودک باشند. به‌خاطر داشته باشید که در مقابل رفتار نامناسب کودک ابتدا سکوت کنید و کاری انجام ندهید. چند لحظه صبر کنید تا کودک دست به انتخاب بزند؛ اینکه رفتار نامناسب را ادامه دهد یا متوقف کند. اگر رفتار او ادامه پیدا کرد، به آهستگی به سمت او بروید و خطاب به همهٔ کودکان بگویید: «کودکانی که رفتار مناسب داشته‌اند می‌توانند در بازی‌ای که الان می‌خواهیم انجام دهیم، شرکت کنند». از این طریق، کودکی که رفتار مناسب نداشته است پیام می‌دهد که اگر او نیز رفتار مناسب داشته باشد، می‌تواند در بازی شرکت کند.

فهرستی از رفتارهای مناسب و نامناسب مثل «بی‌ادبانه، تهاجمی، خیلی خطرناک» تهیه کنید و آن را در معرض دید کودکان قرار دهید. می‌توانید این فهرست را به کمک کودکان تهیه کنید. رفتارهای اصلاح شدهٔ کودکان بی‌انضباط را تشویق کنید. تشویق رفتارهای صحیح کودکان انتظارات شما را از آن‌ها مشخص می‌سازد و الگوهای صحیح رفتاری را برایشان ترسیم می‌کند.

منابع

1. Phelan, Thomas W. (2004) *1-2-3 Magic: Effective Discipline for teachers, effective classroom discipline for Pre-K children, parents' magic Inc. USA.*
2. Gershoff, E. T. (2008). *Principles and Practices of Effective Discipline: Advice for Parents and teachers.* Columbus, OH: Center for Effective Discipline
3. <http://life.familyeducation.com/spanking/discipline/36133.html>

به جای همهٔ این صحبت‌ها تنها سکوت کنید نیازی به داد و فریاد کردن یا سرزنش کردن او نیست. زیرا بروز یک رفتار عصبی یا داد زدن برای کودک ممکن است سرگرم کننده باشد و منجر به تشدید رفتارهای نادرست او شود

کودک نیست؛ زیرا بروز یک رفتار عصبی یا داد زدن ممکن است برای کودک سرگرم کننده باشد و به تشدید رفتارهای نادرست او منجر شود. به جای آن، یک نفس عمیق بکشید؛ کنار کودک بنشینید و به چشمانش نگاه کنید. حالت صورت خود را جدی کنید و عواقب کارش را به او یادآور شوید؛ برای مثال، به او بگویید «در هنگام پریدن ممکن است آسیب ببینی؛ این نوع پریدن خطرناک است».

از زیاد صحبت کردن با کودکان بی‌انضباط خودداری کنید؛ زیرا این کار اوضاع را بدتر می‌کند. فقط در مواقع ضروری از صحبت کردن استفاده کنید.

مانند موقعی که مسئله‌ای را نفهمیده است یا کاری غیرمعمول و عجیب یا خطرناک انجام می‌دهد یا زمانی که لازم است به او اطلاعات بیشتری دهید. مثلاً حرف بدی زده یا دهن کجی کرده است. به جای استفادهٔ مکرر از کلمهٔ «نه» بهتر است چیزی را که برای شما مهم است، تعریف و محدودیت‌ها را مشخص کنید. از خود ثبات رفتاری نشان دهید؛ اگر یک روز اجازه دهید که رفتاری از خود نشان دهد و روز دیگر مانع آن شوید، کودک گیج می‌شود. در مورد رفتارها برخوردی ثابت و مشخص داشته باشید. از عبارت‌های کوتاه استفاده کنید و آن‌ها را مرتباً تکرار نمایید. به حرکات و لحن صدای کودک بی‌انضباط توجه کنید؛ دلیل عصبانیت او را بیابید و حتی وقتی دلیل عصبانیت او را نمی‌دانید، نشان دهید که می‌دانید.

● با رفتار کودک بی‌انضباط برخورد متناسب داشته باشید.

- در مورد کودکی که نظم و انضباط کلاسی را رعایت نمی‌کند، یکی از رفتارهای زیر را نشان دهید:



ارتباط دوره پیش دبستانی با مهارت‌های مورد نیاز کلاس اول

دکتر پرستو حریری، دکترای روان‌شناسی تربیتی
فاطمه بختیاری، مربی پیش دبستانی

مقدمه

یک مربی پیش دبستانی باید هنر شاد کردن کودکان و تقویت اعتماد به نفس، خودپنداری مثبت و خودباوری را در آن‌ها داشته باشد. لازمه مربی پیش دبستانی بودن صبر بسیار، مطالعه مداوم و به روز و هم‌زمان بودن با تمام مریبان جهان در مواردی است که با فرهنگ کشور ما و موقعیت ما سازگاری دارد. مربی پیش دبستانی نباید به کتاب تکیه کند. چون سن پیش دبستانی، سن بازی و یادگیری از طریق دست‌ورزی و تجربه کردن است. یک معلم هنرمند باید مهارت حل مسئله، مهارت تفکر و اندیشیدن و فلسفیدن را به دانش‌آموزان بیاموزد. او نه تنها باید از دانش‌آموزانش شناخت کامل و کافی داشته باشد بلکه لازم است روی رفتارهای عاطفی آنان کار کند.

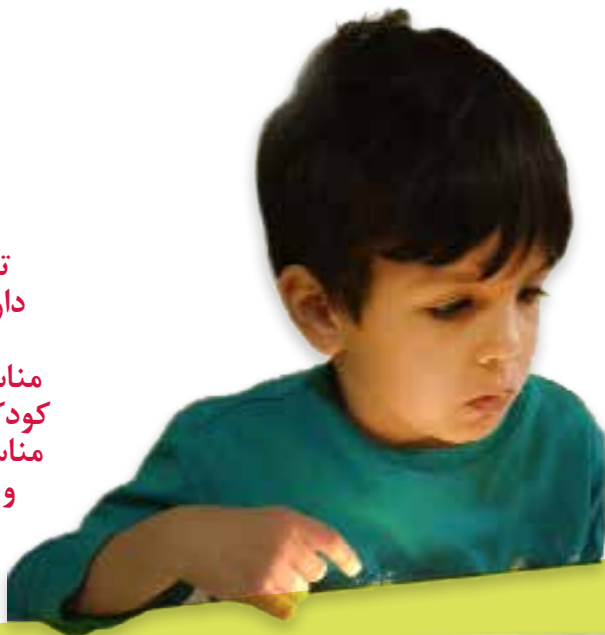
کلیدواژه‌ها: خلاقیت، مریبان موفق، مهارت‌های اجتماعی، رفتارهای عاطفی

در کلاس مریبان موفق پیش دبستانی خلاقیت زیادی دیده می‌شود. خلاقیت می‌تواند علاوه بر راهبردهای خلاق برای حل مسائل جدید، در نقاشی کودک، ساخت کاردستی، اجرای نمایش و قصه‌گویی و حفظ احادیث و اشعار به کار رود. یک معلم پیش دبستانی موفق نگرش سازنده همراه با دوراندیشی دارد. بسیاری از مریبان تازه‌کار فقط به کودکان باهوش و زیبا که کمتر به توجه نیاز دارند، بیشتر

توجه می‌کنند. در صورتی که به قول در/یکورس، شاگرد آدلر، معلمان به کودکانی که نیازمند توجه‌اند کمتر توجه می‌کنند؛ زیرا این کودکان در اجتماع و خانواده هم محبوب نیستند. مربی پیش دبستانی باید کودک را از احساس بی‌کفایتی و دلسردی که در بعضی از کودکان پیش دبستانی دیده می‌شود، رها کند. مریبان موفق پیش دبستانی باور اولیا و کارکنان مدرسه را نسبت به پیش دبستانی و جدی بودن آن عوض می‌کنند و نگرش جدی‌تری نسبت به لزوم پیش دبستانی به این افراد می‌دهند. مربی پیش دبستانی باید بستر مناسبی برای ورود به کلاس اول فراهم کند نه اینکه فقط لوح‌آموزی و آنچه را در کلاس اول به بچه‌ها آموخته می‌شود اجرا کند. این کار خود باعث بی‌انگیزگی و دلسردی کودک می‌شود. دوره پیش دبستانی از لحاظ یادگیری از طریق بازی و تجربه کردن سیستم و یادگیری آداب و مهارت‌های اجتماعی بسیار مهم است و کودک، دیگر هرگز چنین فرصتی برای یادگیری نخواهد یافت. مریبان موفق مدام از کارگاه‌های آموزشی ایران و سایر نقاط جهان بهره می‌گیرند و از هر دورریختنی و یا تجربه از یاد رفته مناسبی همچون بازی‌های محلی و بومی استفاده می‌کنند. در دوره پیش دبستانی، کودک بسیار آسیب‌پذیرتر و حساس‌تر است و کوچک‌ترین خطای مربی می‌تواند به او ضربه‌های ماندگار بزند. پیش دبستان دوره‌ای طلایی برای ساخت اولین مهارت‌های اساسی زندگی و آموزشی

است. مربی پیش دبستانی باید حس مهم بودن را در بازی‌ها و رفتارها برای کودک ایجاد کند. او می‌تواند از نمایش خلاق برای ایفای نقش بهره بگیرد. هنر مربی پیش دبستانی دیدن را دیدنی‌تر کردن و نادیدنی را دیدنی کردن است. او باید مشارکت و همدلی و همکاری و آداب اجتماعی را به بچه‌ها بیاموزد. مطالب آموزشی نباید موجب سردرگمی، احساس نگرانی و دلسردی کودک شوند و بهتر است از ساده به پیچیده باشند. وقتی کودک مدام برای بیرون رفتن از کلاس اجازه می‌گیرد، معلم باید متوجه شود که جو کلاسش مناسب نیست و او نتوانسته است انگیزه و جذابیت لازم را ایجاد کند. معلم باید به جای طرح مطالب انتزاعی از مطالب ملموس استفاده کند. نیز لازم است روی پرورش حس عدد به هنگام آموزش ریاضی تأکید داشته باشد. هنگامی که کودک کلمه‌ای را اشتباه تلفظ می‌کند، معلم باید بلافاصله آن را با مثال‌های ساده تصحیح کند. بعضی از کودکان پیش دبستانی در ادای افعال دچار مشکل می‌شوند که باید مربی آن را تصحیح کند. در ادامه، به بحث در مورد تأثیر پیش دبستانی و پیش‌آگهی‌های آن خواهیم پرداخت. بی‌شک همه می‌دانیم که در مورد پیشرفت کودکان کلاس اولی پیش‌آگهی‌هایی وجود دارد که در اینجا به مواردی از آن‌ها می‌پردازیم و پیش‌آگهی‌های خوب و بد را با هم قیاس می‌کنیم.

تغذیه تأثیر بسزایی بر کودکان ما دارد. کودکانی که از تغذیه مناسب (کلیه گروه‌های غذایی) و خواب مناسب و کافی بهره‌مندند نسبت به کودکانی که به سوء تغذیه، عدم رشد مناسب (ذهنی - جسمی)، فقر آهن و خواب نامناسب دچارند، توانایی یادگیری بیشتری دارند



از کودکی که تلاشی ندارد موفق‌تر خواهد بود. علاوه بر این، داشتن انتظارات بسیار بالا یا پایین از کودک به او آسیب می‌زند و مانع پیشرفت می‌شود.
۹. انگیزه کودک در میزان یادگیری او بی‌تأثیر نیست.

مواردی از قبیل:

- شاد بودن پدر و مادر
- بازخورد به موقع و مناسب در خانواده
- کودک ایمن
- نگرش نسبت به تحصیلات
- کودک دلگرم
- استقلال، ابتکار و عزت نفس
- نوع تربیت
- در کودک ایجاد انگیزه مثبت می‌کند.
- در مقابل، عواملی چون:
- طلاق والدین
- وابستگی شدید عاطفی
- تربیت سهل‌گیر (نازپرورده) یا بیش از حد سخت‌گیر
- اختلالات بینایی یا شنوایی
- ضربه‌های جسمی
- لکنت، لب‌شکری (عقب‌افتادگی خفیف)

- نالایمی، کودک دلسرد
- قرینه‌نویسی، بیش‌فعالی
- در کودک بی‌انگیزگی ایجاد می‌کند و باعث دلسرد شدن او نسبت به درس و یادگیری ضعیفش می‌شود.
- ۱۰. هر چه سن کودک هنگام رفتن به کلاس اول به هفت سال نزدیک‌تر باشد، یادگیری‌اش بیشتر می‌شود. به همین دلیل است که کودکان نیمه دوم بهتر از نیمه اولی‌ها مطالب را فرا می‌گیرند.

توجه قرار گیرد. باید بدانیم که فرزند ما در چه مرحله‌ای از هوش قرار دارد و استعدادها و توانایی‌های او را کشف کنیم. به طبع، اگر هوش و استعداد کودک هر چه بیشتر شناخته و پرورده شود و خلاقیت‌هایش شکل نگیرد، در پایه اول به او کمک فراوان می‌شود و همین یک پیش‌آگهی خوب به حساب می‌آید. باید از ناشناخته ماندن استعداد کودک و القای حس کهنتری به او جلوگیری کنیم.

۶. سواد داشتن یا بی‌سواد بودن والدین هم بر کودک بی‌تأثیر نیست. اگر والدین از سواد کافی برخوردار باشند، طوری که بتوانند فرزند خود را در امور مربوط هدایت و یاری کنند، باعث پیشرفت او خواهند شد و به عکس.

۷. کودکانی که والدین به یادگیری آن‌ها اهمیت می‌دهند و اسباب رفاه و سرگرمی‌شان را مهیا می‌کنند، از کودکانی که از رفاه و سرگرمی مناسب محروم‌اند و تلاشی برای یادگیری‌شان نمی‌شود، موفق‌ترند.

۸. خیلی مهم است که کودک برای یادگیری چقدر تلاش کند. اگر او به‌طور خودجوش برای یادگیری تلاش کند،

۱. رفتن به پیش‌دبستانی به صورت مستمر و یادگیری مهارت‌های ضروری در فراگیری مطالب کلاس اول به دانش‌آموز، کمک زیادی می‌کند و باعث بهتر فهمیدن آن‌ها می‌شود. در مقابل، کودکانی که دوره پیش‌دبستانی را طی نکرده و به کلاس اول رفته‌اند، در ۵۰ درصد موارد یادگیری و تفهیم ضعیف‌تری دارند.

۲. راست‌دست بودن نسبت به چپ‌دست بودن یک پیش‌آگهی خوب به حساب می‌آید، چرا که کودکان راست‌دست نسبت به چپ‌دستان یادگیری بهتری دارند.

۳. پسرها ۴ برابر از دخترها نارساخوان‌تر و نارسانویس‌ترند.

۴. تغذیه تأثیر بسزایی بر کودکان ما دارد. کودکانی که از تغذیه مناسب (کلیه گروه‌های غذایی) و خواب مناسب و کافی بهره‌مندند نسبت به کودکانی که به سوء تغذیه، عدم رشد مناسب (ذهنی - جسمی)، فقر آهن و خواب نامناسب دچارند، توانایی یادگیری بیشتری دارند.

۵. هوش کودک در سنین پایین (قبل از کلاس اول) باید اندازه‌گیری شود و از همه جهات (جنبشی، مغزی، کلاسی، فضایی، ریاضی، هنری، ادبی، کلامی و...) مورد

۱۱. تاریخچه فردی کودک و توانایی او برای انجام دادن کارهای شخصی‌اش در مقابل دیر حرف زدن، رشد کند و دیررسی (دوقلوها) پیش‌آگهی خوبی محسوب می‌شود.

۱۲. اینکه کودک فرزند چندم در خانواده باشد یا چند خواهر یا برادر داشته باشد، در پیشرفت و یادگیری او تأثیرگذار است. کودکانی که فرزند اول خانواده یا تک‌فرزندند، نسبت به کودکانی که فرزند چندم خانواده‌اند یا در خانواده‌های پرجمعیت زندگی می‌کنند، یادگیری بهتری دارند.

۱۳. هرچه کلاس پرجمعیت‌تر باشد، بازدهی و یادگیری پایین می‌آید. در کلاس‌هایی که تعداد افراد کمتر است، یادگیری و آموزش خیلی بهتر می‌شود.

۱۴. دیده می‌شود که والدین علاقه‌مندند فرزندان خود را قبل از رفتن به کلاس اول و مدرسه، به کلاس‌های مختلف (کامپیوتر، زبان، قرآن و...) بفرستند. باید دقت داشت که همه این کلاس‌ها نمی‌توانند برای کودکان در آن سن مناسب باشد. بهتر است کلاس‌ها با توجه به سن و شرایط کودک انتخاب شود؛ چراکه این آموزش‌ها در آموزش کلاس اول تأثیرگذار است و نباید تداخل آموزشی پیش آید؛ مثلاً آموزش زبان قرآن به ما در یادگیری مطالب کلاس اول کمک می‌کند ولی زبان انگلیسی به ویژه نوشتن آن، مناسب نیست.

۱۵. بعضی از خانواده‌ها در خانه به‌طور دائم و منحصر به زبان مادری صحبت می‌کنند. زبان‌های مادری با وجود ضرورت حفظ آن‌ها در صورت انحصار در ذهن کودک نقش می‌بندد و کودک نیز به همین دلیل در مدرسه و در یادگیری زبان فارسی دچار مشکل می‌شود و در گفتار و بعدها در نوشتارش اشکالاتی پدید می‌آید.

۱۶. اینکه مدرسه چه میزان با خانواده‌ها درباره نحوه عملکرد فرزندان‌شان همکاری

داشته باشد، اهمیت دارد. نگرش مدرسه نسبت به پیشرفت دانش‌آموز و اینکه آیا کودک ثبات دارد یا خیر و مطلع کردن خانواده‌ها از شرایط روحی و رفتاری و کرداری فرزندشان کمک می‌کند که اگر کودک مشکلی دارد، به موقع رفع شود و او در اسرع وقت به حالت طبیعی و عادی برگردد. در مدرسه دیده می‌شود که کودکان گاه دچار عدم تکاپو هستند و تحرکی ندارند و یا ثباتی در آن‌ها دیده نمی‌شود؛ بهتر است والدین این‌ها را بدانند و در صدد رفع مشکلات فرزند خود برآیند.

۱۷. کودک هنگام رفتن به مدرسه خودپنداره‌ای از مدرسه و خانواده به دست می‌آورد که بهتر است مثبت باشد. جوان بودن، باسواد بودن، صبور بودن معلم و میزان علاقه او به شاگردان و شغل خود، بر خودپنداره کودک از مدرسه تأثیر می‌گذارد و او بسته به همین موارد، باهمسالان و مدرسه رابطه‌ای تعاملی برقرار می‌کند. اگر این خودپنداره منفی باشد، علائمی چون خشونت، خجالتی بودن، بی‌نظمی، نافرمانی، پرخاشگری (بدنی و لفظی)، حسادت و مزوی بودن و خارج از گروه ماندن در کودک بروز می‌یابد.

۱۸. در زمینه راهبردهای شناختی نظیر نظارت و کنترل و برنامه‌ریزی، کودکان (پیش‌دبستانی) مهارت بهتری دارند. همچنین دیدشان از نظر منبع کنترل خویش و پایداری یا ناپایداری موقعیت‌ها واقع‌بینانه‌تر است. کودکانی که پیش‌دبستانی نرفته‌اند، طبعاً چون شناخت مناسبی پیدا نمی‌کنند، در زمینه فراشناخت هم وضعیت چندان خوبی ندارند؛ زیرا نیاموخته‌اند که چگونه یاد بگیرند و راهبردهای مناسبی هم ندارند. همچنین کودکان که به پیش‌دبستانی رفته‌اند، کم‌کم آموخته‌اند که به جای تکیه بر بخت و اقبال و داشتن افکار خرافی، به توانایی‌های خویش تکیه کنند. کودکانی

که دوره پیش‌دبستانی را می‌گذرانند، نسبت به کودکان دیگر به خودکنترلی، خودمدیریتی و تنظیم هیجانی نسبی دست پیدا می‌کنند.

۱۹. رفتاری که کودک از اطرافیان و خانواده خود می‌بیند برای او رفتاری ورودی محسوب می‌شود. کیفیت رفتار ورودی عاطفی در کودکانی که به پیش‌دبستان رفته‌اند، بالاتر است و آن‌ها به مهارت‌های فردی (همچون لباس پوشیدن، کفش پوشیدن، غذا خوردن) و رفتارهای اجتماعی بهتری دست پیدا می‌کنند.

رابطه مهارت‌های پیش‌دبستانی با موفقیت در دبستان

رفتن به پیش‌دبستانی برای کودک پله ترقی محسوب می‌شود؛ چرا که او را حمایت می‌کند تا رشد یابد. محیط و شرایط پیش‌دبستان در کودک، علاقه به مدرسه ایجاد می‌کند و انگیزه پیشرفت و اعتمادبه‌نفس او را افزایش می‌دهد. مسئولیت‌های کوچکی که مربی به کودک می‌دهد و فعالیت‌های کلاسی، او را به خودکفایی وامی‌دارد و باعث بروز بسیاری از استعدادها می‌شود. استعدادهایی چون استدلال‌یابی و ابتکار در برابر احساس حقارت.

هم‌سن بودن هم‌کلاسی‌ها و در کنار هم بودن آن‌ها به مدت طولانی مهارت دوست‌یابی را برایشان به ارمغان می‌آورد. انجام دادن کارهای گروهی در کلاس، کودک را به همکاری و یاد گرفتن این مهارت وامی‌دارد. برخی دیگر از مهارت‌های پیش‌دبستانی عبارت‌اند از:

بالا رفتن قدرت شنیداری، تشخیص و تلفظ هم‌آغاز و هم‌پایان، بخش‌های کلمات، تصویرخوانی، زبان‌آموزی، برطرف شدن لکنت تا حدود زیادی، توسعه دایره

واژگان، پرورش مهارت خلاقیت، شناخت آواها، بیان جملات کوتاه، شناخت قافیه، فعل و جملات دستوری، تمرین درست قلم به دست گرفتن، شناخت درست، فواصل درست، کتاب را در دست گرفتن، قوی شدن میج‌های دست، تمرین لوحه‌نویسی، حفظ وسایل شخصی، تمرین در کلاس ماندن و تحمل صندلی، درست نشستن، درست حرف زدن، کنترل ادرار، نظافت، شناخت محیط و قوانین و مقررات، شناخت نظم، شناخت اجتماع دوم، برقراری ارتباط با معلم، قصه‌خوانی، قصه‌نویسی، نقاشی، مراقبت از حق و حقوق خود، دفاع از خود به شکل و شیوه درست، ایجاد مهارت دوست‌یابی، فعالیت‌های گروهی، شناخت حروف تاحدودی از طریق نشان دادن شکل و زبان آموزی، شناخت اعداد و نمادها، توانایی خط‌کش و قیچی و چسب در دست گرفتن و به کار گرفتن آن‌ها به شکل درست، شناخت روابط اعداد، شکل اعداد، مقدار اعداد، شناخت جهات، خارج و داخل، کم و زیاد، فاصله نوشتن اعداد، شناخت دست چپ و راست، حفظ سوره‌ها، حفظ احادیث و خواندن از روی آن‌ها (بالا رفتن حافظه)، شناخت نشانه‌های دینی و مقدس، شناخت پیامبران و پیام آن‌ها به انسان، ایجاد مهارت خودکفایی و مهارت‌های زندگی در کودک، ایجاد علاقه به دانستن، ایجاد علاقه به پیشرفت و نظم، همچنین بهداشت فردی و محیطی، ایجاد نظم و ترتیب.

علوم

کودکان در پیش‌دبستانی، تا اندازه‌ای که برایشان قابل فهم باشد، در زمینه علوم آگاهی پیدا می‌کنند. همچنین توانایی آن را پیدا می‌کنند که حیوانات اهلی و وحشی را بشناسند و محل زندگی

حیوانات مختلف را با توجه به نوع پوشش و خوراکشان تعیین کنند یا حدس بزنند. همچنین، اطلاعاتی در زمینه نوع پوشش و اسکلت بدن جانوران و نیز دسته‌بندی آن‌ها به دست می‌آورند. کودکان در این دوره قادر خواهند بود محصولات حیوان و مفید و مضر بودن آن‌ها برای انسان را تشخیص دهند. آن‌ها نحوه رشد و تکامل حیوانات (تخم‌گذار - پستاندار) را فرامی‌گیرند. چرخه آب و چرخه نان را درک می‌کنند. با بدن و حواس آشنا می‌شوند و مطالبی در زمینه‌های مختلف از جمله اهمیت نور، ترکیب رنگ‌ها، شناخت رنگ‌ها، کره زمین، آلودگی‌ها و بازیافت مواد، وسایل نقلیه، مشاغل، نشانه‌های دینی، شهرها و سوغاتی‌های آن‌ها، و قهرمان‌های ملی و جهانی می‌آموزند و بر توانایی آن‌ها افزوده می‌شود.

چگونگی اقدامات انسان، شناخت زمان و مکان، آب‌وهوا، تشکیل ابر، باد، باران، شناخت میوه‌ها، دانه‌ها، بوته‌ها، درختان و ساختار آن‌ها، شناخت خانواده و اجزای آن، شناخت اعضای بدن و مراقبت آن، شناخت فرهنگ و آداب غذا خوردن، مدرسه رفتن، مسجد رفتن، مهمانی رفتن، شناخت خدا و خود و پیرامون، شناخت تقارن، مرکز و داخل و خارج، و شناخت نرمی و زبری و سختی بافت از جمله مهارت‌هایی است که کودک در این دوره می‌آموزد.

در پایان، امید است همه والدین در مورد فرزندان‌شان و نیازهای آن‌ها به آگاهی لازم دست یابند و با درک درست از این موضوع، رابطه‌ای سالم و شایسته با آنان برقرار کنند و درصدد رشد و تکامل بهتر فرزندان خویش برآیند.



اشاره

خط به عنوان ابزاری شگفت‌انگیز پلی بین گذشته، حال و آینده ساخته است. به جرئت می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های معلمان و اولیا بدخطی دانش‌آموزان است. برخلاف عقیده رایج، بین زیبانویسی و ژنتیک و وراثت رابطه‌ای وجود ندارد! امروز بدخطی در سطوح مختلف جامعه و بین افراد با موقعیت‌های اجتماعی متفاوت به صورت گسترده‌ای وجود دارد. بدخطی نتیجه بی‌توجهی و نبود آموزش صحیح است. نبود نیروی متخصص جهت آموزش تنها بهانه‌ای است تا قسمتی از این ناکامی آموزشی پوشانده شود. راهکار ساده‌ای که با وجود شرایط موجود به کمک آن می‌توان زیبانویسی را بهبود بخشید، یک نکته ساده و کلیدی در خوش‌نویسی است: مداد را چگونه دست بگیرد! با آموزش درست به دست گرفتن مداد می‌توان علاوه بر رفع بسیاری از دیرآموزی‌ها به کودکان پیش‌دبستانی برای زیبانویسی و لذت بردن از نوشتن کمک ارزنده‌ای کرد.

کلیدواژه‌ها: گرفتن مداد، هنر، زیبانویسی

زیبانویسی نتیجه کشف ارتباط بین حروف و کلمات توسط دانش‌آموز است. این توانایی سبب به وجود آمدن نوعی رسم‌الخط شخصی می‌شود که تشخیص خطی نامیده می‌شود. زیبانویسی از قواعد ساده‌ای تبعیت می‌کند که دانستن آن‌ها سبب خوش خطی است. اولین و مهم‌ترین کار معلمان پیش‌دبستانی و پایه اول ابتدایی در آموزش نوشتاری این است که شیوه درست به دست گرفتن مداد را به دانش‌آموزان یاد بدهند؛ کار ساده و بسیار مهمی که غفلت از آن روند یادگیری را کند و اشتیاق دانش‌آموزان را در انجام تکالیف از بین می‌برد. شکل نامناسب گرفتن مداد باعث بروز درد در مفاصل انگشتان می‌شود. در مواردی هم این کار ناهنجاری‌هایی در شکل دست هنگام نوشتن ایجاد می‌کند. تداوم این حالت باعث ناخرسندی آن‌ها از نوشتن و در نتیجه، از بین رفتن لذت نوشتن خواهد شد.



نکات مهمی که والدین و مربیان هنگام به دست گرفتن مداد باید به کودکان آموزش دهند:

مداد را فشار ندهید.

بیشتر بچه‌ها فکر می‌کنند هرچه

درست‌دستان بگیرد!
لطفاً مداد را

سرگروه فرهنگ و هنر شهرستان‌های استان تهران
ابراهیم قدر دان



مداد را بیشتر فشار بدهند، پررنگ‌تر می‌نویسد. این تصور اشتباه باعث می‌شود فشار زیادی به مداد و انگشتانشان وارد کنند. بسیاری از دانش‌آموزان حتی زمانی که در دوره‌های تحصیلی بالاتر با خودکار یا خودنویس هم می‌نویسند، این تصور اشتباه را با خود دارند. خستگی مفاصل دست، فشار عصبی، درد و لرزش انگشتان از عوارض فشار دادن مداد است.

انگشتان
به‌صورت ناخواسته
خم می‌شوند و میدان
حرکات نوشتاری به‌نوک
انگشتان محدود می‌گردد.
ریزنویسی، بدخطی و
درد مستمر مفاصل
انگشتان از عوارض
این فرم مدادگیری
است.



طرز درست به دست گرفتن مداد

بهترین جای قرار گرفتن مداد یا نوشت‌افزار در تمام شیوه‌های نوشتن در سراسر دنیا این است که ابتدای مداد یا هر نوشت‌افزار دیگر بین سرانگشت اشاره و شست و انتهای آن روی مفصل سوم انگشت اشاره قرار گیرد. در این شیوه، انگشتان خم نمی‌شوند، درد مفاصل از بین می‌رود و میدان حرکات نوشتاری تا محدودهٔ مچ گسترش پیدا می‌کند. همچنین، تسلط بر شیوهٔ نگارش دوایر، کشیده‌ها، الف‌ها و سایر حروف بیشتر می‌شود.



هنگام گرفتن مداد، انگشتانشان خم نشود.

متداول‌ترین شکل در دست گرفتن مداد، با خم کردن بیش از حد انگشتان همراه است. در این حالت، انگشتان به شکل‌های متنوع و عجیبی مداد را می‌گیرند. تقریباً تمامی این حالات دردآور است. جالب است که همهٔ دانش‌آموزان این شیوه را از اوایل گرفتن مداد تا پایان دوره‌های تحصیلی و حتی در صورت عدم اصلاح تا پایان عمر حفظ می‌کنند؛ شیوهٔ نامناسبی که هر دانش‌آموزی به صورت ناخواسته آن را کشف می‌کند و با وجود دردآور بودن، تلاشی برای اصلاح آن نمی‌کند.



مداد را در گودی بین انگشت اشاره و شست قرار ندهند.

یکی دیگر از شکل‌های نامناسب گرفتن مداد، قرار دادن آن در گودی بین انگشت اشاره و شست است. در نتیجهٔ این کار،



گزارشگر: اسدالله مشایخی

آنچه والدین و مراقبان کودکان باید درباره تربیت

گزارشی از کارگاه آموزش تربیت جنسی با سخنان دکتر راضیه معصومی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی



تهران، فوق دکترای رفتارشناسی جنسی و دکترای تخصصی بهداشت باروری، به عنوان مدرس درباره رفتارهای جنسی کودکان صفر تا ۷ ساله سخن گفت.

تکامل در دوران کودکی

خانم دکتر معصومی سخنان خود را با چگونگی بروز رفتارهای جنسی به اشکال مختلف و به عنوان بخشی از روند تکامل طبیعی روانی - جنسی در دوران کودکی، آغاز کرد و گفت: «این رفتار را کودک یا با خودش بروز می دهد یا در قالب بازی های کودکانه ای مثل «دکتر بازی» یا «مامان بازی» با همین بازی های خود تجربه می کند.» به گفته او، تظاهرات جنسی مثل نعوظ خودبه خودی آلت تناسلی در جنین های پسر حتی پیش از تولد هم نمود دارد. پس، می توان گفت رفتار جنسی در انسان از بدو تولد (حتی پیش تر از آن) تا زمان مرگ وجود دارد؛

جهت دهی و مدیریت بهینه این بعد از شخصیت فرزند خود بپردازند و از این رو شکل گیری شخصیت سالم تر و کامل تر کودکان را در آینده تضمین کنند.

بر این اساس، به نظر می رسد برگزاری دوره های آموزشی و مهارت آموزی برای والدین و مراقبان کودک در کشور جهت رشد بهینه و مطلوب جنسی این گروه لازم است و این امر در دراز مدت متضمن تربیت نسلی سالم تر و جامعه ای پویاتر خواهد بود. در همین راستا «کارگاه تربیت جنسی کودکان صفر تا ۷ ساله» با هدف آشنا کردن خانواده ها و مراقبان کودکان با رفتارهای جنسی این گروه سنی، به کوشش کلینیک سلامت جنسی مجتمع دارویی درمانی سازمان هلال احمر ایران برگزار شد. خانم دکتر راضیه معصومی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی

اشاره

پدران و مادران سرزمین ما و نیز مراقبان کودکان، معمولاً درک درست و شناخت کافی از رفتار جنسی کودکان ندارند. آن ها از برخی رفتارهای جنسی کودک، یا کاملاً بی اطلاع اند یا مهارت کافی برای برخورد با این گونه رفتارهای کودک خود ندارند. از آنجا که رفتار جنسی در انسان از همان ابتدای تولد به صورت خودبه خودی بروز می کند، شناخت این نوع رفتارها برای والدین و مراقبان کودک لازم است. آگاهی از این رفتارها به آموزش و مهارت آموزی نیاز دارد. شناخت رفتار جنسی کودکان توسط خانواده ها و به ویژه پدران و مادران و مراقبان کودک، باعث می شود آن ها با فراگیری راه های درست مواجهه و مقابله، به

فقط شکل و نحوه تظاهر رفتار از سنی به سن دیگر متفاوت است. وی در ادامه گفت: مسئله مهم این است که والدین و مراقبان کودک با انواع تظاهرات جنسیتی و رفتارهای جنسی کودکان آشنا باشند و با برخورداری از دانش زمینه‌ای و پایه در این خصوص، قدرت تشخیص و تمیز رفتار جنسی عادی یا طبیعی را از غیر طبیعی داشته باشند اما از آنجا که مسائل جنسی در جامعه ما و بسیاری از جوامع دیگر - که از نظر فرهنگی و اجتماعی ساختاری شبیه به جامعه ما را دارند - با محدودیت‌هایی روبه‌روست، والدین و مراقبان کودک در مواجهه با این گونه

صفر تا ۷ سال جنسی بدانند

تحقیقات نشان داده است که تربیت و آموزش جنسی کودکان و نوجوانان می‌تواند به کسب دانش لازم، ایجاد بینش و نگرش مثبت و کسب مهارت برای مدیریت رفتارهای جنسی و نیز حفاظت از خود در برابر آسیب‌های احتمالی منجر شود

رفتارهای او یا خود را به ندیدن می‌زنند یا سکوت اختیار می‌کنند. در مواردی هم برخوردی کاملاً نامناسب و نادرست انجام می‌دهند و به ندرت پیش می‌آید که والدین و یا مراقبان کودک بدانند در مواقع برخورد با امور جنسی کودکان چه کنند یا از چه کسی مشاوره بگیرند. به این ترتیب، دستیابی والدین و مراقبان کودک به حد مطلوبی از دانش و مهارت در مدیریت رفتارهای جنسی در این دوره سنی ضروری است.

تربیت کودکان

خانم دکتر معصومی در ادامه بر ضرورت تربیت جنسی کودکان از همان دوران طفولیت تأکید بیشتری کرد و آن را زیربنای خوبی برای آموزش جنسی و مدیریت بلوغ و رفتارهای جنسی در دوران نوجوانی و جوانی فرزندان دانست. وی گفت: «اگر والدین به اصول تربیتی جنسی واقف شوند و آن را به کار گیرند، قادر خواهند بود در آینده فرزندان نوجوان و حتی جوان خود را در مسائل جنسی به خوبی مدیریت و هدایت کنند.»

ایشان همچنین با رویکردی گذشته‌نگر ضرورت تربیت جنسی را این گونه مورد تأکید قرار داد: «یکی از دلایل مهم بروز نارضایتی‌های زناشویی، نارضایتی جنسی است که این امر خود ریشه در تأمین نشدن انتظارات و خواسته‌های جنسی زوجین دارد. فقدان دانش صحیح جنسی، سیستم نگرش جنسیتی و جنسی نادرست و نبود مهارت کافی برای برقراری روابط جنسی از جمله مهم‌ترین مشکلات در حوزه سلامت جنسی بزرگسالان و زوجین در جامعه ماست که اگر نگوییم همه، بخش عمده‌ای از این مشکلات با به‌کارگیری اصول تربیت جنسی در دوران کودکی و آموزش جنسی در دوران نوجوانی و جوانی قابل پیشگیری است. به اعتقاد خانم معصومی بهترین زمان تربیت جنسی همان دوران کودکی است. او این آموزش را سرمایه‌گذاری برای آینده فرزندان در دوران نوجوانی و جوانی و پیش از ازدواج

می‌داند و معتقد است که سلامت از جمله حقوق ابتدایی و سلامت جنسی از حقوق پایه او محسوب می‌شود. تحقیقات نشان داده است که تربیت و آموزش جنسی کودکان و نوجوانان می‌تواند به کسب دانش لازم، ایجاد بینش و نگرش مثبت و کسب مهارت برای مدیریت رفتارهای جنسی و نیز حفاظت از خود در برابر آسیب‌های احتمالی منجر شود. وی در ادامه گفت: «به سبب اینکه انسان موجودی چند بعدی است، تربیت ابعاد مختلفی دارد و تربیت جنسی هم یکی از ابعاد مهمی است که به بعد جنسی برمی‌گردد. تربیت جنسی یعنی رشد و بارور کردن ظرفیت‌ها و استعدادها هر آنچه به بعد جنسی انسان مربوط می‌شود. به عبارت دیگر، طی این فرایند فرد به درک درستی از جنسیت، نقش جنسیتی و جنسی خود می‌رسد و سکچوالیتی^۱ وی در مسیر درست و هدفمند هدایت می‌شود. علاوه بر دستیابی به درک صحیح، نگرش فرد نسبت به این مسائل نیز به طور درستی ساخته می‌شود و نیز فرد به توانمندی لازم برای مدیریت رفتار جنسی و حفاظت از خود در موقعیت‌های مختلف و حتی خطرناک دست می‌یابد. تربیت جنسی باید از بدو تولد در برنامه مراقبتی کودک قرار گیرد و والدین یا مربیان مهد دوره‌های آموزشی لازم را در این زمینه بگذارند.» ایشان همچنین ادامه داد: «وقتی صحبت از آموزش جنسی می‌شود، برخی افراد فکر می‌کنند که منظور یاد دادن نحوه برقراری رابطه جنسی به نوجوان است. این برداشت نادرست است و ریشه در نگاه محدود، تنگ نظران و صرفاً تناسلی به مسائل جنسی دارد. محوریت آموزش جنسی نیز همانند تربیت جنسی بر ایجاد درک صحیح از بعد جنسی، کسب دانش صحیح و نگرش مثبت نسبت به این مسائل و نیز توانمند کردن نوجوان برای مدیریت رفتار جنسی و حفاظت از خود و نیز بهره‌مندی از رشد مطلوب جنسی و برخورداری از حس مثبت نسبت به این بعد وجودی استوار است. لازمه آموزش

جنسی نوجوان، بر خورداری او از اطلاعات صحیح علمی و متناسب با سن و مرحله بلوغ خود است که این کار در وهله اول بر عهده والدین و معلمان و مربیان مدارس می‌باشد. هر چند که سایر نهادهای جامعه نیز می‌توانند در این زمینه مؤثر و کارآمد باشند.»

در پاسخ به این پرسش که چگونه می‌توان متوجه رفتارهای جنسی کودکان شد، دکتر معصومی به این موارد اشاره کرد: «خودتحریکی، نگاه کردن به دیگران و علاقه‌مندی به بدن عریان، بازی‌های جنسی نظیر «دکتر بازی» و «عروس بازی» و لمس دیگران شایع‌ترین موارد در بروز رفتارهای جنسی در کودکان است. این رفتارها زمانی عادی تلقی می‌شوند که خوددیده‌خودی، متناسب با سن کودک و به‌طور نامنظم رخ دهند. در مواردی هم که کودک با هم‌بازی خود مشغول بازی‌هایی با ماهیت جنسی است، چنانچه بازی یا اقدامی که در حال انجام است با توافق طرفین و بدون اعمال خشونت و ترس و اضطراب برای یکی از طرفین باشد و نیز کودکان از نظر سنی و جنسی شبیه هم باشند، می‌توان این رفتار را عادی و طبیعی تلقی کرد. همان‌طور که گفته شد، هدف از آموزش جنسی این نیست که عملکرد جنسی را به کودک یاد دهیم یا اتفاقی را که افراد بزرگ‌تر تجربه می‌کنند به او تفهیم کنیم بلکه باید با توجه به سن و جنسیت کودک، از رفتار جنسی‌ای که از خود بروز داده است، برای آموزش وی استفاده نماییم. برای مثال، هنگامی که می‌خواهید لباس عوض کنید و بچه کنجکاو است بدن لخت شما را ببیند، آن هنگام است که باید حفظ حریم خصوصی را یاد بگیرد یا زمانی که از روی کنجکاوای جنسی بیش از حد متعارف به برخی نقاط خصوصی بدن مادر خود دست می‌زند، در اینجا نوع گفت‌وگوی مادر با کودک را و اینکه این گفت‌وگو چگونه انجام شود، والدین باید یاد بگیرند. همچنین اینکه در چنین موقعیتی چه بگویند و چگونه بگویند. در همین سناریویی که توضیح داده شد،

پدر یا مادر باید از موقعیت برای آموزش حریم خصوصی به کودک استفاده کنند. والدین در مواجهه با چنین رفتاری از کودک باید به او القا کنند که تو دستت را در حریم خصوصی من گذاشتی و بعد حریم خصوصی را بدین صورت برای کودک تشریح کنند که حریم خصوصی یعنی جاهایی از بدن که هیچ کس به جز خودت و در نهایت مامان و بابا، آن هم اگر شرایط خاصی پیش بیاید، نباید به آن دست بزنند. این نوع تعامل باعث می‌شود کودک از همان کودکی یاد بگیرد که کسی اجازه ورود به حریم خصوصی او را ندارد و او هم اجازه ندارد وارد حریم خصوصی دیگران شود. در ادامه آن گفت‌و شنود، مادر باید به آرامی دست کودک را از جای قبلی بردارد و در قسمت دیگری از بدن - که جز حریم خصوصی مادر نیست - بگذارد. این نوع رفتار علاوه بر آموزش حریم خصوصی، به تأمین نیازهای روانی-عاطفی کودک از راه تماس بدنی و جسمی با مادر منجر می‌شود. یادمان باشد که تأمین نیازهای روانی-عاطفی کودک از طریق ابزار محبت کلامی و غیر کلامی به ویژه با رفتارهایی نظیر در آغوش گرفتن، نوازش کردن و بوسیدن کودک توسط والدین به تکامل ابعاد روانی و جنسی او کمک زیادی می‌کند.

مراقبت از کودکان

موضوع دیگری که خانم معصومی درباره رفتارهای جنسی کودکان به آن اشاره کرد، این بود که رفتار جنسی عادی رفتاری است خوداکتشافی و کودک خودش آن را درمی‌یابد و به دنبال درک احساسی خوشایند از انجام این رفتار، کودک به تکرار آن ترغیب می‌شود. علت این ترغیب قصد و نیت و انگیزه جنسی شبیه به آنچه در بزرگسالان اتفاق می‌افتد نیست بلکه کودک به تجربه متوجه می‌شود که اگر ناحیه تناسلی‌اش را تحریک کند و یا آن را به جای سفت مثل زمین، تشک یا صندلی بمالد، حس خوب و توأم با لذتی را درک خواهد کرد.

این رفتار بدون هیچ قصد و نیت قبلی و نه از نوع جنسی تکرار می‌شود و فرایند آن کاملاً خوددیده‌خودی یا رفلکسوژنیک^۲ است. کودک بدون آنکه بداند این کار ماهیت جنسی دارد، آن را انجام می‌دهد یا تکرار می‌کند. این رفتار منجر به انتقال پیغام‌های جنسی از پایین (ناحیه تناسلی) به بالا (مغز به‌عنوان مهم‌ترین ارگان جنسی و محل درک لذت) در کودک می‌شود. بنابراین، مواجهه والدین با این‌گونه صحنه‌های رفتاری کودکان نباید سبب قضاوت جنسی شود بلکه والدین با کسب دانش در زمینه رفتار جنسی کودک، باید با استفاده از رفتارهای جایگزین از تکرار این‌گونه رفتارها پیشگیری کنند.

به اعتقاد این کارشناس رفتارهای جنسی، نقش مراقبان کودک در تربیت جنسی اگر از والدین پررنگ‌تر نباشد، کم‌رنگ‌تر هم نیست. وی ضمن اشاره به این موضوع گفت: «یک کودک در بالاترین حد باید توسط سه نفر مراقبت شود: پدر، مادر و نفر سوم که جایگزین والدین خواهد بود که معمولاً مربی مهد کودک است. مراقبت از کودک توسط بیش از سه نفر در همه زمینه‌های تربیتی به‌ویژه تربیت جنسی مشکل‌آفرین خواهد بود.» دکتر معصومی با اشاره به سبک زندگی امروزی خانواده‌ها تشریح کرد: «کودک صبح در مهدکودک است، ساعت ۱۲ به بعد نزد مادر بزرگ، خاله، عمه، خانم همسایه و... است و تا به خانواده اصلی خود برسد، چند دست می‌چرخد. این شرایط با اصول تربیت جنسی کودک در یک راستا نیست؛ زیرا برای آموزش و تربیت جنسی، والدین و یا مراقب کودک باید با هماهنگی قبلی به طرح سناریوهای آموزشی و تربیتی بپردازند و این سناریوها را در حضور کودک پیاده کنند. از طرفی، حضور کودک در فضاهای مختلف و ارتباط و تعامل با افراد متفاوت هم از نظر سنی و هم از نظر جنسی از جمله موارد مهم دیگر است. هم‌بازی شدن کودک با کودک دیگری که چند سال از او بزرگ‌تر است ممکن است منجر به بروز رفتارهای

موفق بوده است اما قطعاً برای نسل امروز با توجه به نقش وسایل ارتباط جمعی پاسخگو نخواهد بود. همچنین، دور باطلی نیز در این زمینه بین والدین و اولیای مهدکودک و مدرسه برقرار است؛ به گونه‌ای که والدین این مسئولیت را به دوش اولیای مهد و مدارس می‌اندازند و به عکس. حتی اگر اولیای مدرسه هم در این زمینه فعالیتی داشته باشند، به دلیل نبود تعامل میان والدین و مربیان و معلمان در زمینه محتوا و چگونگی اجرای چنین برنامه‌ای، تأثیرگذاری آن در خور توجه نخواهد بود. ایشان با تأکید مجدد بر نقش خانواده و اولیا و مربیان، از مهدکودک‌ها و مدارس به عنوان دورکن مستقیم و تأثیرگذار در زمینه سلامت جنسی کودکان و نوجوانان، نام برد و در این زمینه ما نیازمند برنامه‌ریزی مبتنی بر الگوهای فرهنگی و دینی و به عبارتی «بومی» برای کشورمان هستیم. استفاده از متخصصان و مشاوران متبحر در این زمینه گام مهمی در تأمین سلامت جنسی کودکان و نوجوانان خواهد بود. باید بیاموزیم که به جای رفتارهای پلیسی و سرکشی دائمی و تعقیب و گریز با کودک و نوجوان خود رفتارهای جنسی آن‌ها را بشناسیم، آن را بخشی از روند تکامل طبیعی تلقی کنیم و بکوشیم با درک بهتر رفتارهای جنسی، فرزندانمان را هدایت، مدیریت و جهت‌دهی کانالیزه کنیم و از این طریق آنان را در مسیر زندگی جنسی سالم قرار دهیم. دستیابی به این اهداف جز با توانمندسازی والدین و اولیا و مربیان مهدکودک‌ها و مدارس از راه آشنا کردن آنان با اصول و مبانی و راهبردهای تربیت جنسی کودکان مسیر نمی‌شود.

پی‌نوشت‌ها

1. Sexuality
2. reflexogenik



عکاس: غلامرضا بهرامی

جنسی

پنهان و غیرمنطبق

با سن کودک شود و لذا خطر آسیب جنسی را در کودک بالا می‌برد. خانم معصومی در پایان به عوامل مخدوش کننده تکامل سالم جنسی در کودکان اشاره کرد و سابقه قربانی شدن جنسی در گذشته، محیط پر تنش و توأم با اضطراب خانوادگی، خشونت والدین علیه هم و یا علیه فرزندان، وابستگی نامتعارف فرزند به والدین، رشد کم مهارت‌های اجتماعی (بچه‌هایی که مدام از حضور در جمع و رفتارهای جمعی منع شده‌اند)، مواجهه کودک با فیلم‌ها، کلیپ‌ها و صحنه‌های جنسی چه در فضای حقیقی و چه در فضای مجازی را از جمله مهم‌ترین عوامل خدشه به تکامل جنسی کودک دانست. او در پایان گفت: «متأسفانه در حال حاضر نه والدین زیر بار مسئولیت تربیت و آموزش جنسی کودکان و نوجوانان ما می‌روند نه نظام آموزش و پرورش ما. زیرا رویکرد غالب این است که این موضوع فطری است و بنابراین، تکامل جنسی بچه‌ها هم به فطریشان وا گذاشته شده است. این در حالی است که به دنبال رفتارهای مبتنی بر سعی و خطا، احتمال بروز آسیب‌های زیادی وجود دارد. این تفکر در مدیریت رفتارهای جنسی در نسل‌های قبلی شاید به ظاهر

تربیت جنسی باید از بدو تولد در برنامه مراقبتی کودک قرار گیرد و والدین یا مربیان مراکز پیش دبستانی باید دوره‌های آموزشی لازم را در این زمینه بگذرانند



اشاره

یکی از توانایی‌های منحصر به فرد و خاص انسان نسبت به سایر موجودات، نیروی تفکر و مسئولیت نشئت گرفته از آن است. چرا که به دلیل برخورداری انسان از قدرت تفکر و نیروی اراده و تصمیم‌گیری، مسئولیت انتخاب و عمل برعهده او گذاشته شده است؛ با توجه به اینکه هر قدر از نیروی تفکر بیشتر استفاده شود، به همان میزان احتمال موفقیت و پیشرفت نیز افزایش می‌یابد. از این‌رو، مبحث تفکر از مباحث بنیادی در فرایند آموزش و توسعه واقعی و همه‌جانبه به‌شمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها: آموزش تفکر، آموزش فلسفه، اعتماد به نفس، همکاری

امروزه صرف انتقال معلومات و وا داشتن کودکان به حفظ آن‌ها در ذهن کودک خویش کافی نیست؛ چرا که آن‌ها باید بیاموزند که به خوبی گوش دهند، فکر کنند، مباحث را تجزیه، تحلیل و استدلال نمایند و در قضاوت‌هایشان به معیارهای صحیح توجه کنند. آنان باید درک کنند که بدون تقلید صرف از دیگران، بهترین‌ها را انتخاب کنند. چنان‌که قرآن مجید نیز در سوره زمر می‌فرماید: «بشارت باد به بندگان که سخنان را می‌شنوند و از بهترین آن‌ها پیروی می‌کنند».

بنابراین، اگر نیروی تفکر را در کودکان به گونه‌ای مطلوب پرورش دهیم، قطعاً آینده روشنی در انتظار آن‌ها خواهد بود و به تبع آن، مشکلات جامعه تا حد قابل توجهی کاهش خواهد یافت؛ چرا که کلید حل مشکلات و مسائل، تفکر صحیح و منطقی است.

از این‌رو، خانه و مراکز آموزشی پیش از دبستان و دوره دبستان باید زمینه را فراهم کنند تا استعداد های کودک به تدریج شناسایی گردد به گونه‌ای که مفاهیم را بیاموزد و برای بیان افکار، از آن‌ها استفاده کند؛ او باید بتواند مفاهیم را ترکیب و تنظیم کند و به تدریج بیاموزد که برای حل مسئله یا مشکلی که با آن مواجه شده است، بیندیشد و در عین حال، از اندیشیدن لذت ببرد؛ زیرا روش تفکر فی نفسه تجربه‌ای از زندگی است.

فکر کردن از همان دوره کودکی آموخته می‌شود و نقش محیط اطراف و مربیان را در آموزش آن نمی‌توان نادیده گرفت.

تفکر یکی از ضروریات زندگی بشر است که از طرق مختلف، از جمله «آموزش فلسفه»، پرورش می‌یابد.

به‌طور کلی، آموزش فلسفه به دو شکل صورت می‌گیرد:

۱. انتقال اندیشه‌های فلسفی به یادگیرندگان؛

۲. یاد دادن چگونه اندیشیدن.

اگر فلسفه را به معنای فلسفیدن و تفکر کردن در نظر بگیریم، مفهوم صحیح آموزش فلسفه به کودک را درمی‌یابیم.

«آموزش فلسفه به کودکان» به معنای آموزش «نظریات فلسفی یا تاریخ فلسفه» به آنان نیست بلکه به معنای پرورش قدرت تفکر و بالا بردن توانایی آن‌ها در بحث کردن است. کودکان ذاتاً موجوداتی متفکر، خلاق و کاوشگرند که باید استعدادهای بالقوه‌شان به خوبی شناسایی شود و پرورش یابد. مطالعات و تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که دوران دانشگاه برای آموزش مهارت‌های ذهنی و استدلالی افراد بسیار دیر است و باید این کار را از کودکی شروع کرد؛

اجرای برنامه آموزش فلسفه به کودک بر او تأثیراتی دارد؛ از جمله:

- رشد اعتماد به نفس و خودباوری؛

- ایجاد روحیه تعاون و همکاری؛

- ایجاد علاقه به ارتباط کلامی و غیر کلامی با گروه هم‌سالان. از آنجا که انجام موفقیت‌آمیز هر برنامه‌ای، مستلزم تمهیداتی است، برای اجرای برنامه «پرورش تفکر» نیز ابزار گوناگونی لازم است که مربی با مهارت خاص خود، از آن ابزارها به عنوان زمینه‌ای برای برانگیختن تفکر کودکان بهره می‌برد و به این ترتیب، در شروع و ادامه بحث می‌کوشد از آن‌ها برای رسیدن به این هدف استفاده کند. جذاب‌ترین و در دسترس‌ترین ابزار برای این کار داستان‌های فکری هستند؛ چرا که داستان فکری به راحتی می‌تواند کودک را جذب، و قدرت تخیل او را بارور سازد. داستان فکری مناسب، هیجانات کودکان را برمی‌انگیزد و سؤالاتی در ذهن پویای آنان ایجاد می‌کند که زمینه را برای پرسش و بحث فراهم می‌سازد. چنین داستان‌هایی می‌توانند با ایجاد حس همدلی، مؤثرترین روش برای هدایت کودکان به سمت هدف طرح مورد نظر یعنی «آموزش فلسفه به کودک» باشند.

دکتر ژیلا عزیزی

دکترای تخصصی علوم تربیتی

تفکر، قطعه‌ای گم‌شده از جورچین تعلیم و تربیت کودک

توجه داشته باشند:

* به کودک و حرف‌هایش احترام بگذارند.
* کودک ممکن است دربارهٔ چیزی فکر کند که بزرگ‌ترها و متفکران - که همهٔ وقیشان را برای فکر کردن دربارهٔ این چیزها صرف می‌کنند - کاملاً متوجه آن نباشند.
* باید به کودکان گوش داد؛ زیرا آن‌ها گاهی مطالب واقعاً جالبی برای گفتن دارند و بزرگ‌ترها را به چیزهایی راهنمایی می‌کنند که تا به حال به آن‌ها توجه نکرده‌اند!
نکته‌ای که مهم به نظر می‌رسد این است که اگر کودک حرف‌های عجیب و غریب و دور از ذهن یا خنده‌دار (البته از نظر ما بزرگ‌ترها) می‌زند، باید در برخوردمان با او دقت لازم را داشته باشیم.

متیوز معتقد است که مرز بین تفکر کودک و بزرگسال «تخیل» است. ما بزرگ‌ترها، شاید به دلیل مشغله‌های زندگی، همیشه کمبود تخیل داریم؛ در حالی که اگر تخیل خود را کمی قوی‌تر کنیم، وقایع تلخ زندگی، قابل تحمل‌تر می‌شوند. پس باید این کار را از کودکان بیاموزیم. برای رسیدن به این منظور، کودکان فرصت بیشتری دارند تا زندگی تخیلی خویش را توسعه دهند؛ در حالی که ما با جدا کردن دنیای خود از کودکان، اجازه نمی‌دهیم آن‌ها وارد دنیای ما شوند و طبیعتاً ما هم به دنیای آن‌ها وارد نمی‌شویم. ما در دنیای متفاوتی زندگی می‌کنیم و چندان توجهی به دنیای کودکان نداریم و این، اساسی‌ترین و بزرگ‌ترین اشکال کار ماست!

رابرت فیشر در مقدمهٔ کتاب «داستان‌هایی برای فکر کردن» هدف را رشد و توسعهٔ فکر کردن، یاد گرفتن و مهارت‌های زبانی ذکر کرده و معتقد است داستان‌ها بهترین بستر برای پرورش مهارت‌های یاد شده هستند. بر این اساس، داستان‌هایی از فرهنگ‌های مختلف و ملل گوناگون جمع‌آوری شده و مبنای برنامه‌های آموزشی مدارس ابتدایی قرار گرفته است. سپس از هر داستان دو مجموعه سؤال با عنوان «طرح بحث» استخراج شده است. مجموعهٔ اول با عنوان «تفکر دربارهٔ داستان» که سؤال‌هایی را مطرح می‌کند تا توجه کودکان را به ماجراهای مطرح شده در داستان جلب کند و آن‌ها را به تفکر وا دارد. مجموعهٔ دوم شامل سؤال‌هایی با عنوان «تفکر دربارهٔ درون‌مایهٔ اصلی داستان» است. موضوع اصلی داستان‌ها،

پروفسور لیپمن طی پژوهش‌های خود به این نتیجه رسید که بسیاری از دانش‌آموزان و حتی دانشجویان قدرت استدلال و داوری صحیح ندارند که این خود نتیجهٔ عدم آموزش تفکر و استدلال به آن‌ها در دوران کودکی است.

در حال حاضر، مشاهده می‌شود که بسیاری از نوجوانان و جوانان ما با تفکر بیگانه‌اند. آن‌ها گاه حرف‌هایی می‌زنند و رفتارهایی می‌کنند؛ بدون اینکه قبلاً در مورد آن‌ها اندیشیده باشند. به همین دلیل هم با مسائل یا مشکلاتی مواجه می‌شوند. در مرحلهٔ بعد نیز از حل مشکلات به وجود آمده عاجزند و طبیعتاً در دسرهای عدیده‌ای دامگیرشان می‌شود که گاهی دیگران را هم درگیر می‌کند. همهٔ این موارد به دورهٔ کودکی آن‌ها مربوط می‌شود. پس از دوران کودکی، یعنی قبل از سنین ورود به دبستان، باید به این مسئلهٔ مهم پرداخت.

لیپمن به همین دلیل برنامهٔ جدیدی با عنوان «آموزش فلسفه به کودکان» را با هدف بهبود تفکر و استدلال کودکان، طراحی کرد.

او در این برنامه به داستان توجه خاصی نشان داده و داستان‌های متعدد فلسفی نیز برای کودکان نوشته است.

تحقیقات متعددی در زمینهٔ تأثیر آموزش فلسفه بر بهبود تفکر و استدلال کودکان انجام گرفته است که تأثیر این برنامه را کاملاً تأیید می‌کند. شواهد به دست آمده در بیش از پنجاه کشور، نشان داده است که آموختن فلسفه به رشد مهارت‌های فکری و استدلال در کودکان کمک شایانی می‌کند. در کشور ما نیز باید به این مورد به‌طور ویژه توجه شود. قطعاً برای رشد مهارت‌های فکری و استدلال در کودکان ایجاد نگرش و ارائهٔ آموزش‌های مطلوب به مربیان ضروری است.

یک روش خوب می‌تواند زمینهٔ مناسبی برای پرورش تفکر به وجود آورد؛ البته در صورتی که مربی ذهنی باز و فلسفی داشته باشد. در این صورت، حتی شاید به برنامهٔ درسی مدون هم نیازی نباشد؛ کافی است از مطالب موجود، به خوبی استفاده شود (البته این مربوط به زمانی است که مربیان کودک به‌طور ویژه آموزش دیده باشند).

بنابراین، باید درصدد تغییر نگرش مربیان باشیم!

نقش مربی در این راستا بسیار مهم است و ایجاد مهارت‌های فکری و استدلال با آموزش‌های خاص امکان‌پذیر می‌شود. آری؛ مربیان باید به چند نکتهٔ مهم





اشاره

دوران کودکی سرشار از عاطفه و هیجانی است که سرچشمهٔ مکاشفهٔ کودک می‌شود و اگر از طرف بزرگسالان درک شود، خلاقیت آغاز می‌گردد و دریچه‌های روشنایی در ذهن و تجسم کودک گشوده می‌شود. آموزش یک‌طرفه هرگز ذهن و تخیلات کودک را آن‌چنان که باید، وسعت نمی‌بخشد بلکه در ارتباطی زنده بین مربی و کودک معنا پیدا می‌کند و به نوآوری می‌رسد. در چنین شرایط خلاق وظیفهٔ مربی بسیار حائز اهمیت است؛ چون اوست که با عشق و عاطفه به قلب کودک راه می‌یابد و با دانش و خلاقیت توأم با نواندیشی جهان کودک را هر لحظه نو می‌کند و باعث می‌شود که او نسبت به محیط پیرامونش احساس ایمنی کند، به سرعت به قدرت‌های فعال برسد، ایده‌پردازی کند و با مشارکت مربی، ایده‌هایش را به مرحلهٔ عمل برساند. با وجود او، کنجکاوی‌های کودک بروز می‌کنند و حمایت می‌شوند... اینجاست که کودک دیگر احساس تنهایی نمی‌کند و متناسب با شرایط سنی خود خوب می‌بیند، دقیق می‌شناسد و زیبا می‌گوید. چراکه خود را یافته است و در این راستا، مربی مهربان و دانا تکیه‌گاه اوست؛ به کنجکاوی‌هایش اهمیت می‌دهد و کمک می‌کند تا پاسخ‌های متعددی برای سؤالانش بیابد.

کلیدواژه‌ها: خلاقیت، کودکان، هنر، بازی

سال‌هاست که در بخش پیش‌دبستانی با کودکان ۴ تا ۶ ساله فعالیت دارم و در آموزش به کودکان، عشق و همدلی با آنان را هرگز فراموش نکرده‌ام. هر کودک برای من شخصیتی است که زیباترین ذهن را می‌تواند داشته باشد. سلطانی است که بر شانه‌هایم می‌نشیند تا دنیا را بهتر ببیند. در دنیای کودکان، تمام وجودم سرشار از شادی و لبخند می‌شود و ذهنم برای هزاران بار آغازی نو پیدا می‌کند.

در هر جلسه، قبل از هر کاری به چهره‌هایشان نگاه می‌کنم و یک به یک ستاره‌های چشم‌هایشان را می‌شمارم و با کلامی شمرده و صدایی که در شروع کلاس رسانتر است و در پایان خشن‌دار می‌شود حرف می‌زنم؛ مثل یک بازیگر تئاتر در صحنه

مواردی چون خشم، دوستی، آزادی، انصاف، زیبایی، تغییر، ترس و مرگ و... است.

بعد از طرح بحث‌ها، در ادامهٔ هر داستان تعدادی فعالیت تکمیلی مطرح می‌شود که محور آن‌ها پرورش خلاقیت و قوهٔ تخیل در کودکان است.

به عقیدهٔ رابرت فیشسر، هر داستان می‌تواند محرکی برای به فکر واداشتن کودکان باشد؛ به شرط آنکه یک معلم یا مربی، دربارهٔ آن (اعم از وقایع داستان یا مفاهیم مطرح شده در آن) سؤال‌هایی طرح کند.

او معتقد است باید به کودکان یاد بدهیم که خوب فکر کنند و این میسر نمی‌شود مگر با ارائه دادن کلمات و جملات به آن‌ها، خوب گوش کردن به حرف‌هایشان و انعکاس افکار آن‌ها به خودشان.

به عقیدهٔ وی در اثر آموزش نامناسب مربیان، کودکان همیشه منتظرند که پاسخ سؤال‌هایشان را از آنان بگیرند؛ در حالی که همین سؤال‌هایی که از مسائل برمی‌خیزند، شرایط را برای تفکر فراهم می‌کنند!

«فلسفه برای کودکان» عنوانی ویژه برای برنامهٔ درسی آموزش فلسفه‌ورزی به کودکان تا هجده سال است. این برنامهٔ درسی مانند هر برنامهٔ درسی دیگر باید با نظام آموزش و تربیت معلم و فرهنگ کشور هماهنگ شود تا بتواند اهداف آموزشی خود را دنبال کند.

افکار انسان مرحله‌به‌مرحله به پختگی می‌رسد. سرعت رشد و ارتقای افکار کودک از یک مرحله به مرحلهٔ بالاتر تابع استعداد فطری و موقعیت‌های محیطی است که کودک در آن‌ها به سر می‌برد. به عبارتی، یک کودک ممکن است با وجود رشد جسمی خوب، به سبب نامساعد بودن شرایط محیطی رشد فکری خوبی نداشته باشد و در مرحلهٔ فکری پیشین خویش باقی بماند یا رشد فکری او به آهستگی صورت پذیرد. بنابراین، بسیاری از افراد در جوامع مختلف هرگز به بلوغ فکری نمی‌رسند.

منابع

۱. فیشسر، رابرت. (۱۳۸۵). آموزش تفکر به کودکان. مترجمان: مسعود صفایی مقدم و افسانه نجاریان. اهواز: انتشارات روش.
۲. قاندری، یحیی. (۱۳۸۳). آموزش فلسفه به کودکان. تهران: انتشارات دواوین.
3. Lipman, M. and sharp, A.M. and oscanyan, F.S. (1980): philosophical inquiry: instructional Manual to Accompany Harry. Secound Edition. Montclair, N.J.: (IAPC).
4. Lipman, M. (1984): The cultivation of reasoning through philosophy. Education leadership 42: 1. 51-6.
5. Lipman, M. (1988): "Critical thinking, what can it be"? Educational leadership, Vol. 40. No.1.
6. Lipman, M. (1995): Moral education, higher-order thinking and p4c. Early child Development and care. Special edition. Forthcoming.



کارگاه هنر خلاق

فریمه تابعی

کارشناس هنر کودک و نوجوان

کلاس

بازی می‌کنم و برای

تمرکز بیشترشان کلیدها را می‌زنم تا

چراغ‌ها خاموش و سپس روشن شوند. هر بار مطلبی نو،

حسی نو و دریچه‌هایی تازه با خود به ارمغان می‌آورم. کلاس

کودکان سرزمین پادشاهی من است؛ پادشاهی که با انرژی

کودکان هر صبح جان می‌یابد. بعد از پایان گفت و شنودهای

لازم، سکوت می‌کنم تا این بار آن‌ها بگویند، بپرسند، انتخاب

کنند، ایده‌پردازی کنند و سپس بیافرینند. گاهی در فضای

بیرون از کلاس، در طبیعت کار زیست‌محیطی انجام می‌دهیم.

برای مثال، پاییز که آغاز می‌شود، داستان لانه‌سازی پرندگان

را می‌گویم. سپس وسایلی را که از بازیافت‌ها جمع کرده‌ام، در

اختیارشان می‌گذارم. لانه‌ها را با اِپل‌های لباس، پوسته‌های

نارگیل، ظروف یک بار مصرف پنیر، کاغذ مچاله شده و یا

کاموا و هر چیزی که کودکان پیشنهاد بدهند، می‌سازیم و

من نحوهٔ چسب زدن و استفاده از ابزار مختلف را آموزش

می‌دهم و زمانی که کودک احساس نیاز کند، با او هم‌فکری

و همراهی می‌کنم. گاهی دستیارش می‌شوم و چند لحظه

کمکش می‌کنم و خیلی زود عقب‌نشینی می‌کنم. لانه‌ها که

ساخته شدند، داخل آن‌ها کمی ارزن، خرده برنج و گندم

می‌ریزند و هر کس لانه‌اش را آماده می‌کند. به کمک من، آن

را لابه‌لای شاخه‌ها می‌گذارند و سپس روی مقوا طرح پرندۀ

خود را می‌کشند و آن را رنگ و تزیین می‌کنند. بعد، دور

پرندۀ‌های روی مقوا را می‌بریم و آن‌ها را جدا می‌کنیم و روی

درخت‌ها می‌گذاریم. پس از ساخت لانه‌ها و پرندگان، همه

دست هم را می‌گیریم؛ دور درخت حلقه می‌زنیم و «بشین و

پاشو» و «بپر و ببر» بازی می‌کنیم.

آشنایی کودک با درون بدن انسان هم جالب است و می‌توان

با ترفندهایی آن را برای کودک جذاب و به یادماندنی کرد.

برای این کار، مقوای رنگی را با چسب به هم وصل می‌کنیم.

یک صفحهٔ بزرگ مقوایی به اندازهٔ در کلاس را روی میز

می‌گذارم

و یکی از کودکان

داوطلبانه روی آن می‌خوابد. دو نفر دیگر

هر کدام از یک طرف دور تا دور بدن کودک خوابیده را

روی مقوا می‌کشند. پس از اتمام این خط‌کشی‌ها، گروه‌های

دو یا سه نفره قسمت‌های مختلف بدن را رنگ‌آمیزی

می‌کنند و به جای مفاصل زانو از درهای پلاستیکی، برای

مفصل‌های مچ دست و پا و چشم‌ها از درهای نوشابه، و به

جای دندان‌ها از قند استفاده می‌کنند. شکل قلب را نقاشی

می‌کنند؛ به جای روده‌ها روبان‌های رنگی و به جای موها

کاموا یا رشته‌هایی از کاغذ کلاژ می‌کنند و جای ناخن‌ها را

نقل یا دکمه‌های کوچک می‌گذارند. زمانی که کلاژ ساختار

بدن انسان تمام شد، در اطراف آن تصاویری را که دوست

دارند به صورت گروهی با ماژیک یا پاستیل شمعی دور تا

دور نقاشی می‌کنند. سپس کار تمام شده را با هم بلند

می‌کنیم و روی در کلاس می‌چسبانیم. آن‌گاه، از روبه‌رو به

تابلو حیرت‌انگیزشان می‌نگرند و احساس قدرت و توانایی و

کشف چیزهای جدید می‌کنند.

من در طول سال‌های تدریس خود به این نتیجه رسیده‌ام

که بهترین و شیرین‌ترین راه آموزش، استفاده از هنر و

شگردهای هنری‌ست؛ به‌خصوص در دورۀ پیش‌دبستانی؛

چون قوای حسی کودک فعال است و همچنین شناخت

حسی دارد، این کار برایش لذت‌بخش می‌شود و در

عمق ذهن او تا سالیان دراز باقی می‌ماند. آموزش توأم با

خلاقیت‌های هنری، ارزش‌های زندگی را نیز در بطن خود

دارد؛ ارزش‌هایی مثل شادی، صلح، احترام به هم‌نوع و صبر

و شکیبایی.

پیشنهادهای مناسب ویژه مربیان و خانواده

مجید کاظمی
معلم هنر متوسطه اول، قزوین

حیوان بامزه‌ای را مشاهده می‌کنند. اشعار کتاب آهنگین و کلمه‌های آن درشت و واضح‌اند:

خوب این کتاب ساده/ الفبا یادمون داد
به باغ وحشمون برد/ حیوانارو نشون داد
با شعر و با نقاشی/ تمامشونو جون داد
این کتاب را نشر نظر روانه بازار کرده است.

پیشنهاد فیلم

مطمئناً شما هم به ما حق می‌دهید اگر بگوییم این روزها دنیای فیلم و کارتون از افراد ۲ ساله تا ۱۲۰ ساله را شامل می‌شود! پس، محدودیت ایجاد کردن برای گروه پیش‌دبستانی کمی سخت است ولی پیشنهادهای ما در این بخش، شما را راهنمایی می‌کند که کجای فیلم به درد دنبال فیلم خوب برای بچه‌های خوبمان باشیم. در ضمن، قسمتی از این برنامه‌ها را می‌توانید از آپارات، بارگیری کنید و ببینید.

آفتاب‌گردون

برنامه «آفتاب‌گردون» که این روزها برای کودکان تولید می‌شود، یک سرگردون بالاتر از رقیبان آموزشی‌اش قرار گرفته است. ویژگی برنامه، موضوع آن است که درباره مسائل مذهبی و دینی ما مسلمانان است. مهم‌ترین دلیل خوب بودن برنامه آفتاب‌گردون،

کتاب می‌خواهد کودک را به همراهی با کرگدن قصه تشویق کند. پس می‌توانید به کمک کودکان صفحه به صفحه به دنبال حیوانات بگردید، آن‌ها را کشف کنید و بلند بلند بخندید. این کتاب را «خوزه آرونگو» تألیف و تصویرگری کرده است. اگر خواستید کتاب را پیدا کنید، بدانید که انتشارات کانون پرورش فکری آن را منتشر کرده است.

آ اول الفباست

بسیاری از کتاب‌خوان‌ها با اسم «تورالدین زرین»



کلک آشنا

هستند. استاد بیشتر عمر خود را صرف تصویرگری کتاب و ساخت انیمیشن کرده است. این کتاب کم‌نظیر ایشان برای آموزش الفبای فارسی است و می‌خواهد با ترانه و تصویر برای بچه‌های قبل از دبستان دنیای شادی بسازد. در هر صفحه از کتاب، بچه‌ها با یک حرف از حروف الفبا آشنا می‌شوند و تصویر

اشاره

همان‌طور که می‌دانیم، بخش مهمی از برنامه آموزشی مربیان پیش‌دبستانی کتاب‌خوانی برای کودکان است. کودکان با کتاب می‌آموزند، تقلید می‌کنند و یاد می‌گیرند. دنیای ترانه و قصه و تصویر بخش مهمی از این کتاب‌ها را به خود اختصاص داده است. در این قسمت سعی می‌کنیم کتاب‌هایی را معرفی کنیم که مخاطبان و کارشناسان بسیاری به آن‌ها توجه نشان داده‌اند.

پنهان می‌شویم، پیدایمان کن

دقیقا درست حدس زدید! این کتاب درباره «قایم‌باشک» است؛ بازی‌ای که بیشتر بچه‌ها در سراسر دنیا با آن آشنا هستند. البته یک کتاب قایم‌باشک معمولی نیست. این کتاب کاملاً تصویری است و در آن کرگدن کوچولو چشم می‌گذارد تا حیوانات بامزه قایم شوند.



یا دانش‌آموزان عزیزتان و حتی برای ارضای کنجکاوی شخصی‌تان تهیه کنید. خواهش می‌کنیم بعد از خواندن پیشنهادها، نگویید این‌ها را نمی‌شود پیدا کرد. جوینده (همیشه) یابنده است. اگر نتوانستید آن‌ها را از فروشگاه‌های فرهنگی، کتاب‌فروشی‌ها و حتی به صورت اینترنتی تهیه کنید، بعد از خواندن فهرست چهار صفحه‌ای ما، کنجکاوی‌تان برای انتخاب آثاری خوب برطرف می‌شود.

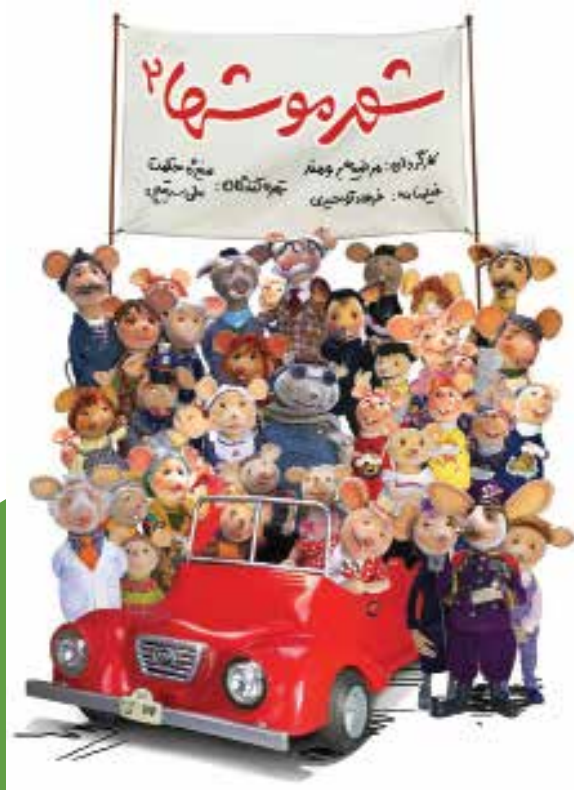
فارسی‌آموز ادبی

اگر می‌خواهید بدانید چرا کتاب «فارسی‌آموز ادبی»، یک کار بسیار خوب درباره ادبیات فارسی است باید بدانید این کتاب مجموعه‌ای از مهارت‌های چهارگانه سواد شامل شنیدن، گفتن، خواندن و نوشتن است و سعی دارد با داستان‌های کوتاه و بازی، مهارت‌های خواندنی و نوشتنی را در کودکان تقویت کند. این کتاب در واقع یک مجموعه دوتایی شامل خواندن و کارورزی است که در آن شخصیت بامزه‌ای به نام «نخودی» از داستان‌ها و تجربه‌های زندگی‌اش حکایت‌ها دارد. مؤلف کتاب محمدهادی محمدی است و نشر چیستا آن را منتشر کرده است.

کتاب کار مربی کودک ویژه مربیان و والدین

بسیاری از همکاران ما در آموزش پیش‌دبستانی می‌دانند که آموزش غیرمستقیم به همراه بازی و شادی در تربیت مناسب کودکان نقش مهمی بازی می‌کند.

در این راه «توران میرهادی» را جماعت بسیاری می‌شناسند؛ پیر آموزش و فرهنگ. میرهادی در این کتاب به نقش فعالیت‌های مختلف علمی، محیط زیستی و کارهای دستی کودکان و انواع بازی‌ها می‌پردازد و



موش‌ها» را ساخته است. اما از کیفیت ساخت چه بگوییم که هم فیلم‌نامه دندان‌گیر و قوی دارد و هم عروسک‌ها خیلی خوب‌اند. هم دکور فیلم جالب شده و هم فیلم‌برداری آن. خلاصه اگر قصد دارید یک فیلم سینمایی با کیفیت و خوب به همراه بچه‌های پیش‌دبستانی ببینید، شهر موش‌های دو را از فروشگاه‌های فرهنگی تهیه کنید و با عشق و لذت ببینید.

فقط لازم به یادآوری است قسمت‌هایی از فیلم که «اسمش رو نبر» در آن‌ها حضور دارد، مثل قسمت قبلی نفس‌گیر شده است! پس، حتماً کنار بچه‌ها بنشینید و از کنارشان تکان نخورید!

از این شماره می‌خواهیم کلی کتاب، فیلم، بازی و محصولات خوب به شما مخاطبان عزیز پیشنهاد کنیم. این پیشنهادها ممکن است برایتان جالب باشد یا بخواهید آن را برای کودک دل‌بندتان

ایده‌نو و جالبش در کنار اجرای خوب تلویزیونی آن است و در انتها یک مجری خوب و خوش‌خنده که اتفاقاً روحانی و بسیار محبوب است.

داستان کلی برنامه این است که «توتو» پرنده‌ای است که با خانواده‌اش روی مناره مسجد محله آفتاب‌گردون لانه دارد. او هر روز به همراه بچه‌های این محله برای بازی به بهشت کودکان می‌آید؛ جایی که عموی روحانی و مهربان ما وقتی می‌خواهد برای به‌جای آوردن نماز به مسجد برود، همیشه از آنجا عبور می‌کند.

این برنامه صبح و ظهر از شبکه پویا در حال پخش است.

شهر موش‌های ۲

کسانی که عاشق سینه‌چاک سینمای کودک هستند، از «مرضیه برومند» به نیکی و افتخار نام می‌برند؛ قصه‌های تاب‌تاه، خونه مادر بزرگه و الی آخر. این بار مرضیه برومند نسخه شماره دو «شهر

چرا این انیمیشن خوب و موفق را در قسمت موسیقی پیشنهاد می‌کنیم؟ چون هم فال است و هم تماشا. تعجب نکنید! هم انیمیشن تماشا می‌کنید، آن هم از نوع خوبش و هم موسیقی گوش می‌دهید، باز هم از نوع خوب. موسیقی این کلیپ ۸ دقیقه‌ای آن قدر خوب و جالب است که کودکان را وادار می‌کند چندین و چندبار این اثر خوب را ببینند. موسیقی این کار دست‌پخت دو موسیقی‌دان خوب کشورمان «عباس دبیردانش»، «امید فتح‌اللهی» و کارگردان آن «مهرین جواهریان» است. «بارون میاد جرجر» با محتوایی شعرگونه و آهنگین روایتی ساده از آداب و سنن فرهنگ ایرانی و به ویژه مراسم عروسی را در قالب فرهنگ عامه به نمایش می‌گذارد.

سبزه ریزه میزه

بسیاری از ما با صدای «حمید جبلی» آشنا هستیم؛ صدای پیشه شخصیت‌های محبوبی مانند کلاه‌قرمزی و پسر خاله. البته استاد قبل از اینکه صدایشه باشد، بازیگر است و در چندین کار خوب سینمایی مانند «مادر»، «دل‌شدگان» بازی کرده و دو فیلم سینمایی هم ساخته است.

این بار حمید جبلی در نقش خواننده، آلبوم خوب و شنیدنی‌ای را روانه بازار کرده که ارزش خریدن و چندبار شنیدن را دارد.

«سبزه ریزه میزه» آلبومی استاندارد، شاد و خوب است که در آن سُروده‌های شاعر خوب کشورمان، مصطفی رحماندوست، با آهنگ‌سازی «ملیحه سعیدی» ارائه شده است.

پیشنهاد برنامه

کافی است نگاهی به صفحه روی گوشی‌تان بیندازید تا متوجه شوید دنیای برنامه‌ها چطور محاصره‌تان کرده است. دلیل این مسئله فراگیری و دسترسی آسان به اپ و نرم‌افزارهای



پیشنهاد موسیقی

وجود ریتم و صدا در موسیقی باعث جذب کودکان و تمرکز آن‌ها در مفاهیم می‌شود. همان‌طور که ریتم شعر برای کودکان جالب است، موسیقی خوب می‌تواند تا مدت‌ها در یاد آن‌ها باقی بماند؛ مانند ترانه‌های مادرانه و لالایی‌ها. پیشنهاد موسیقی می‌خواهد آثاری را معرفی کند که در جهت رشد مفاهیم آموزشی و پرورشی گام برمی‌دارد.

بارون میاد جرجر

از تولیدات موفق و سرگرم‌کننده کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان انیمیشن خوب و با کیفیت «بارون میاد جرجر» است.



فهرستی از کارهای منتخب را برای کودکان معرفی می‌کند. این کتاب را می‌توانید از انتشارات آگاه تهیه کنید.

تنسی تاکسیدو و چاملی

ویژه مربیان و والدین

کسانی که در دهه پنجاه و شصت به دنیا آمده‌اند، احتمالاً ماجرای این دو حیوان بامزه و دوست‌داشتنی را به یاد دارند. البته خیلی مهم نیست که متولد این سال‌ها باشید تا طعم خوشبختی را بچشید! چون تلویزیون در حال پخش مجدد این مجموعه خوب و آموزنده از شبکه پویاست.

حالا شما و فرزند دل‌بندتان و یا کودک کنجکاوتان می‌توانید با هم پای تلویزیون بنشینید و از ماجراهای خوب و جالب این پنگوئن و شیر دریایی لذت ببرید.

فقط لطف کنید در انتهای هر قسمت از این انیمیشن، درباره موضوع و پیام آن با همدیگر گفت‌وگو کنید؛ چون تنسی تاکسیدو و چاملی زندگی کسالت‌بار باغ‌وحش را دوست ندارند و دائم به فکر فرار از این وضعیت ناخوشایندند.

در واقع، آن‌ها از شما می‌خواهند که از کسالت و بی‌کاری به سمت ایده‌های تازه فرار کنید.

موبایلی است. حالا ما می‌خواهیم آنچه را خوب است در میان برنامه‌های موبایلی و تبلتی معرفی کنیم.

شکل‌ها

گروه سازنده بازی‌های آموزشی «این‌تلی‌جوی» به تازگی اپلیکیشن جالب و آموزشی را برای کودکان پیش‌دبستانی منتشر کرده که از قضا روزگار داندودش رایگان است. به‌طور ساده بگوییم مخاطبان این نرم‌افزار می‌توانند شکل‌های مختلف را به وسیله بازی‌های جذاب و آموزنده یاد بگیرند. این بازی‌ها هم محیط گرافیکی خوب و قابل قبولی دارند و هم می‌توانند در مدل‌های مختلف قرار بگیرند؛ مثلاً شکل دایره در بشقاب یا شکل برش‌خورده میوه‌ها. خلاصه، گروه سازنده عنوان «کودکان شکل‌ها را یاد می‌گیرند»^۲ را روی برنامه گذاشته‌اند و انتظار دارند در صورت موفقیت برنامه دست به تهیه نرم‌افزارهای بعدی بزنند.

سنتور

ویژهٔ مربیان و والدین

حتماً تاکنون با نرم‌افزارهای خارجی و خوبی آشنا شده‌اید که به شما این امکان را می‌دهد پیانو بزنید و یا ملودی تولید کنید. ولی همان‌طور که می‌دانید، متأسفانه برنامه‌های ایرانی در این زمینه فضای رشد چندانی نداشته‌اند. از جمله کارهای خوبی که این روزها بسیار دست به دست می‌شود، برنامه سنتور است که هم به یک ساز کاملاً ایرانی پرداخته و هم به شکل علمی از روی دست استادان ایرانی برداشته شده است.

در ضمن، این نرم‌افزار امکانات قابل توجهی دارد که هر مخاطبی را ساعت‌ها مشغول می‌کند؛ مثلاً شما می‌توانید ملودی‌هایی را که می‌سازید، نت‌نویسی و یا ضبط کنید. برای دریافت این نرم‌افزار به بازار مراجعه و آن را به صورت رایگان بارگیری (دانلود) کنید.

پیشنهاد بازی

برای بچه‌ها هیچ چیز جدی‌تر از بازی نیست. شاید به همین دلیل است که بسیاری معتقدند که می‌توانیم مفاهیم بزرگ و عمیق را با بازی‌های ساده و جذاب به کودکانمان آموزش دهیم. در این بخش، به محصولاتی می‌پردازیم که برای شاد کردن کودکان تولید شده است.

توجه داشته باشیم که تهیه بازی‌های این بخش ممکن است به راحتی امکان نداشته باشد ولی در صورت تهیه می‌تواند شما را با دنیای شاد بازی‌ها آشنا کند.

ساعت شکلی

ویژگی ساعت شکلی این است که اعدادی درشت و رنگ‌هایی شاد و قابلیتی آموزشی و جذاب دارد. شاید به همین دلایل است که مخاطبان این بازی از آن راضی و خشنودند. عقربه‌های ساعت امکان حرکت راحت را به شما می‌دهد. هر کدام از اعداد به یک شکل طراحی شده‌اند و شما این امکان را دارید که شماره‌ها را بردارید و شمردن را به کودک یاد دهید. علاوه بر همه این‌ها، هر کدام از اعداد به یک رنگ درآمده‌اند و در کل، این ساعت می‌تواند وقت زیادی را از شما و کودک دلبندتان بگیرد. قطر این ساعت ۲۳ سانتی‌متر و ارتفاع آن ۷ سانتی‌متر است. اگر کمی حوصله داشته باشید می‌توانید آن را در اسباب‌بازی‌فروشی‌ها پیدا کنید و یا از طریق اینترنت آن را سفارش دهید.

کیک زادروز

بی‌شک همهٔ بچه‌ها جشن تولد را تجربه کرده‌اند ولی تنها چیزی که در این جشن تجربه نمی‌شود، برش زدن کیک تولد موردنظر است. این بازی تولید شده است تا بچه‌ها بتوانند این تجربه را انجام دهند. کیک زادروز یک چاقوی بی‌خطر و تعدادی شمع دارد که از این طریق

کودکان می‌توانند ضمن برش‌زدن کیک، با عمل تقسیم کردن به‌صورت عملی آشنا شوند.

قطر این کیک ۲۴ سانتی‌متر و جنسش از چوب است و کاملاً اندازهٔ انگشتان کوچک و دهن پویای بچه‌هاست.

جوجه‌لر

بدون شک یک اثر به یادماندنی آن هم به زبان ترکی است و مخاطبان بی‌شمار ترک‌زبان می‌توانند با تهیه آن برای کودکان در پیش‌دبستانی‌ها لحظات شادی را تجربه کنند.

«جوجه‌لر» محصول زحمات «غلامرضا میرزاده» و همکارانش در مؤسسهٔ «ندای ایماژ» تبریز است. آن‌ها در این اثر سعی کرده‌اند کاری استاندارد و خوب روانهٔ فضای فرهنگی کشور کنند.

به همراه این آلبوم دفتر نت آهنگ‌ها نیز منتشر شده و در فروشگاه‌های فرهنگی در دسترس علاقه‌مندان است.

از این گوشه تا اون گوشه

به قول «ساسان فاطمی»، پژوهشگر و کارشناس موسیقی، این روزها با ترویج



موسیقی اُرف، گوش شنونده‌های کم‌سن و سال به موسیقی غربی عادت کرده و این باعث شده است که مخاطبان ایرانی، موسیقی ایرانی را به شکل غربیه

و ناشناس ببینند. مهم‌ترین دلیل این مسئله این است که در این زمینه کار خوب، کم شده است.

«از این گوشه تا اون گوشه» به آهنگ‌سازی «لیلا حکیم‌الهی» سعی دارد موسیقی سنتی و ایرانی، مناسب با گوش کودکان و بچه‌های علاقه‌مند ارائه دهد.

در واقع، اجرای خوب و قابل قبول موسیقی سنتی، فضای شاد و اشعار خوب این مجموعه، قسمت مثبت و قابل توجه این آلبوم موسیقی است.

جورکردن حیوانات

برنامه جور کردن حیوانات، نرم‌افزاری خوب برای تقویت دقت، توجه و تمرکز در کودکان است. در این برنامه، جورچین (پازل) ناقص یک حیوان با تصویرسازی جذاب ارائه می‌شود و از کودک می‌خواهد با مقایسه کردن و صرف وقت کافی نیمه دیگر جورچین را بسازد.

به گفته سازندگان این نرم‌افزار، جورکردن حیوانات فقط یک بازی نیست بلکه فضایی برای یادگیری اسم حیوانات و داشتن یک باغ‌وحش جالب برای بچه‌هاست.

نکته جالب اینکه بارگیری نرم‌افزار مجانی است و قرار است کودکان را حسابی مشغول خودش کند.

بچه‌ها الفبا

«بچه‌ها الفبا» یک نرم‌افزار موبایلی وطنی با کیفیت و مناسب است که قصد دارد به کودکان پیش‌دبستانی و اول ابتدایی الفبا را آموزش دهد. پس، شما مربیان عزیز، اگر فکر می‌کنید آموزش‌هایتان در کلاس کافی نیست می‌توانید اولیا را تشویق کنید تا این

نرم‌افزار را روی گوشی‌هایشان نصب کنند. این اپ را گروه نرم‌افزاری «آرمیک»، متشکل از افرادی جوان و پراکنده در زمینه‌های برنامه‌نویسی، گرافیک، ساخت انیمیشن و دوبلاژ در استان گیلان ساخته و هدف آن آموزش الفبای فارسی به صورت جامع در قالب انیمیشن و بازی و سرگرمی به صورت تعاملی با کودک و همچنین تمرین‌های مختلف جهت ایجاد مهارت‌های بیشتر در کودکان سنین ۴ تا ۸ سال (مهدکودک - آمادگی - پیش‌دبستانی - دبستان) است. این نسخه دارای دو شکل آزمایشی و نسخه پولی است. مطمئن هستیم اگر از برنامه راضی باشید از طراحان وطنی حمایت می‌کنید و آن را می‌خرید.

مدرسه طبیعت نوج

ویژه مربیان و والدین

این روزها بسیاری از دست‌اندرکاران پیش‌دبستانی مدارس طبیعت‌گرا تأسیس کرده‌اند. این کار چند مزیت بزرگ دارد؛ یکی اینکه باعث می‌شود بچه‌ها به طبیعت علاقه بیشتری پیداکنند و یا بازی در گل و در بین درختان را درک کنند. دیگر آنکه به کودکان یاد می‌دهد چطور چادر بزنند و یا تخم‌مرغ جمع‌آوری کنند و هزار کار دیگر که در شهرها نمی‌شود آن را فهمید.

از قضا، مدرسه‌ای که می‌خواهیم معرفی کنیم در شهر بزرگ تهران نیست! مدرسه طبیعت نوج در شالیزارهای مازندران تأسیس شده و در آن کودکان یاد می‌گیرند نشای برنج چگونه زده می‌شود، بچه بز چگونه شیر می‌خورد یا حتی تجربه گزیدگی زنبور را خواهند داشت!

دوی سه پا

پیشنهاد آخرمان یک بازی واقعی واقعی است. در این بازی، یک پای یک کودک را به پای کودک دیگر می‌بندید. حالا باید هر جفت کودکان مسافتی را بدونند. هرچه کودکان سریع‌تر بدونند و مسافت را از رقیبان زودتر طی کنند، برنده‌اند.

اگر بچه‌ها در بازی زمین بخورند اهمیتی ندارد بلکه باید سعی کنند دوباره بایستند و ادامه دهند. این بازی که اتفاقاً فقط مخصوص بچه‌ها نیست و شما بزرگ‌ترها هم می‌توانید آن را انجام دهید، چند نکته مهم دارد. در این بازی دو شخص می‌آموزند که باید با یکدیگر همکاری کنند و با تکیه روی به نتیجه نخواهند رسید. در ضمن، باید سعی کنند حرکت ابداع کنند؛ مثلاً به صورت لی‌لی بروند. بچه‌ها باید تعادل خودشان را حفظ کنند و سعی کنند ضمن درک تفاوت خود با دیگران به تفاهم و همکاری هم فکر کنند.

هر پیشنهادی که در این صفحه می‌بینید حاصل جست‌وجو و پرسش از کارشناسان و مربیان است که سال‌های بسیار در حوزه پیش‌دبستانی مشغول به فعالیت هستند. پس شما هم می‌توانید پیشنهادهای خوبتان را به مجله پیش‌دبستانی ارسال نمایید تا به نام خودتان معرفی گردد.

بی‌نوشت‌ها

1. www.aparat.com
2. Kids Learn Shapes

۳. مدرسه طبیعت واقع در شالیزارهای مازندران

دکتر فرخنده مفیدی



عنوان: برنامه آموزش خلاق برای پیش دبستان ۲
نویسندگان: داین ترسترداج، لوراج، کولکر و کیت هرومن
مترجمان: دکتر فرخنده مفیدی، دانا، مصطفی کریمی، دکتر فریده ترابی میلانی، جمشید هادیان و سیروس حدوت
ناشر: انتشارات خجسته (تلفن: ۶۶۴۶۰۲۸۳-۰۲۱)
سال انتشار: ۱۳۹۳
تعداد صفحات: ۳۴۰
قیمت دوره دوجلدی: ۶۵۰۰۰ تومان

● فصل نهم با عنوان هنر ابتدا به چگونگی نقش هنر در تقویت رشد کودکان پرداخته است.

در این فصل نیز محیط مناسب برای خلق هنر، وسایل و لوازم برای انواع کارهای هنری از جمله نقاشی و رنگ آمیزی، قالب گیری مواد و خمیر بازی و غیره با ذکر نمونه مطالبی آمده است.

فصل دهم تا شانزدهم نیز همانند سایر فصولی که بدانها اشاره شد دارای مشخصاتی چون موارد زیر است. در ضمن عناوین به ترتیب کتابخانه، اکتشاف، شن و ماسه و آب، موسیقی و حرکات موزون، آشپزی، رایانه ها و سرانجام فضای باز می باشند.

۱. ذکر اهداف
۲. بررسی وسایل و مواد
۳. چینش فضا و ذکر نمونه ها
۴. نقش معلم و پیشنهادها
۵. همراهی تصاویر و جداول شفافیت ساز مطالب

این کتاب حاوی سؤالات و پوشش دهی پاسخ ها در حد امکان، واژه نامه انگلیسی - فارسی و فارسی - انگلیسی است. کتاب از یکدستی و روانی نوشتار برخوردار است و مطالعه آن را به مربیان و علاقه مندان و پژوهشگران کار با کودکان توصیه می نماییم و برای مترجمان نیز آرزوی موفقیت بیشتر داریم.

مجلد دوم این کتاب با بخش دوم که حاوی فصول ششم تا شانزدهم است، آغاز می شود. عناوین هر یک از فصول به گونه ای چینش شده اند که ارتباط بازی با اهداف برنامه آموزشی برای کودکان را حفظ کرده است.

وجود تصاویر و نیز جداول و نمودارها به روشن سازی پاره ای از مطالب کمک کرده است. نمونه آن در فصل ششم با عنوان بازی با آجرک ها توانسته با مربیان در اجرا ارتباط مناسبی برقرار کند.

● در فصل ۷ با عنوان بازی های نمایشی، بر رشد سالم و یادگیری کودکان طی سال های پیش از مدرسه از راه بازی نمایشی تأکید دارد. ضمن بررسی اهداف در مورد ایجاد محیطی مناسب برای بازی نمایشی، انتخاب و ارائه وسایل بازی، و آنچه کودکان در بخش بازی های نمایشی یاد می گیرند مطالب ساده ای دارد. نقش معلم در این نوع بازی های و انمودسازی و چگونگی مشارکت کودکان مورد توجه قرار گرفته و پیشنهادهایی نیز برای برانگیختن کودکان به بازی های نمایشی توصیه شده است.

● در فصل ۸ با عنوان اسباب بازی و بازی های با قاعده بر ایجاد محیطی مناسب برای اسباب بازی ها تأکید شده و انواع بازی های با قاعده و نمونه ها مورد بحث قرار گرفته است. نکته مهم این است که ملاک هایی برای انتخاب اسباب بازی ها و بازی های با قاعده نیز گنجانیده شده است. شیوه چینش مطالب به همراه عکس و جداول در این فصل نیز جالب است.



رشد برای رشد

نحوه اشتراک:

پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰ بانک تجارت، شعبه سهراب آزمایش کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست، به دو روش زیر، مشترک مجله شوید:

۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی؛
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی یا از طریق دورنگار به شماره ۸۸۴۹۰۲۳۳ لطفاً کپی فیش را نزد خود نگه دارید.

عنوان مجلات درخواستی:

نام و نام خانوادگی:

تاریخ تولد: میزان تحصیلات:

تلفن:

نشانی کامل پستی:

استان: شهرستان:

خیابان:

پلاک: شماره پستی:

شماره فیش بانکی:

مبلغ پرداختی:

اگر قبلاً مشترک مجله رشد بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

● نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۱۱۵۵/۴۹۷۹

● تلفن بازگانی: ۰۲۱-۸۸۸۶۷۳۰۸

● Email: Eshterak@roshdmag.ir

● هزینه اشتراک سالانه مجلات عمومی رشد (هشت شماره): ۳۵۰/۰۰۰ ریال

● هزینه اشتراک سالانه مجلات تخصصی رشد (سه شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال



با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماه‌نامه و نه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد کودک برای دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و پایه اول دوره آموزش ابتدایی

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره آموزش ابتدایی

رشد دانش‌آموز برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دوره آموزش ابتدایی

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد نوجوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه اول

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

رشد جوان برای دانش‌آموزان دوره آموزش متوسطه دوم

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت ماه‌نامه و هشت شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

● رشد آموزش ابتدایی ● رشد تکنولوژی آموزشی

● رشد مدرسه فردا ● رشد معلم

مجله‌های بزرگسال تخصصی:

به صورت فصل‌نامه و سه شماره در سال تحصیلی منتشر می‌شود:

- رشد آموزش قرآن و معارف اسلامی ● رشد آموزش زبان و ادب فارسی
- رشد آموزش هنر ● رشد آموزش مشاور مدرسه ● رشد آموزش تربیت بدنی
- رشد آموزش علوم اجتماعی ● رشد آموزش تاریخ ● رشد آموزش جغرافیا
- رشد آموزش زبان‌های خارجی ● رشد آموزش ریاضی ● رشد آموزش فیزیک
- رشد آموزش شیمی ● رشد آموزش زیست‌شناسی ● رشد مدیریت مدرسه
- رشد آموزش فنی و حرفه‌ای و کار دانش ● رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و تخصصی، برای معلمان، مدیران، مربیان، مشاوران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان گروه‌های آموزشی و... تهیه و منتشر می‌شود.

● نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶.

● تلفن و نمابر: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۷۸

● وبگاه: www.roshdmag.ir

نوروز

در
مراکز پیش دبستانی

